





## اطلاعات

**پایان‌الفتح**

## قبل از آنکه دیر شود

**فتح الله آملی** اخیراً **اتحمن و اجتماعات** اعتراضی مقابل بانک مرکزی به نوعی رویهٔ وعادت بدل شده که جمع یا جمعیتی به عنوان مالیتنه در مقابل این بانک اجتماع کرده و با حمل کارکارد و سر دادن شمار از آن بانک می‌خواهند تکلیف آنها را روشن کنند. اگر قبلاً فقط مؤسسات چندنی از جمله: بانک پدیده بودند که به مشکل خورده بودند حالا سیره گذران **نامن الحجاج، آرمان** و کاسپین هم به این جمع اضافه شدند و ظاهراً گویا این رشته همچنان سر دراز دارد و قرار نیست به سامانی برسد.

پیش از این سیره سرده گذاران مؤسسات اعتباری و پولی و مالی غیردولتی و غیرقانونی زیادی دچار مشکل شده بودند و بانک مرکزی به درستی اعلام می‌کرد که چون اینها دارای مجوز نبودند ما در جریان اقدامات آنها بودیم و لذا مردم باید دقت کنند که فقط به مؤسسات و مراکزى که تحت نظارت بانک مرکزی هستند اعتماد ننند اما ظاهراً انکار حتى این توصیه هم کافی و کامل نبوده و برخی مؤسسات اعتباری زیرنظر بانک مرکزی هم به مشکل خورده‌اند. مؤسسه اعتباری کاسپین گویا از آن جمله است. اما آیا باید امیدوار بود که چندن نمونه به مددور از مؤسسات اعتباری دچار مشکل هستند و خطری شبیه را تهدید نمی‌کند؟ آیا باید گفت این خطر به هیچ‌وجه دامان نظام بانکی را نخواهد گرفت؟

مدیر کل نظارت بانک مرکزی البته چنین اعتقادی دارد و می‌گوید بانکها با مشکل روبرو هستند اما روشکسته نیستند.
والله سیف رئیس کل بانک مرکزی هم می‌گوید فعالیت شبکه بانک و صلاحت و سلامت تداوم دارد و این بانک در راه صیانت از سیره‌دهای مردمی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و همواره خود را نماینده سیره گذران می‌داند... اما تا چه حد می‌توان به این سخنان دل خوش داشت؟

چندى قبل وقتی ترانزمانه مالی چند بانک منتشر ووضیعت واقعی و ارزش سهام آنان در بورس معلوم شد در فاصله کوتاهى اوضاع بورسى چند بانک بزرگ و کم ریخت و ارزش سهام آنان به میزان قابل توجهی پایین آمد و گرشهای از کوه پخ از زیر آب بیرون نآه رانفته‌تسه سعى شد تا اوضاع رو به بهبودنشان داده شود.ولی واقعیت آن‌است که اگر سیستم بانکی تکلیف خودرا با سود سیره‌ده معلوم کندشتر روشکستنی در خانه گیسیم بانکى تکلیف خودرا در حال حاضر به بیشتر مقامات و کارکنانشان شکاف بین درآییمه خواهد. بدیهی‌باشد بانکها به بیشترین اندازه خود رسیده است. بانک به پول خپول توسط این نظام بدون خلق ثروت و با ارزش افزوده است. درحالی که اکثر فعالیت‌های اقتصادی در کودی عجیب به سر می‌رند، درآمدهای ارزی و نفتی کشور هم کاهش داشته، تورم هم در اکثر موارد تکثری بوده، نظام بانکی مشغول خلق پول بوده است. به زیان ساده وقتی در کشور هیچ فعالیت اقتصادی و تجاری سودآوری ک بالای ۱۰ درصد منفت به دنبال داشته باشد. سران نداریم، بانک به سیره‌دهای میلاردی سه حداقل ۳۰ درصد سود می‌دهد، یعنی پول با سیره شده در هر سال حداقل ۲۰ درصد بیشتر می‌شود.مى‌تواند این پدیده درواقع از جمله مهم‌ترین عوامل خلق پول در نظام بانکی است. بانک با باید از طریق اعطای وام با سود بالا به فعالیت سودآور اقتصادی خود ادامه دهد اما از طریق دریافت نرخ سود عملیاتی بانکی یا از طریق تولید گذارهای غیربانکی یا سودبانکداری با توجه به رکود حاکم بر بازار هیچ سیره‌کننده‌ای نتواند با نرخ سود بانکی که معمولاً بالای ۱۰ درصد است به بقای تولید امیدوار باشد. لذا درآشربه به استفاده از تسهیلات بانکی ندارد. پیش‌بینى و مستلزمات و مشتقات دریافت وام‌های با بهره بالا به دلیل بازدهی بالای سرمایه بود در رکود به سر می‌رد. تورم هم که تکثرقمی است لذا ملامت‌هاکنایتمی‌توانند با استمرار بر پرداخت بهره به این روش به حیات باقی افزوده شود. درحال حاضر نظام بانکی این طرح قرار سرمایه از بانک به بازارهای غیرمولد اقتصادی و ایجاد سونامی تورمی در بازارهای واسطه گرانه‌ای چون سفته‌بازی در بازار طلا یا ارز یا بتر رخ در وزن سمن، و مسکن، با وجود علم به آسیب‌زدایی بالا لگه داشتن نرخ سود سیره و پدیده گردن بانک‌های کشور، همچنان به این روند و مسیر ادامه می‌دهد و شهادت ساندانه‌ی به این بازار را ندارد. اما باید دانست بانک مرکزی نماینده دولت و نظام است و مردم به اعتماد و دولت به سیستم بانکی و مؤسسات اعتباری زیرنظر بانک مرکزی اعتماد می‌کنند و پولی‌هایشان را به این مراکز می‌سپارند لذا بانک مرکزی هم باید تمامی همت خویش را را به کار گیرد تا هر چه کمتری به آسپیی به مردم داده که گاه همه سرمایه و هست و نیست آنان است جلوگیری شود. به همین دلیل است که ضروری است قبل از آنکه مؤسسات اعتباری و بانک‌های دیگری به فهرست مؤسسات دارای مشکل و عدم پاسخگو به خیل عظیم سیره گذران‌افزوده شوند، از همین حال به فکر فردا باشد و اصلاح نظام بانکی را جدی بگیرد و تکلیف مردم را با این همه بانک و مؤسسه اعتباری و مالی روشن کند.

## دریادار سیاری:۲۵رزمایش دریایی اسماال بر گز ام سال بود

سرویس سیاسی – اجتماعی: فرمانده دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در برگزاری ۲۵ رزمایش دریایی تا پایان خرداد ماه، بر دریادار حبیب‌الله سیاری با اشاره به برگزاری ۲۵ رزمایش در سال ۹۶ اظهار داشت: این رزمایشان در تخصص‌های مختلف و در دریا و سواحل دریای شمال و جنوب اجرا می‌شود و در پایان هم رزمایش تری دریایی لایه ۹۶ است که به مرحله اجرا درمی‌آورد. وی با بیان این که زنجیبر نظامی نیروی دریایی پرروز و تمامی‌آنها تولید داخل هستند، تاکید کرد: در منطقه چهارم دریایی امار رضا (ع) و در صنایع دفاعی شهید تمجدی، ناوشکن نمودار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی‌ایران با افتخار عملیاتی شده است و اکنون در عرصه دریادرینوردی می‌کند و نواهای موشک‌انداز دیگری هم در دست تولید است که به امید خداوند این خطه قطعاً ادامه دارد.

فرمانده نیروی دریایی ارتش گفت: اعتقاد تلاش و همت ما بر این است که کارکنانی را تربیت کنیم تا بتوانند مأموریت‌های خطیر نیروی دریایی را به‌ویژه در عرصه دریادرینوردی و در تخصص‌های جهان به خوبی انجام دهند. چرا که فرمانده کل قوا فرموده‌اند که مطهر اطمینان مردم در دریا بردهای دریایی است. سیاری با بیان این که باید از جلست اسان با فرمان‌روان در ماه مبارک رمضان که ماه پایان‌یازان و انسان‌سازی است، بهره ببریم، افزود: ما برای این کار فرمایشات معظم له را انجام دهیم، نیاز به اسان‌هایی داریم که در ابعاد مختلف آمادگی انجام مأموریت را داشته باشند و بهترین منبع، استفاده از قرآن کریم است. او افزود: با تاکید بر این که قرآن کرآن کارخانه انسان‌سازی است، مؤمن بودن، داشتن تعهد و تخصص، ولایت‌مدار و ابتکارگر بودن از ویژگی‌هایی است که ما در جوان‌هایی که به آموزش ویژه نیروی دریایی ورود می‌کنند نیاز داریم و برای رسیدن به این‌ها هیچ چیزی مانده‌اندز قرآن اثر گذار نیست.

## چرمان: افزش کرایه حمل و نقل عمومی قانونی نیست

سرویس سیاسی – اجتماعی: مهدی چرمان رئیس شورای شهر تهران در حاشیه جلسه بیروز، از افزایش حداکثر ۱۰ درصدی نرخ کرایه حمل و نقل عمومی در به‌خش اتوبوس، مترو و تاکسی و اجرای این افزایش در روزه‌ای آینده خبر داد و گفت: پس از مخالفت فرمانداری تهران با مصوبه افزایش نرخ کرایه‌های حمل و نقل عمومی‌شورای اسلامی‌شهر تهران، این موضوع به بحث حل اختلاف وزارت کشور ارسال شد و نهایتاً این هیأت افزایش حداکثر ۱۰ درصدی را برای نرخ کرایه اتوبوس، مترو و تاکسی به تصویب رساند.

وی افزود: این افزایش شدن این مصوبه منوط به اصلاح این مصوبه به فرمانداری تهران و شورای اسلامی‌شهر تهران است که هنوز درخانه هیات حل اختلاف این کار را انجام نداده است و پیگیر این موضوع هستیم.

رئیس شورا تاکید کرد:اکنون هیچ‌گونه افزایشی در نرخ کرایه‌های حمل و نقل عمومی‌قانونی نیست. همچنین عضو کمیسیون‌سلامت‌شورای شهر تهران خواستار توجیه ویژه به دستور کار کار مردم ۱۵ خرداد مدفون شده در مقبره سید ملک خاتون شد. احمد مسجدجامعی دیروز در سیمده وپنجاهمین جلسه علنی شورای شهر چهارم با تشکر از اقدامات شهرداری تهران برای پوشش مراسم ۱۴ و ۱۵ خردادماه به بیان این که جمعی از شهادهای ۱۵ خردادماه در مقبره سیدملک‌خاتون دفن شده‌اند، گفت: باید به این شهدا توجه ویژه‌ای شود چراکه تقریباً فراوش شده‌اند.

وی با بیان این که پارسال – در ماه مبارک رمضان از منزل پدری شهید تندگویان بازگشته و درگذشته بود (و) با بیان این که به زمین ما پارسال تذکری به خانه مؤزه تبدیل کند که با وجود زحماتی که انجام شد اما به نتیجه نرسید، افزود: منزل پدری شهید تندگویان باید حفظ شود و پیشنهاد می‌شود خرید این خانه را در دستور کار قرار دهیم.

عضو کمیسیون سلامت شورا در ادامه با تشکر از مهدی چرمان رئیس شورای

شهر برای حضور در جمع اعضای منتخب شورای محترم، گفت: پس از تشکیل هیات رتبهه مترو، شش کمیسیون متوک هم تشکیل شد، اما آن آنجا که اعضای شورا در این دوره هم است، ترکیب کمیسیون‌های مختلف است که باید برای این مهم چارهای اندیشیده‌شد. همچنین در این جلسه رزمایش‌های حفاظتی رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران از بی پاسخ ماندن ۵ ماهه تذکر مکتوب از شه شهردار تهران انتقاد کرد و (و) با بیان این که به زمین ما پارسال تذکری مکتوب به شهردار ادامه که هنوز پاسخ آن را دریافت نکردیم، تاکید کرد: تذکر من درباره تخصیص نیاقتن ۲ درصد عوارض ایمنی و آتش نشانی در سال ۹۲ تا ۹۵ بود که بی‌پاسخ مانده است.

اسماعیل جعفری دیگر شورا هم در تذکری با بیان این که برخی از پروژه‌های شهیری همچون پروژه شهید شوشتری، ساندانهی میدان فتح، ادامه ساخت بزرگراه یادگار امام (ره) و (و) افزایش سیمانهی مانده است، گفت: این پروژه‌ها به نفع این انجام می‌شود و اگر در این مدت معطل انباشد شود، باید این کار به لازم است شورای شهر در این زمینه فکری کند.

## رئیس مجلس: با برگزاری انتخابات مکانیزه نگرانی مردم رفع می‌شود

بقیه از صفحه اول

کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس، مرکز پژوهش‌ها، وزارت کشور و شورای نگهبان جلسات فشرده‌ای باید برگزار کنند تا این مشکل رفع شود و در انتخابات بعدی که اگر لازم است نرم‌افزارها کنترل و انتخاباتی تکمیل‌تریه برگزار شود و صف‌های طولانی نداشته باشیم.

لاریجانی ادامه داد: در روز انتخابات هم تغییر مهم نیست به قانون، آیین نامه و ثبت مشخصات شناسنامه ای وجود داشت که همین موضوع وقت گیر بود و وزارت کشور تلاش کرد تا تغییر یگانه ای درباره این موضوع حاکم شود، اما در کل این موضوع تا

ساعت پایانی رای گیری طول کشید. وی همچنین گفت: این هم از آن دسته مطالبی است که اگر اصلاح آیین نامه می‌خواهد، باید انجام شود و وقتی شما که دلی را ثبت کردید، دیگر احتیاجی به ثبت مشخصات شناسنامه‌ای نباشد چون وقت گیر است.

لاریجانی از وزارت کشور تشکر کرد و گفت که انتخابات خوبی برگزار شد. رئیس مجلس شورای اسلامی‌از کمیسیون اصل ۹۰ مجلس خواست که برای جلوگیری از تصبیع حقوق سیره‌ده گذران کاسپین و آرمان مشکلات آنها را پیگیری کند.

**گزارش وزیر کشور**

وزیر کشور هم با تاکید بر این که مشارکت حداکثری مردم در انتخابات ۲۹ اردیبهشت، معادلات منطقه ای و جهانی را به نفع ایران تغییر داد: گفت: مهمترین پیام حضور پرشور مردم بیش از ۴۱ میلیون نفر هموطنان در پای صندوق‌های رای، اعتقاد مردم به آرمان‌های انقلاب و اشتیاق آنان برای مشارکت در تعیین سرنوشت میهن اسلامی‌خود بود.

به گزارش ایرنا، عبدالرضا رحمانی فضلی در جلسه علنی دیروز مجلس اظهار داشت: انتخابات در شرایطی برگزار شد که کشور به لحاظ مؤلفه‌های سیاست خارجی، امنیت ملی و مسائل داخلی در وضعی قرار داشت که حضور گسترده مردم در این روز در صحنه مشارکت بیش از هر دوره دیگر ضروری ساخته بود.

وزیر کشور تصریح کرد: در این میان، بزرگ‌ترین و مهمترین پیام حضور پرشور بیش از ۴۱ میلیون نفر از هموطنان عزیز در پای شهیدخت مولاوردی معاون اسور زنان و خانواده ریاست جمهوری یکی از برنامه های دولت درازدهم را تکريم بانوان در جامعه دانست.

وی در حاشیه نشست چهارمین

همایش نکوداشت حضرت خدیجه(س) – دریسار برنامه‌های

آینده دولت دوازدهم در زمینه

جایگاه اجتماعی زن، گفت: بحث

تکريم جایگاه بانوان در جامعه جزو

مجموعه برنامه های دولت دوازدهم

است شده که در کتاب برنامه های

ریاست جمهوری با هدف حفظ

کرامت زن در جنبه های مختلف و

همچنین تأثیرگذاری آنان چه در

چارچوب خانواده به عنوان مادر و

همسر چه در چارچوب جامعه و

عنوان شخصیتی که حضور پررنگ

دارد تبیین شده است.

وی همچنین افزود: این امر

برگرفته از مفاد برنامه ششم توسعه

است که در پنج سال آینده در دستور

کار کشور خواهد بود و همسوز

معاون رئیس سیاسی – اجتماعی: فرمانده دریایی ارتش جمهوری

اول رئیس جمهوری تا انتقال از خروج

آمریکا از توقافنامه محیط زیستی پاریس

گفت: متاسفانه ترامپ فراوش کرده است

که آمریکا به عنوان مهمب اصلی تولید

گازهای گلخانه ای در چند دهه گذشته

نه فقط زندگی مردم این کشورکه زندگی

بشريت را تهدید کرده است.

به گزارش خبرنگار ما، اسحاق

جهانگیری با بیان این مطلب در مراسم

دوازدهمین دوره جایزه ملی محیط زیست

که به مناسبت روز جهانی محیط زیست

برگزار شد، به لزوم توجه به مسائل زیست

محیطی تاکید کرد و افزود: همگان واقف

هستیم که امروز جهان بیش از ظرفیت‌های

زیستی خود مورد بهره برداری قرار گرفته

و با چالش‌های جدی روبروست.

وی افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم

شدن زمین، تغییر اقلیم، آلودگی آب، خاک

و هوا و زوال جنگل‌ها و مراتع را از

جمله تهدیدات زیست محیطی برشمرد

و تصریح کرد: تهدیدات زیست محیطی برای

ساکنان زمین وجود دارد که مقابله با آنها

فرا زمان و فرا مکان است و همه ملت‌ها

و دولت‌های دنیا باید نسبت به سرنوشت

زمین حساس باشند و برنامه‌ریزی کنند.

جهانگیری ادامه داد:مکرراً می‌شنوم

که سازمان‌های بین‌المللی در زمینه محیط

زیست گام‌های برمی‌دارند که آخرین

نمونه آن توافقنامه زیست محیطی پاریس

است. این توافق پس از مذاکرات متعدد

و طولانی کشورها عضو سازمان ملل

تهای شد و به امضای اعضای آن رسید،

اما متاسفانه رئیس جمهوری آمریکا که

دهه گذشته نه فقط زندگی مردمی، بلکه

زندگی بشريت را تهدید کرده است

به حاشی که آمریکا باید به نفع

و وظایف انسان خود در زمینه مسائل

زیست محیطی عمل کند و جهان باید

در این باره موضعی جدی داشته باشد.

جهانگیری با بیان این که بازگشت

تعادل به زیست بوم طبیعی مستلزم تلاش

کار جدی همه بخش‌ها و کشورها و

ست، تصریح کرد: جامعه جهانی نمی‌تواند

## اخبار داخلی

## رئیس مجلس: با برگزاری انتخابات مکانیزه نگرانی مردم رفع می‌شود

صندوق‌های رای، اعتقاد مردم به آرمان‌های انقلاب و اشتیاق آنان برای مشارکت در تعیین سرنوشت میهن اسلامی‌خود بود. رحمانی فضلی با تاکید براین که بدون شک این مشکل رفع شود و در انتخابات بعدی که اگر لازم است نرم‌افزارها کنترل و انتخاباتی تکمیل‌تریه برگزار شود و صف‌های طولانی نداشته باشیم.

لاریجانی ادامه داد: در روز انتخابات هم تغییر مهم نیست به قانون، آیین نامه و ثبت مشخصات شناسنامه ای وجود داشت که همین موضوع وقت گیر بود و وزارت کشور تلاش کرد تا تغییر یگانه ای درباره این موضوع حاکم شود، اما در کل این موضوع تا

ساعت پایانی رای گیری طول کشید. وی همچنین گفت: این هم از آن دسته مطالبی است که اگر اصلاح آیین نامه می‌خواهد، باید انجام شود و وقتی شما که دلی را ثبت کردید، دیگر احتیاجی به ثبت مشخصات شناسنامه‌ای نباشد چون وقت گیر است.

لاریجانی از وزارت کشور تشکر کرد و گفت که انتخابات خوبی برگزار شد. رئیس مجلس شورای اسلامی‌از کمیسیون اصل ۹۰ مجلس خواست که برای جلوگیری از تصبیع حقوق سیره‌ده گذران کاسپین و آرمان مشکلات آنها را پیگیری کند.

**گزارش وزیر کشور**

وزیر کشور هم با تاکید بر این که مشارکت حداکثری مردم در انتخابات ۲۹ اردیبهشت، معادلات منطقه ای و جهانی را به نفع ایران تغییر داد: گفت: مهمترین پیام حضور پرشور مردم بیش از ۴۱ میلیون نفر هموطنان در پای صندوق‌های رای، اعتقاد مردم به آرمان‌های انقلاب و اشتیاق آنان برای مشارکت در تعیین سرنوشت میهن اسلامی‌خود بود.

به گزارش ایرنا، عبدالرضا رحمانی فضلی در جلسه علنی دیروز مجلس اظهار داشت: انتخابات در شرایطی برگزار شد که کشور به لحاظ مؤلفه‌های سیاست خارجی، امنیت ملی و مسائل داخلی در وضعی قرار داشت که حضور گسترده مردم در این روز در صحنه مشارکت بیش از هر دوره دیگر ضروری ساخته بود.

وزیر کشور تصریح کرد: در این میان، بزرگ‌ترین و مهمترین پیام حضور پرشور بیش از ۴۱ میلیون نفر از هموطنان عزیز در پای

شهیدخت مولاوردی معاون اسور زنان و خانواده ریاست

جمهوری یکی از برنامه های دولت درازدهم را تکريم بانوان در جامعه

دانست.

وی در حاشیه نشست چهارمین

همایش نکوداشت حضرت خدیجه(س) – دریسار برنامه‌های

آینده دولت دوازدهم در زمینه

جایگاه اجتماعی زن، گفت: بحث

تکريم جایگاه بانوان در جامعه جزو

مجموعه برنامه های دولت دوازدهم

است شده که در کتاب برنامه های

ریاست جمهوری با هدف حفظ

کرامت زن در جنبه های مختلف و

همچنین تأثیرگذاری آنان چه در

چارچوب خانواده به عنوان مادر و

همسر چه در چارچوب جامعه و

عنوان شخصیتی که حضور پررنگ

دارد تبیین شده است.

وی همچنین افزود: این امر

برگرفته از مفاد برنامه ششم توسعه

است که در پنج سال آینده در دستور

کار کشور خواهد بود و همسوز

معاون رئیس سیاسی – اجتماعی: فرمانده دریایی ارتش جمهوری

اول رئیس جمهوری تا انتقال از خروج

آمریکا از توقافنامه محیط زیستی پاریس

گفت: متاسفانه ترامپ فراوش کرده است

که آمریکا به عنوان مهمب اصلی تولید

گازهای گلخانه ای در چند دهه گذشته

نه فقط زندگی مردم این کشورکه زندگی

بشريت را تهدید کرده است.

به گزارش خبرنگار ما، اسحاق

جهانگیری با بیان این مطلب در مراسم

دوازدهمین دوره جایزه ملی محیط زیست

که به مناسبت روز جهانی محیط زیست

برگزار شد، به لزوم توجه به مسائل زیست

محیطی تاکید کرد و افزود: همگان واقف

هستیم که امروز جهان بیش از ظرفیت‌های

زیستی خود مورد بهره برداری قرار گرفته

و با چالش‌های جدی روبروست.

وی افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم

شدن زمین، تغییر اقلیم، آلودگی آب، خاک

و هوا و زوال جنگل‌ها و مراتع را از

جمله تهدیدات زیست محیطی برشمرد

و تصریح کرد: تهدیدات زیست محیطی برای

ساکنان زمین وجود دارد که مقابله با آنها

فرا زمان و فرا مکان است و همه ملت‌ها

و دولت‌های دنیا باید نسبت به سرنوشت

زمین حساس باشند و برنامه‌ریزی کنند.

جهانگیری ادامه داد:مکرراً می‌شنوم

که سازمان‌های بین‌المللی در زمینه محیط

زیست گام‌های برمی‌دارند که آخرین

نمونه آن توافقنامه زیست محیطی پاریس

است. این توافق پس از مذاکرات متعدد

و طولانی کشورها عضو سازمان ملل

تهای شد و به امضای اعضای آن رسید،

اما متاسفانه رئیس جمهوری آمریکا که

دهه گذشته نه فقط زندگی مردمی، بلکه

زندگی بشريت را تهدید کرده است

به حاشیه که آمریکا باید به نفع

و وظایف انسان خود در زمینه مسائل

زیست محیطی عمل کند و جهان باید

در این باره موضعی جدی داشته باشد.

جهانگیری با بیان این که بازگشت

تعادل به زیست بوم طبیعی مستلزم تلاش

کار جدی همه بخش‌ها و کشورها و

ست، تصریح کرد: جامعه جهانی نمی‌تواند

معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر لزوم تمرکز بر

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:

مسائل زیستی محیطی کلاشهرها گفت:















## سیری در دعای ابوحمزه ثمالی

<b>استاد کریم زمانی</b>	<b>بخش پنجم و پایانی</b>
<b>همه خوبی‌ها</b>	
<span></span> <p>معبودا، تویی که طلب‌کننده‌ات تو را تنگدست نگر داند و رسیده به نعمت‌هایت چیزی از تو نگاهد؛ چنانسی که خود گویی و برتری از آنچه ما گویم.</p> <p>خداوندان، از تو صبری جمیل و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ خواهم.</p> <p>پروردگارا، از تو همه خوبی‌ها را خواهم؛ آنچه شناسم و آنچه نشناسم.</p>	

از تو خواهم ای خدا، بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات خواهند. ای بهترین در خواست‌شان و ای بخشنده‌ترین بخشنده‌گان، خواست‌ام را در مورد خودم و خانواده و پدر و مادر و فرزندان و یستانگان و برادران دینی‌ام برآور، و زندگی‌ام به کام گردان و جوانه‌رمی‌ام آشکار، و همه احوالم به سامان آور و مرا در شمار کسانی قرار ده که عمرشان دراز و کردارشان نیکو گردانیدی، و نعمت خود بر آنان تمام کردی و از آنان خشنود گشتی و حیاتی پاک به آنان بخشیدی، در پاپداترین خوشی و فراخ‌ترین زاریات زندگانی، که همانا کنی هر چه خواهی و نکنی هر چه دیگری خواهی.

خداوندان، به ذکر مخصوصت، خاصم گردان و چنانم مگردان که هرچه در لحظات روزان و شبان، و سیله تقرب به درگاهت قرار دهم، آن را به خودنمایی و شهرت‌طلبی و سرکشی و ناسپاسی آلام، و مرا در شمار فرودتان درگاهت قرار ده.

خداوندان، عطایم کن فراوانی روزی و امنیت در وطن و روشنی چشم در خانواده و دارایی و فرزند و پایداری در نعمت‌هایی که به من دادی و تندرستی در جسم و نیرومندی در بدن و سلامت در دین. و تا زنده‌ام مرا بر طاعت خود و رسول‌ات محمد ـدردو خدا بر او و خاندانش باد ـ قرار ده، و مرا از برخوردارترین بندگانت گردان در هر خیری که فرو فرستادی و در ماه رمضان به شب قدر فرو فرستی، و رحمتی که در هر سال فرو فرستی و پرانگده کنی، و عاقبتی که پوشانی و بلایی که گردانی و نکویی‌هایی که پذیری و بدیهایی که درگذری؛

و روزی‌ام گردان زیارت خانه محضرت را در این سال و هر سال؛

و روزی‌ام کن زرقی فراوان از فضل گسترده‌ات.

و مسرورابندی و گزند از من بگردان و قرض و مظلمه ادا فرما تا از آن آزده نشویم؛ و چشمهام و گوشهای دشمنان و حسودان و ستمکاران را بر من فرو بند و مرا بر آنان پاری ده؛ و چشمانم روشن و دلم شادمان گردان و اندوه و گرفتاری‌ام گشایی و گریز گاهی برایم قرار ده؛

و هریک از آفریدگانت بد من خواهد، زیر پایم نه [خوارش گردان و مقهور من کن. ] و از شرّ شیطان و شرّ سلطان و زشتی کردارم رهایی‌ام ده.

و از همهٔ گناهان پاکم ساز و با عفؤ از آتش پناهم ده، و با مهرت به پشت اندرم ساز، و مرا برسان به دوستان شایسته‌ات، محمد و خاندان یکب او که پاک و پاکیزه و برگزیده‌گاند. درودهای تو بر آنان و جسم و جانشان باد و رحمت خدا و برکات او.

**اگر به دوزخم بری...**

معبودا و سرورا، سوگند به عزت و شوکوهٔ که اگر مرا به گناهانم گیري، تو را به گذشت‌طلبم، و اگر به خساری‌ام نکوهي، تو را به بزرگواری‌ات جویم، و اگر به دوزخم بری، دوزخیان را به محبتی که به تو دارم، آگاهام.

معبودا و سرورا اگر تنها بر دوستان و مطیعانٔ آموزش آری، پس گنهکاران، نزد که نالند؟ و اگر تنها به وفادارانت بزرگواری کنی، پس بدکاران از که پاری جویند؟

معبودا، اگر به آتش داری، دشمنت شادمان شود، و اگر به بهشتم اندر سازی، پیامبرت شادمان گردد؛ سوگند به خدايک‌دانه که شادمانی پیامبرت نزد تو محبوب‌تر از شادمانی دشمن توست.

**بیم و شوق**

خداوندان، از تو خواهم که دلم از دوستی و ترس و تصدیق کتابت و ایمان به خودت و بیمت و شوقٔ لیزیر فرمایم.

ای ارندۀ آشکوه و بزرگواری، مرا دوستدار لقایت کن و دوست‌دار، لقایم. و دیدارت را مایهٔ آسایش و گشایش و بزرگواری‌ام گردان. خداوندان، مرا به نیکان پیشین رسان و بگردانم از نیکان باقی مانده، و به راه نیکانم مرا؛

و همان‌طور که نیکان را در چگیری بر نفسشان پاری دادی، مرا نیز بر نفسم پاری ده؛

و فرجام به نکوترین فرجام‌ها رسان، و به مهرت پاداش مرا از آن بهشت قرار ده؛

و به مایهٔ مرا به شایستهٔ آنچه به من عطا فرمودی؛ و پایدارم دار ای پرورد گار؛

و بدان بدیها که از آن رهایی‌ام دادی، مگر بدارم، ای پروردگار جهانیان.

**ایمان بی پایان**

خداوندان! از تو خواهم ایمانی که پایانی ندارد جز دیدارت؛ و زنده‌ام را بر ایمان آن زنده‌ام داشته‌ای؛ و بهیرانم به گاه مردم بر آن؛ و بر انگیزم به گاه بر انگیزمختم بر آن.

و پاک گردان دلم از خودنمایی و تردید و شهرت‌طلبی در دینت تا عملم برای تو خالص گردد.

خداوندان، به من بخش ببینی در دین و فهمی در احکام و درایتی در دانشت و دو بهره از رحمت [پاداش دنیا و آخرت] و پروایی که مرا از ناقرماری باز دارد.

و به نورت رخسارم تاباک گردان و شوقم را ببلانجه نزد توست، متوجه گردان؛ و در راه خود و بر آیین رسولت ـدردو خدا بر او و خاندانش باد ـ بیدمیران.

**پناه به تو**

خداوندان، به تو پناه‌برم از کاهلی و سستی و اندوه و ترس و تنگ‌چشمی و بی‌خبری و سسگدلی و خواری و بینوایی و نداری و هر گونه بلا و هر زگی آشکار و نهان؛

و به تو پناه‌برم از نفسی که قانع نشود و شکمی که سیر نگردد و دلی که فروتن نشود و دعایی که شنوده نگردد و کاری که سود ندهد. و پروردگارا، به تو پناه‌برم بر جان و دین و دارایی و بر همه آنچه روزی‌ام کرده‌ای، از شیطان رانده شده که همانا تویی پناه‌دار.

خداوندان، به‌راستی کسی نیست که مرا از تو پناهم دهد و جز تو پناهگاهی نیابم. پس مرا به هیچ‌گونه‌ای از گرفتار دچار مساز و به هلاکت بدار و در عباد گردن‌اک باز مگردان.

خداوندان، از من [طاعت]م پذیر و نامردم گردان و جایگاهم و الاساز و گناهم فرو ریز و مرا به خطایم یاد مکن؛ و پاداش مجلس و گفتار و دعایم را بخشنودی‌ات و بهشت قرار ده.

و ای پروردگارم، عطا کن هر آنچه از تو خواهم، و بیفزایم از فضل خود که من به سوی تو مشتاقم، ای پروردگار جهانیان.

**در کتاب فرموده‌ای**

خداوندان، از تو کتابت فرموده‌ای که «در گذریم از آن که بر ما ستم کرده، و اینک ما بر خود ستم کرده‌ایم، پس از ما درگذر؛ زیرا تو از ما بدین کار سزاوارتری.

و به ما فرمان داده‌ای که «ما خواهند گان را از در خانه خود نرانیم»، و اینک به درگاهت سائل آمده‌ام. پس مرا من جز آنکه نیازم بر آوری، و به ما فرمان دادی که «نستب به زیر دستان احسان‌کنیم»؛ و ما اینک بندگان تویم، حال ما را از آتش برهان.

ای پناهم به گاه گرفتاری و اندوه، و ای فریادرسم به گاه سختی، به درگاه تو سالم و از تو ساری خواهم و به تو پناه آورم و به جز تو پناه نیابم و گشایش نخواهم جز از تو.

پس به فریادرسم و بر من گشایش آری، آن آن که بند اسیر گسلد از گناه گثیر گردد.

این طاعت اندکم پپذیر و از گناهان بسیاریم چشم پوش که همانا

تویی مهربان و آمرزنده.

خداوندان، از تو خواهم ایمانی که همراه‌همراهی کندملم را، و یقینی راستین که بدانم به من نرسد جز آنچه تو بر من نوشته‌ای و خشنودم‌دار بدان زندگانی که قسمتم کرده‌ای، ای مهربانترین مهربانان.

**به‌دین‌مناهی‌الجبان**
(انتشارات اطلاعات)

دینایی است که در آن زندگی می‌کنیم، صد درصد با «قانون علت» کار نمی‌کند. حوادث در فضایی دوبعدی رخ می‌دهند که یک بُعدش علتِ (یا سبب) است و بُعد دیگرش «بی سببی» است. این مطلب در ست برخلاف عقیده فیلسوفان کهن است. برخلاف فلاسفه، عرفای ما، این فضای دوبعدی حوادث را درک می‌کردند؛ ولی زبان پیاپی را به‌طور علمی نداشتند. زبان علم تحت‌سلطه منطقی و فلسفه «اسطوی بی بود و هنوز هم هست. دکتر لطفی زاده» که به پدر «منطق تشکیک» معروف است، متوجه شد

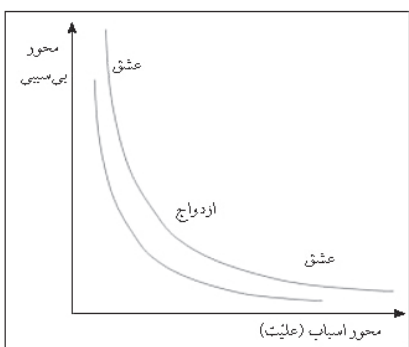
که درک منطق تشکیک، مستلزم درک علتِ است. او به همین خاطر پنهانی را در مورد تعریف علت شروع کرد و کوشید نشان دهد که علت را تا به حال نادرست یا ناقص فهمیده‌اند و فلاسفه (و همین‌طور دانشمندان علوم جدید) به اشتباه تصور می‌کنند که علت یک معنای روشن و غیر قابل تشکیک دارد. این اشتباه باعث می‌شود که بسیاری از دانشمندان معنی واقعی منطق تشکیک را درک نکنند و تصور نمایند که منطق تشکیک، بیان دیگری از موانع ما‌شین، صد درصد در عالم اسباب کار دارد. بعضی

محیط احتمالات است و گاه به این نتیجه می‌رسند که یا وجود حساب احتمالات، دیگر احتیاجی به منطق تشکیک نیست! من در بحثهای داغ علت لطفی زاده شرکت می‌کردم و نهایتاً متوجه شدم که علت مبهم بودن علت، شاید‌ان باشد که علت با بی‌علتی مخلوط است؛ به عبارت هاینز برگ آلمانی: «قطعیّت در کار نیست و ذرات ابتدایی عالم (مثل الکترون‌ها) در حرکت خود صد درصد محکوم به قوانین قابل پیش‌بینی علت نیستند و به این خاطر نامی‌شود محل مستحکمان را بر من طاعت خود و رسول‌ات محمد ـدردو خدا بر او و خاندانش کرده، در عین حال ذهن ما انسان‌ها (علی‌الخصوص ریاضیدانان‌ها و فیزیکدان‌ها) به دنبال علت و قطعیت می‌گردد. به این ترتیب فرضیه اختلاط خود و بی‌علنی برای اولین بار چند سال پیش در مجامع ریاضی عرضه شد.»

بر اساس این فرضیه، مسائل شبکه‌های پیچیده طبیعی بهتر حل می‌شوند. اگر هستی و زمان (یعنی عالم حوادث) را در یک فضای دوبعدی یعنی سبب و بی سببی تعریف کنیم، به این معنی که بگویم حوادث یک مؤلفه سببی دارند و یک مؤلفه بی‌سببی (مثل نمودار ۱). در این نمودار مؤلفهٔ سبب به تنهایی نمایندهٔ چهار مؤلفه (مکان و زمان) در فضای علت است و مؤلفهٔ بی سببی (که ما آن مؤلفهٔ سرانندی می‌خوانیم، خود نمایندهٔ یک فضای چندبعدی است که از آن خبر زیادی نداریم. آنقدر می‌دانیم که ریغی با عالم بی نظمی دارد.

«بی سببی» را در زبان انگلیسی گاه سرندبیتی<sup>۶</sup> می‌خوانند. این لغت انگلیسی بعد از ترجمه «هزار و یکشب» در زبان انگلیسی وارد شد و مربوط می‌شود به سفرهای دریایی اسفندپناه که برخلاف برنامه‌ریزی قبلی، بر اثر حوادث غیرقابل پیش‌بینی، به یک سرزمینی اسفناهی نام «سراندبیتی» ختم می‌شود و در آن سرزمین ماجراهای غریب رخ می‌دهد که با تمام خطرهایش، نهایتاً در جهت سعادت سنباد قرار می‌گیرند. این سرزمین که شاید در فضای جغرافیا همان سر پانکا باشد، در فضای اسفنا اشاره به عالم بی‌سببی دارد.

می‌دانیم که ریاضیدان‌ها بیش از هر کس دیگر با عالم اسباب سر و کار دارند. در واقع می‌توان گفت که «ریاضیات» منطقی عالم اسباب است. در عین حال بسیاری از ریاضیدان‌های بزرگ مثل لوئیز کارول<sup>۷</sup> (که یکی از



بزرگ‌ترین ریاضیدان‌های قرن نوزدهم است) و نیوتن و از شرقی تا خیام و ابوریحان و شیخ بهایی علاوه بر تبخیر در ریاضیات، در عالم بی سببی هم صاحب‌نظر و تخیه بوده‌اند.

لوئیز کارول نویسنده داستان معروف «آلیس در سرزمین عجایب» مثل سنباد سفری به سرزمین بی سببی می‌کند و از عجایب آن دیار رمزی می‌گوید. جالب اینکه سرزمین عجایب آلیس در آن سوی اینه است؛ یعنی جایی که از نظر ریاضیات کلاسیک به آن دسترسی نیست. یکی از هدیه‌هایی که این ریاضیدان از سفرش به فراسوی اینه می‌آورد، نظریه اعداد موهومی<sup>۸</sup> است که بُعد جدیدی به ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

ریاضیات و فیزیک داد و در واقع ریاضیات را از بند مادیت

## نظرها و اندیشه‌ها

سنتی رها کرد. اعداد موهومی هر چند که مسائلی را در علم فیزیک حل می‌کنند، ولی وجود فیزیکی ندارند. به اعتبار دیگر نوعی مدل‌سازی هستند. لوئیز کارول با «تئوری اعداد موهومی» نشان داد که ریاضیات یک نوع مدل‌سازی است که فیزیکدان‌ها از آن برای مدل‌سازی عالم خارج استفاده می‌کنند؛ ولی باید به خاطر داشت که از ریاضیات برای مدل‌سازی عوامل دیگر هم می‌توان استفاده کرد؛ از جمله برای عالم سراندبیتی (یا بی سببی) یا یاری تلقیق عوالم.

من نمی‌دانم که چه عوالمی ورای عالم اسباب وجود دارد؛ ولی فعلاً برای ساده کردن تمام عوالمی را که ورای اسباب هستند، ما یک عالم به حساب می‌آوریم و اسمش را «عالم سراندبیتی» (یا بی سببی) می‌گذاریم. برخلاف کامپیوتر که تنها با عالم علتِ مگر معنای رشب فکر انسان را هر دو عالم (سبب و بی سببی) در تماس است، بعضی از کارهای انسان مثل بازی شطرنج نیاز ساختن موانع ما‌شین، صد درصد در عالم اسباب کار دارد. بعضی

# جهان سبب و بی سببی

**دکتر سیدمر تفضی الهی قمشاهی – استاد دانشگاه و نکور**



مادر چک به گاو بود. «گاو» نشانه اعتماد به «عالم اسباب» است. تامل موقعی که گاو شیر می‌دهد، آن را می‌دوشیم و انسان‌مان را با آن می‌گزینیم؛ یعنی صد درصد به اسباب اعتماد داریم؛ و وقتی قلی گاو از شیر افتاد و مطمئن شدیم که دیگر شیر نخواهد داد، آن را می‌فروشیم.

گاو جک بی شباهت به گاو حسن نیست «که نه شیر

کسی که هیچ در راه سربوبی

تماما با عالم اسباب سر و کار دارد، طبیعتاً کار زیادی هم با این طفل ندارد و او را در زیر پیراهن و کلام اتوکشیده پنهانی می‌کند. جوان‌ترها مدتی مقاومت می‌کنند و سعی می‌کنند که این کودک را در خود زنده نگه دارند؛ ولی وقتی که از دانشگاه فارغ و تحصیل شدند، او را با بازار دکانی باز کردند و صاحب کسب و کاری شدند، می‌فهمند که این طفل بازیگوش مزاحم پیشرفت‌شان است. در نتیجه او را به ضمیر ناخودآگاه تحبید می‌کنند!

**بی‌نوشت‌ها:**
۱. لطفی علی عسکری زاده، معروف به لطفی زاده، متولد ۱۳۹۹، دانشمند ایرانی مقیم آمریکا، بیانگذار فازی-لازی.
2. fuzzy logic
3. Heisen.
۴. مراجعه کنید به مقاله:
Ghomshei et al, 2008. Fuzzy logic in a postmodern era
5.chaos
6. serendipity
7. Lewis Carroll
8. Imaginary number
9. inner child

دارد، نه پستان». در داستان حسن، گاو اسباب روزی است و پستانش امید به اسباب است و شیر هم که خود روزی است. وقتی امید به روزی از طریق اسباب قطع شد، زمانی است که باید اسباب را فروخت. در سرزمین اسباب (و

حساب و کتاب)، گاو حسن را که نه شیر دارد و نه امیدی به شیر داشتن هست، کسی نمی‌خرد؛ بنابراین گاو (یا شیر خیالی‌اش) را باید به عالم بی سببی برد. در آنجا آن متاع نا قابل را به قیمت بالا می‌خرند. حسن می‌تواند در هندوستان خیال (که همان عالم سراندبیتی است)، شیر خیالی را بدهد و یک زن کردی زیبا بگیرد. زن کردی منتهای آرزوهای حسن است!

این حال حسن را در عالم الدین عطار نیشابوری در داستان «صوفی گرسنه» در کتاب منطق‌الطیر بسیار زیباییان می‌کند: صوفی صبح زود در بغداد خیالی عسل فروش را می‌شنود که در کوچه فریاد می‌زند: «انگبین کبابی را به مادرش هم اززان می‌فروشم.» صوفی گرسنه که هیچ پولی ندارد، به او می‌گوید: «من هیچ ندارم و تو آیا هیچ (یعنی مقدار کمی) عسل می‌دهی و می‌آید و با شادی لوبیاهار را به مادرش را به باغچه پست می‌کند و رویش را با بخشم می‌بری گرداند. این حرکت مادر آخرین کاری است که باید انجام شود تا دری به سوی عالم سراندبیتی باز گردد. ابتدا گاو باید فروخته شود. قبل از فروش گاو را اعتماد عالم توکل بکند.

صوفی می‌رفت در بغداد زود در میان شهر آوازی شنود کان یکی گفت: انگبین دارم بستی می‌فروشم سخت اززان، کو کسی؟
شیخ صوفی گفت: ای مبرد صبور
می‌دهی هیچی به هیچی؟ گفت: دور تو مگر دیوانه‌ای کی پلهوس؟
کس به هیچی که بد چیزتی به کس؟
صوفی وقتتی محقرات و بی برگی‌اش را با تمام سلول‌هایش تجربه کرد، صدایی در دل شنید:
هافتی کسی ای صوفی در آن دنیا یک قدم زانجا که هستی برتر آ تا به هیچی، که همه چیزت دهیم
گر قرضه خواهی، بستی نیرت دهیم
این همان دعوت حسن به هندوستان است که:

«شیرش رو بر هندوستان، یک زن کردی بستون!»
در داستان «لویبای سحرآمیز» همین حال پاس و بی برگی صوفی به مادر جک دست می‌دهد. مادر جک قدمی را که هاتف به صوفی گفت بردارد، برمی‌دارد و لوبیهارا (که آخرین امید واهی عالم اسبابند)، از پنجره بیرون می‌اندازد (یعنی ایدیش از اسباب کاملاً قطع می‌شود). جک (پسرپچه جوان) که همان تجسم جان یا آرزوهای آن زن پیر و خسته است، با گریه به در آن شب به خواب می‌رود و صبح وقتی از خواب برمی‌خیزد، می‌بیند که خاک حفارت، لوبیهارا را پرورده است و آنها را به درخت لوبای تومندی بدل کرده است که بلندایش از ابرها می‌گذرد. جک از درخت بالا می‌رود و از ابرها می‌گذرد و به قصر و مزرعای می‌رسد که در آن مرغهای تخم طلا می‌گذارند!

**دوکود کردن**

در داستان لوبویب سحرآمیز، جک و مادرش تجلی افسانه‌ای یک نفر هستند. مادر «تدبیر» انسان است و پسرپچه بازیگوش، همان کودک درونی<sup>۱</sup> است که در عالم بی سببی زندگی می‌کند و همه چیزهای محال (مثل لوبویب سحرآمیز) را باور دارد. این کودک با ما به دنیا می‌آید، ولی غالباً زود در پشت گرد و غبار عالم اسباب مخفی می‌شود. این بچه که گاه نیز به صورت دخترپچه در داستان‌ها ظاهر می‌شود) همان (دختر ترسای شیخ صنمان) یا «مفچه» حافظ است. در ادبیات گاه به لفظ طفل از آن یاد می‌مانند این بیت حافظ:
دلبرم شاهد و طفل است و به شوی روزی یکشد زارم و در شرع نباشد گنهش
تجلی این کودک بازیگوش در عالم خارج، گاه به صورت زن است و گاه در نماد مرد، گاه جوان است و گاه پیر. این طفل در زندگی مولانا گاه به شکل شمس تبریزی تجلی می‌کند و گاه در شمایل حسام‌الدین چلبی (مثل لوبویب سحرآمیز) را باور دارد. این کودک با ما به دنیا می‌آید، ولی غالباً زود در پشت گرد و غبار عالم اسباب مخفی می‌شود. این بچه که گاه نیز به صورت دخترپچه در داستان‌ها ظاهر می‌شود) همان (دختر ترسای شیخ صنمان) یا «مفچه» حافظ است. در ادبیات گاه به لفظ طفل از آن یاد می‌مانند این بیت حافظ:
دلبرم شاهد و طفل است و به شوی روزی یکشد زارم و در شرع نباشد گنهش

تجلی این کودک بازیگوش در عالم خارج، گاه به صورت زن است و گاه در نماد مرد، گاه جوان است و گاه پیر. این طفل در زندگی مولانا گاه به شکل شمس تبریزی تجلی می‌کند و گاه در شمایل حسام‌الدین چلبی (مثل لوبویب سحرآمیز) را باور دارد. این کودک با ما به دنیا می‌آید، ولی غالباً زود در پشت گرد و غبار عالم اسباب مخفی می‌شود. این بچه که گاه نیز به صورت دخترپچه در داستان‌ها ظاهر می‌شود) همان (دختر ترسای شیخ صنمان) یا «مفچه» حافظ است. در ادبیات گاه به لفظ طفل از آن یاد می‌مانند این بیت حافظ:
دلبرم شاهد و طفل است و به شوی روزی یکشد زارم و در شرع نباشد گنهش

**بی‌نوشت‌ها:**
۱. لطفی علی عسکری زاده، معروف به لطفی زاده، متولد ۱۳۹۹، دانشمند ایرانی مقیم آمریکا، بیانگذار فازی-لازی.
2. fuzzy logic
3. Heisen.
۴. مراجعه کنید به مقاله:
Ghomshei et al, 2008. Fuzzy logic in a postmodern era
5.chaos
6. serendipity
7. Lewis Carroll
8. Imaginary number
9. inner child

دارد، نه پستان». در داستان حسن، گاو اسباب روزی است و پستانش امید به اسباب است و شیر هم که خود روزی است. وقتی امید به روزی از طریق اسباب قطع شد، زمانی است که باید اسباب را فروخت. در سرزمین اسباب (و

و عوامل آسیب در خانواده(محمد هادی فلاح، بحران خانواده در ایران(سعیدملنی)، آشنایی خانواده با مسوا(مخدر(حسن ملک‌زاده)، خانواده و مدیریت (زهره افروز)، محور و انگیزه ازدواج(حسنعلی بنکدار)، شناسایی عشق پاک و ناب (آر. هوس شعله‌ور(احمد حدیدی)، خانواده در متون ادبی(م. امیدوار)، فراموشی زنانگی زنان در نهفت حق بشر غربی(شهید مطهری)، مظلومیتی که در دخت پیامبر رفته و می‌رود (محمدتقی فاضل مینبدی، اسلام و شادی(علی تاج‌الدینی)، گلچینی از مصاحبه رسانه‌های خارجی با آیت‌الله العظمی صانعی در دهه ۸۰ چشم‌انداز: یکی از مطالب این شماره آمده است: «هدف پیامبر اسلام(ص) انسان‌سازی است بر تقویت روح و اتمام مکارم اخلاق در جامعه‌ای بود که مشکلات اصلی آن چهل، بی‌هدفی، غفلت، عقب‌ماندگی، فرومستی و بی‌اعتنایی به نقش پهلوان، داستان بزن و عفت‌ها، و بزرگ کیخسرو و با افراسیاب، پایان زندگی گیتانه کیخسرو، و دوران رفتن کیخسرو به ایران، کیخسرو در نوشتارهای دینی و آثار تاریخ نگاران و دانشوران، تاریخ روزگار و سیاست، کیخسرو. سال دوم، شماره دوازدهم فصلنامهٔ اجتماعی فرهنگی «صفریه» است، ۱۰۰ صفحه و با بهای ۵۰۰ تومان منتشر شد. در این شماره مطالب زیر به چاپ رسیده است:
ایدهٔ مسو، همهٔ جانه(گفت‌وگو با محسن منصورانی، وریکدر توانمندسازی زنان، به مشارکت اجتماعی زن‌ان، در جامعهٔ رسول خدا(معموه) ربیعان، یادداشتی دربارهٔ ابعاد، علل

باستانی ایران، پادشاهی کتیباد کیخاکوس، سیاوش، نمودگار انسان کامل، آنچه در آستانهٔ پای نهادن کیخسرو به ایرانشهر رخ می‌دهد، پای نهادن کیخسرو به ایرانشهر، پیرانشهر، پیرانشهر کیخسرو، داستان فرود، ترکان در شاهنامه و پورانیان، پیوند جهان پهلوان و شاه آغاز چرخهٔ حیات، دوران و دوران جمشیدی، دوران باستان، آغاز دوران فردونی، دوران فردونی، حشمن مهرگان، سه بهر شدن جهان، پایان دوران فردونی، منوچهر، چهرهای ناشناخته، آغاز دوران پهلوانی، دوران منوچهری، همهٔ جانه(گفت‌وگو با محسن منصورانی، وریکدر توانمندسازی زنان، به مشارکت اجتماعی زن‌ان، در جامعهٔ رسول خدا(معموه) ربیعان، یادداشتی دربارهٔ ابعاد، علل

**صفر حیات**

سال دوم، شماره دوازدهم فصلنامهٔ اجتماعی فرهنگی «صفریه» است، ۱۰۰ صفحه و با بهای ۵۰۰ تومان منتشر شد. در این شماره مطالب زیر به چاپ رسیده است:
ایدهٔ مسو، همهٔ جانه(گفت‌وگو با محسن منصورانی، وریکدر توانمندسازی زنان، به مشارکت اجتماعی زن‌ان، در جامعهٔ رسول خدا(معموه) ربیعان، یادداشتی دربارهٔ ابعاد، علل

## آنچه سزاوار روزه‌دار است

<b>ملا مهدی تراقی</b>
<div><b>ترجمه: دکتر سید جلال‌الدین مجتبی</b></div>

بدان که اجر روزه عظیم و ثواب آن بسیار است، و آیات و اخباری که دلالت بر فضیلت آن دارد، بی‌شمار و چون معروف و مشهور است که نیازی به ذکر آنها نیست، پس در اینجا به بعضی از امور باطنی آن اشاره می‌کنیم:

روزه‌دار را سزاوار این است که چشم خویش از هر چه نگاه‌کردن به آن حرام یا مکروه است، یا دل را از یاد خدای تعالی مشغول می‌سازد، فرونهد، و زبان را از ناله‌دار، ده و گوش را از هر چه شنیدن آن حرام یا مکروه است و شکم خود را از غذای حرام و شبهه‌ناک بازدارد، و دیگر اعضا و جوارح خود را از امور ناستوده و مکروه محافظت نماید. و دربارهٔ همه این شرط‌ها برای آنکه ثواب کامل بر روزه مترتب شود اخبار بسیار وارد شده است.

و نیز سزاوار است که هنگام افطار از حلال به قدری نخورد که معده او پر شود، زیرا خدای عزوجل طیفی طیف را بیشتر از شکم پر — اگر چه از حلال باشد — دشمن ندارد، که سر روزه‌داری فقر و غلبه بر دشمن خدا و شکستن شهوت و هواست تا نفس بر پیرزگاری و تقوا تقویت شود، و از حبض لذات نفس حیوانی به اوج شبهات و فرشتگان روحانی ترقی کند، و این چگونه حاصل می‌شود هر گاه روزه‌دار هنگام افطار آنچه را که در روز نخورده، تدارک و تلافی کند؟ به‌خصوص وقتی که غذاهای رنگارنگی را آن‌افزوده شود؛ چنان‌که عادت مردم این عصر است و چه بسا در ماه رمضان خوراک‌هایی خورده می‌شود که در چند ماه صرف نمی‌شود!

و شک نیست که چون معده از چاشنگاه تا شام خالی باشد، اشتهای آن افزون‌تر و رغبت آن بیشتر است، و آنگاه از طعام‌های رنگارنگ می‌خورد و لذت می‌برد، و چون آنچه از چاشت تا شام می‌خورد در شب می‌خورد، لذت آن بیشتر و قوت آن افزون‌تر می‌گردد، و شهوات او ابراز یگخته می‌شود که اگر به عادت خود روزه حاصل می‌شود، و تنها تأخیر می‌ماند، پس آنچه مقصود از روزه است، یعنی ضعیف ساختن قوای شهویه که وسیله‌های شیطان است



















۲۸ سال از رحلت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، گذشت. جامعه ایران در خرداد سال ۱۳۸۸ همچون سیلی خروشان، یکپارچه تبدیل به سربوگاری شد و تن به مشیت الهی داد. چند ماه پیش از آن، جنگ تحمیلی هشت ساله به پایان رسیده بود؛ مردم و خصوصا رزمندگان هنوز خود را با فضای جدید تطبیق ن داده بودند که امام از میناشان رفت به همین ترتیب بخش بسیار فربهی از دوران ۱۰ ساله رهبری امام را، با جنگ تحمیلی و فرماندهی او در جنگ پیوند زدند.

هنر مدیریت و رهبری در یک جامعه سیاسی در مواقع حساس و بحرانی اهمیت بسیار فراوانی پیدا می‌کند؛ و به تعبیری نوع رهبری و راهبری جامعه، دوران‌ساز می‌شود. جنگ ایران و عراق، از این منظر نیازمند نوعی تحلیل است که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. در واقع سه مولفه اساسی برای تبیین جنگ قابل بررسی است: نقش مردم، فرهنگ و باورهای جامعه و آنچه ما در این نوشتار مدنظر داریم: رهبری فرماندهی جنگ.

امام خمینی(ره) زمانی سکندار جامعه ایران بود که با جراح و طوفان‌ها، پشت‌دریشت هم، کمر به فروپاشی اضمحلال کشور بسته بودند؛ بحران‌تجزیه‌طلبی، گروه‌های مسلح سیاسی، اقدام به کودتا علیه انقلاب و ترورهای گسترده مسئولان نظام و … از جمله مواردی بود که رهبری سیاسی جامعه را به آزمونی دشوار فرا می‌خواند. با این حال آن چه ماهیت اساسی رهبری امام و به تعبیری دیگر هنر فرماندهی ایشان را آشکار کرد؛ تجاوز عسراق به مرزهای ایران و آغاز جنگی گسترده علیه ایران، انقلاب و مردم بود. در واقع، از روز ۳۱ شهریور ۵۹ امام خمینی(ره) به طور نگران‌وار و موقعیت سرنوشت‌ساز «رهبری سیاسی» و «فرماندهی نظامی» را با هم پیش برد.

## امام خمینی(ره) زمانی سکندار جامعه ایران بوده که اوضاع و توفان‌ها، پشت‌دریشت هم، کمر به فروپاشی و اضمحلال کشور بسته بودند

**\* پذیرش قطعیانهٔ ۵۹۸ یک تصمیم سیاسی و استراتژیک بسیار مهم بود که فقط امام را حل در جایگاه کانونی آن قرار داشت**

ظهور و بروز فرماندهی امام در جنگ را مختصراً در سه برهه اصلی جنگ یعنی آغاز، تداوم و پایان جنگ می‌توانیم بررسی کنیم. در واقع در این سه برهه، «عمل سرنوشت‌ساز» با منش و روش توحیدی امام راجل حین شده است.
امام راجل حین جنگ، یک **شکل گیری روحیه دفاع ملی** یکی از پرسش‌های فلسفی و اجتماعی جنگ همچنان این است که چگونه جوانان تربیت شده در دوران پهلوی توانستند با انگیزه بر روحیه خودباوری و شکرکله به خاندان خود، از این گونه نوظهورمندان پیش بریزند؟ در این پرسش نقش امام راجل در دوران شاه به طور ضمنی نمایانه گرفته شده است. اما در پرورش روحیه ایمانی و روحیهٔ نبل جوان جنگ، دوران مبارزه پیش از انقلاب به بسیار مؤثر بود. رفتار مبارزاتی امام فراتر از این که فقط به سرنگونی رژیم ارائه نظر داشته باشد، در شکل‌گیری و پرورش نسلی از جوانان حق‌جو یا بن‌مایه اندیشه دینی تأثیر بسزایی داشته است و همین عامل موجب برتری نظامی ما بر عراق شد. سبانه‌ای که در محاسبات صدام خاکی بود؛

در واقع اگر منشر مبارزه امام از سال ۱۳۳۱ در دنبال کنیم، به یک مولفه بنیادین می‌رسیم؛ نقش محوری مردم در تمامی کنش‌های سیاسی، اجتماعی، در دوران اوج گیری مبارزات براندازانه علیه رژیم شاه، که پس از سرکوب خوین ۱۵ خرداد ۴۲ شکل گرفته بود. گروه‌های سیاسی، چریکی و انقلابی زیادی در جامعه ایران سر برآوردند. سازمان مجاهدین

# فرماندهی سرنوشت ساز امام خمینی(ره) در دفاع مقدس

خلق، سازمان چریک‌های فدایی، گروه‌های مسلح کمونیستی و … در این میان تنها امام خمینی (ره) بود که اساس مبارزه خود را بر نقش مردم استوار کرده بود. به بیان دیگر، شکل‌گیری «روحیه دفاع ملی» همه جانبه مردم، در مقابله با ارتش یعنی عراق را باید در سال‌های قبل‌تر جستجو کرد. از آن زمان که امام مخالف ترور، عمل مسلحانه و خشونت در مبارزات بود، فقط به این دلیل که حضور مردم در صحنه کار را تمام خواهد کرد. اعتماد به مردم در میان لایحیز مبارزه با شاه که به پیروزی انقلاب اسلامی منتهی شد، در آغاز جنگ هم جواب داد. امام در این برهه سبب شکلی روحیه دفاع ملی شد.

بسیه این ترتیب در مدیریت جنگ در آغاز آن، مشارکت دادن مردم موجب شد که شیوه‌های تلاش و فعالیت نظامی که در رژیم شاه آموزش داده شد و در آغاز جنگ کارآمدی نداشت، کنار گذاشته شود. جنگ به مردم واگذار شد و این تصمیم دوران ساز امام موجب شد که جستوارهای از خلافت‌ها، فعالیت‌ها، شهامت‌ها و ایستادگی‌ها توسط مردم به منصه ظهور برسد. به تعبیر دیگری این هنر امام بود؛ جوانانی که در رژیم شاه برای خوش گذرانی به ساحل‌ خزر دعوت می‌شدند، را پای قصه جنگ آورد و همان‌ها شدند غواصان اورند…

**تداوم جنگ، هنر مشورت‌پذیری**
پس از آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، جامعه جهانی توجه صحیحی به مطالبات به حق مردم ایران برای محکومیت عراق، دریافت غرامت

و بسیار موارد دیگری نشان نداد. در این میان مساله ورود به خاک عراق، تعقیب متجاوز و نهایتاً تنبیه او در میان فرماندهان نظامی و سیاسی جنگ جدی شد. فرماندهان ارتش، سپاه و همین‌طور فرماندهان دایم، جنگ که از سوی امام منصوب شده بودند اتفاق نظر داشتند که به لحاظ نظامی توقف ما در مرز توحیهی نادر، امام به طور مشخص ضمن این که بر تداوم

# فرماندهی سرنوشت ساز امام خمینی(ره) در دفاع مقدس

محمداصادق درویشی

جنگ باور داشت اما موافق حضور و ورود در خاک عراق هم نبود. ادله قابل تاملی هم برای این سخن از ایشان موجود است:
۱ – ورود قس‌وای ایران به خاک عراق موجب افزایش انگیزه ارتش یعنی برای جنگیدن می‌شود. مردم عراق تا کنون از صدام حمایت نمی‌کردند چون صدام در خاک ما بود. اما اگر وارد خاک عراق می‌شد مردم حمایت می‌کنند و نباید مردم عراق را در مقابل خود راجل دهم.
۲ – اکنون از لحاظ بین‌المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست. اگر وارد خاک عراق شویم کشورهای جهان، ایران را به اشغالگری متهم می‌کنند.
۳ – اگر وارد عراق شویم، مردم بی‌گناه عراق آسیب می‌بینند و اذیت می‌شوند. نباید در جنگ، مردم عراق که با ما نجنگیدند، آسیب ببینند.
۴ – پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام، تعصب عربیت خود را نشان می‌دهند. عرب‌ها که متفق نیستند و وضعی‌ها هم به ما هستند پشت سر صدام قرار می‌گیرند و کار ما دشوار می‌شود.

در این بین، با درک همه دغدغه‌های امام راجل که جنبه دینی و اخلاقی از یکسو و البته سیاسی و مدیریتی کلان داشت، فرماندهان نظامی به این مساله تأکیدی می‌کردند که در صورت توقف در مرز و پشت

این، عراق اگر بلدانه که ما خط قرمزی برای ورود به

جنگ باور داشت اما موافق حضور و ورود در خاک عراق هم نبود. ادله قابل تاملی هم برای این سخن از ایشان موجود است:
۱ – ورود قس‌وای ایران به خاک عراق موجب افزایش انگیزه ارتش یعنی برای جنگیدن می‌شود. مردم عراق تا کنون از صدام حمایت نمی‌کردند چون صدام در خاک ما بود. اما اگر وارد خاک عراق می‌شد مردم حمایت می‌کنند و نباید مردم عراق را در مقابل خود راجل دهم.
۲ – اکنون از لحاظ بین‌المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست. اگر وارد خاک عراق شویم کشورهای جهان، ایران را به اشغالگری متهم می‌کنند.
۳ – اگر وارد عراق شویم، مردم بی‌گناه عراق آسیب می‌بینند و اذیت می‌شوند. نباید در جنگ، مردم عراق که با ما نجنگیدند، آسیب ببینند.
۴ – پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام، تعصب عربیت خود را نشان می‌دهند. عرب‌ها که متفق نیستند و وضعی‌ها هم به ما هستند پشت سر صدام قرار می‌گیرند و کار ما دشوار می‌شود.

در این بین، با درک همه دغدغه‌های امام راجل که جنبه دینی و اخلاقی از یکسو و البته سیاسی و مدیریتی کلان داشت، فرماندهان نظامی به این مساله تأکیدی می‌کردند که در صورت توقف در مرز و پشت این، عراق اگر بلدانه که ما خط قرمزی برای ورود به

خاکش داریم یک امنیت بالادستی پیدا می‌کند و با تمرکز نیروهایش در مرز، تجاوز را در فرصت دیگر از سر خواهد گرفت. ادله نظامی متفن فرماندهان موجب شد که با همان سلامت و اعتماد به نفسی که در امام خمینی (ره) وجود داشت، مشورت و نظر کارشناسان را پذیرد و قوای ایران وارد خاک عراق شوند. تصمیمی که اگر گرفته نمی‌شد امروز شاید باید به این پرسش

# فرماندهی سرنوشت ساز امام خمینی(ره) در دفاع مقدس

محمداصادق درویشی

پس از حمایت همه جانبه قدرت‌های جهانی از عراق و بازپس گیری مناطقی از عراق که در دست ایران بود از یکسو؛ و همچنین موضع ضعف تسلیحاتی و اقتصادی کشور از سوی دیگر، همچنان قطعه‌نامه ۵۹۸ که در زمان برتری ما صادر ششده بود، روی میز به عنوان گزینه ای برای پایان جنگ باقی مانده بود. شاید تاخیر در پذیرش آن قطعه‌نامه منجر به تغییر وضع و شرایط علیه ما می‌شد. در این برهه حساس که فردی نمی‌توانست مسئولیت سترگ پایان جنگ را متقبل شود، امام خمینی(ره)، با اقتدار و با روحیه معامله با خداوند به صحنه آمد. قطعه‌نامه را پذیرفت و همه مسئولیت‌های آن را هم به عهده گرفت.

در واقع اگر سیر رهبری و فرماندهی امام در جنگ را مشاهده کنیم، متوجه می‌شویم که "مسئولیت‌پذیری" به عنوان مولفه‌ای بنیادین در پازل رهبری امام قفسار دارد. این کارنامه (فرماندهی امام در جنگ) هم به لحاظ ماهوی یعنی دیدن روح خودباوری و وحدت ملی و هم به لحاظ شکلی یعنی حضور در تصمیمات سرنوشت‌ساز و پذیرفتن مشورت و مسئولیت از غای کلمل برخوردار است.

پس از آن که امام قطعه‌نامه را صادقانه پذیرفت،

اساسی جواب می‌دادیم که: چرا وقتی در موضع برتری بر عراق بودید، جامعه جهانی هم پیگیر حقوق شما نبود به عقب‌نشینی از سر ضعف صدام دل خوش کردید و متجاوز را تعقیب و تنبیه نکردید؟!
روشن شد، **درس ماندگار مسئولیت‌پذیری** یکی از مسائل پرابهام و چالش‌برانگیز که امروز در میانه مباحث جنگ ایران و عراق جا خوش کرده است. مساله پایان جنگ و جنگ‌بندی آن است. در واقع پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ یک تصمیم سیاسی و استراتژیک بسیار مهم بود که فقط امام راجل در جایگاه کانونی آن قرار داشت. به نظر می‌رسد با توجه به سیر حوادث و اتفاقات جنگ، تصمیم به پایان آن در ۶۴ اگرچه از سوی امام خمینی(ره) به نوشیدن جام زهر تگریه شد، اما پتانگر روح فعالیت، مصلحت‌سنجی و تدبیر ایشان هم به حساب خواهد آمد.

قطعه‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل، اگرچه با مطالبات جمهوری اسلامی ایران فاصله داشت اما برای نخستین بار عراق را به عنوان متجاوز شناسایی کرد و پیش از آن، جنگ عراق علیه ایران از عنوان «وضعیت ایران و عراق» در قطعه‌نامه ها یاد می شد ولی این قطعه‌نامه از وضع ایران و عراق تحت عنوان درگیری و سرحد یاد کرد. همچنین به شناسایی متجاوز و مجازات او توجه نشان داد و به جای اتش بش و تثبیت وضع، برای نخستین بار سازوکار یک صلح در آن دیده شد. در واقع قطعه‌نامه ۵۹۸ که هر محاسبه حقوقی و سیاسی یک کام رو به جلو به نفع ایران محسوب می‌شود. در تاریخ صدور این قطعه‌نامه (حدود یکسال

پیش از پذیرش آن) مسا مناطق زیادی از عراق را در دست داشتیم. فاو و شلمچه متعاقب دو عملیات پیروزانه الفجر و ۸ کربلای ۵ به دست رزمندگان استفاده بود. در واقع این موضع برتری ایران در این برهه (زمستان ۶۵) را انکار کرد. در این تاریخ، ما برخلاف سایر قطعه‌نامه‌ها آن را رد نکردیم و در عین حال به‌خاطر ملاحظات ای جمله اعتماد داشتیم به نظام بین‌الملل، قطعه‌نامه را نپذیرفتیم. مذاکرات و تلاش ما برای رفع ابهام در پندهای قطعه‌نامه ادامه داشت و بنا داشتیم که برای تضمین احقاق کامل حقوق به جنگ و کسب پیروزی‌های بیشتر ادامه دهیم.

پس از حمایت همه جانبه قدرت‌های جهانی از عراق و بازپس گیری مناطقی از عراق که در دست ایران بود از یکسو؛ و همچنین موضع ضعف تسلیحاتی و اقتصادی کشور از سوی دیگر، همچنان قطعه‌نامه ۵۹۸ که در زمان برتری ما صادر ششده بود، روی میز به عنوان گزینه ای برای پایان جنگ باقی مانده بود. شاید تاخیر در پذیرش آن قطعه‌نامه منجر به تغییر وضع و شرایط علیه ما می‌شد. در این برهه حساس که فردی نمی‌توانست مسئولیت سترگ پایان جنگ را متقبل شود، امام خمینی(ره)، با اقتدار و با روحیه معامله با خداوند به صحنه آمد. قطعه‌نامه را پذیرفت و همه مسئولیت‌های آن را هم به عهده گرفت.

در واقع اگر سیر رهبری و فرماندهی امام در جنگ را مشاهده کنیم، متوجه می‌شویم که "مسئولیت‌پذیری" به عنوان مولفه‌ای بنیادین در پازل رهبری امام قفسار دارد. این کارنامه (فرماندهی امام در جنگ) هم به لحاظ ماهوی یعنی دیدن روح خودباوری و وحدت ملی و هم به لحاظ شکلی یعنی حضور در تصمیمات سرنوشت‌ساز و پذیرفتن مشورت و مسئولیت از غای کلمل برخوردار است.

پس از آن که امام قطعه‌نامه را صادقانه پذیرفت،

اساسی جواب می‌دادیم که: چرا وقتی در موضع برتری بر عراق بودید، جامعه جهانی هم پیگیر حقوق شما نبود به عقب‌نشینی از سر ضعف صدام دل خوش کردید و متجاوز را تعقیب و تنبیه نکردید؟!
روشن شد، **درس ماندگار مسئولیت‌پذیری** یکی از مسائل پرابهام و چالش‌برانگیز که امروز در میانه مباحث جنگ ایران و عراق جا خوش کرده است. مساله پایان جنگ و جنگ‌بندی آن است. در واقع پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ یک تصمیم سیاسی و استراتژیک بسیار مهم بود که فقط امام راجل در جایگاه کانونی آن قرار داشت. به نظر می‌رسد با توجه به سیر حوادث و اتفاقات جنگ، تصمیم به پایان آن در ۶۴ اگرچه از سوی امام خمینی(ره) به نوشیدن جام زهر تگریه شد، اما پتانگر روح فعالیت، مصلحت‌سنجی و تدبیر ایشان هم به حساب خواهد آمد.

قطعه‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل، اگرچه با مطالبات جمهوری اسلامی ایران فاصله داشت اما برای نخستین بار عراق را به عنوان متجاوز شناسایی کرد و پیش از آن، جنگ عراق علیه ایران از عنوان «وضعیت ایران و عراق» در قطعه‌نامه ها یاد می شد ولی این قطعه‌نامه از وضع ایران و عراق تحت عنوان درگیری و سرحد یاد کرد. همچنین به شناسایی متجاوز و مجازات او توجه نشان داد و به جای اتش بش و تثبیت وضع، برای نخستین بار سازوکار یک صلح در آن دیده شد. در واقع قطعه‌نامه ۵۹۸ که هر محاسبه حقوقی و سیاسی یک کام رو به جلو به نفع ایران محسوب می‌شود. در تاریخ صدور این قطعه‌نامه (حدود یکسال

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

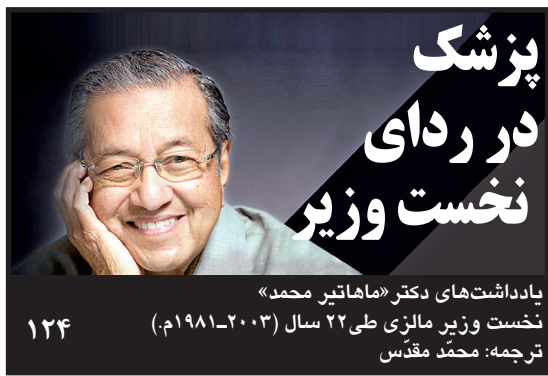
چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو دو یکم - شماره ۲۹۳۷۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۲ رمضان ۱۴۳۸ - ۷ ژوئن ۲۰۱۷ - سال نو





یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد» نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م.) ترجمه: محمّد مقدّس

حتی اگر اکثریت جمعیت در هر دو ایالت مالایای شبه جزیره، در رای علیه دیگران با مالایای‌های شبه جزیره متحد می شدند، چنین‌ها همچنان در سنگاپور به عنوان عنصر مسلط باقی می ماندند بنابراین به نظر می‌رسید که «تونکو» در برآوردهای خود مرتکب اشتباه محاسباتی شده و گمان کرد بود که عموم ساکنان اصلی از جمله ساکنان "سراواک" و "بورنیوی شمالی" و بورونی" به لحاظ تعداد بر چنین‌ها چیره خواهند شد و در نتیجه اکثریت و صادرات مالایای‌ها در سزمین مالایا را حفظ خواهد کرد.

آن آنجا که من می دادم "تونکو" در مورد پیشنهاد گسترش فدرالیسم مالایا با کسی مشورت نکرده بود و طرح او پیش از ارائه، مورد بررسی شایسته‌ست قرار نگرفت زیرا اگر بررسی درستی انجام می‌شد چه‌پس او واضح فر می‌کرد. بهتر آن بود که پیش از هر اقدامی، گفتگوی آزاد حزبی درباره آن انجام می‌شد. من قویا بر این باورم که بریتانیای‌ها او را به این کار واداشتند و در مغز او این ایده خوشحال کننده ولی تقریبا غیرعملی را کاشتند زیرا آنها برای مستعمرات خود در "بورنیوی شمالی" شانس برای بقا به عنوان یک کشور مستقل نمی‌دیدند و از سوی دیگر بزم زیاده‌خواهی‌های اندونزی را هم داشتند چون آنها پیش از آن، خواهان "گینه جدید غربی هلند" شُشدند و به دستکش آوردند بنابراین آبا "صباح" و "سراواک" – که اندونزیای‌ها مدعی بودند بخش مکمل قلم "گیتیمان" در جزیره هستند – دو هدف بعدی آنها نبود؟ بریتانیای‌ها چشم به "مالایا" و "تونکو" داشتند تا راه را بر اندونزیای‌ها ببندند. بریتانیا و کشورهای دیگر از "سوکارنو" که در آن زمان، لولو خورخوره منطقه به شمار می‌رفت، می‌ترسیدند.

سرانجام نیز "تونکو" متوجه شد که در ارزیابی‌های خود اشتباه کرده و کوشید موافقت "حزب کار خلق" را برای عدم درگیری سیاسی در خارج از سنگاپور، جلب کند ولی این راه حل تا حد بسیاری غیرعملی بود. در حقیقت او می‌خواست با فوی‌ترن حزب سیاسی در سنگاپور آن زمان، به منظور منصرف کردن جاذبهایی‌های سیاسی به محدوده کشور، به تقاهم دولت ولی روشن کرد که این خواست هیچ اساس حقوقی نداشت و برای هیچ حزب دیگری که در سنگاپور به قدرت می‌رسید هم الزام‌آور نبود و حتی‌حزب کار خلق نیز خود را ملزم به چنین تقاهمی نمی‌دید. در سال ۱۹۶۴، یعنی دوسال پس از آغاز تاریخ مالزی، "حزب کار خلق" به شبه جزیره رسید و بر تار احساسات نژادی و قومی برای چیره شدن بر دولت نوا نواخت. اعضا و سران هر دمیای در شعبه‌های حزب [امن] بر تالاعی از "مذاکرات "تونکو" یا "حزب کار خلق" که به منجر به محدود کردن فعالیت‌های حزب به سیاستهای سنگاپور می‌شد نداشتند. مالایای‌ها نیز به طور کلی اعتمادی به توان خود برای دفاع از منافع خود و تحقق اهداف خود، حقیقی درلدولیسم گسترده (پیشنهادی نداشتند ولی سزمین مالایا را به دست آوردند تا "مالزی" را تأسیس کنند. اینک فراتر از همه اینها، چه عقب نشینی‌های دیگری را آنها انتظار می‌رفت تا "مالزی" از نظر مرم چهار منطقه دیگر، قابل قبول باشد؟

همانکمی که "اندونزی" و "فیلیپین" با تأسیس "مالزی" مخالفت کردند، برای اعتراض "امنو" یا مالایای‌ها بسیاری نیز شده بود. ما نمی‌توانستیم بی‌آنکه به عنوان حامیان "اندونزی" و "فیلیپین" جلوه کنیم در مخالفت کنیم و برای این‌که مالایای‌های شبه جزیره مهم به سیاست نشُشدند، لازم بود ریسک سنگینی که چنین‌ها سنگاپور در ترازوی مالزی پیشنهادی را بپذیرند. میان خطرات "آتهام خیانت" یا "تهدید احتمالی شمار[اکثریت] چنین‌ها"، مالایای‌ها گزینه دوم را بپذیرفتند ولی چنین‌های ثروتمندتر در "سنگاپور" هرگز با ضربه مالایای‌ها خو نگرفته بودند.

پی‌نوئیس:

۹۸ – "سوکارنو" جنبش استقلال اندونزی از هلند را رهبری کرد ولی رئیس جمهور کشورش در مدت ریاستش از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷، ادامه یافت.

**آکهی دعؤ مجمع عمومی عادی سالانه**
**انجمن شرکت‌های معدنی و ساخت (صنایع نفت و نیرو)**
جلسه مجمع عمومی عادی انجمن شرکت‌های معدنی و ساخت(صنایع نفت و نیرو) در روز یکشنبه ۱۳۹۶/۱۸ ساعت ۱۰ به نشانی خیابان شهید بهشتی، خیابان پارسا، خیابان هفتک، پلاک (ع) ۱۹۰ (زندگی) طبقه همکس، در صورت آیر ۶۰ گرم می‌باشد.
از آنجا که اعتبار فوق‌العاده می‌شود در صورت تأیید هیئت مدیره و تصویب مجمع عادی انجمن، با در دست داشتن مقرر نامه در جلسه حضور یابند.
**دستور جلسه:**
۱- گزارش هیات مدیره، بازرس، خزانه‌دار، انتخاب مدیره، انتخاب بازرسان، انتخاب روزنامه‌نگیر انتشارات و سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی.
**هیأت مدیره – انجمن شرکت‌های معدنی و ساخت**

**آکهی دعؤ مجمع عمومی عادی فاز یک بازار سنتی سارخان (نوبت اول)**
تأیید کلیه حساب‌ها و صورت‌های مالی و آراء و پیشنهادات هیئت مدیره و بازرس
**تبت:** ۱۳۹۶/۰۵/۲۱ ساعت ۱۰:۳۰ به نشانی خیابان شهید بهشتی، خیابان پارسا، خیابان هفتک، پلاک (ع) ۱۹۰ (زندگی) طبقه همکس، در صورت آیر ۶۰ گرم می‌باشد.
**دستور جلسه:**
۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرس و تصویب مقررهای مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹.
انتخاب مدیره و بازرس
**هیأت مدیره – انجمن شرکت‌های معدنی و ساخت**

**آکهی دعؤ مجمع عمومی عادی فاز یک بازار سنتی سارخان (نوبت دوم)**
شهرداری دماوند در نظر دارد تعدادی از پروژه‌های شهری را از طریق جذب سرمایه‌گذار به صورت مشارکت به انجام برساند لذا علاقمندان واجد شرایط جهت دریافت اسناد شرکت در فراخوان به بدو مراجعه آمور سرمایه‌گذار و مشارکت و مراجعه جهت کسب اطلاعات با شماره ۰۲۹۳۳۱۳۰۰۰ تماس حاصل نمایند.
۱-پروژه مرکز آران خدمات سفر در ورودی شهر شب شهرسازی
۲-پروژه تعمیر وروزی پارک کشته در بلوار شورا
۳-پروژه جایگاه سوخت بنزین در بلوار شورا

**شرایط:**
۱-تضمین مشارکت در فراخوان به میزان ۵ درصد ارزش اسماعلی ملک پروژه
۲-سازمان قبول پیشنهادها یک روز قبل از تاریخ باز گذاشتی
۳-زمان باز گذاشتی یک پیشنهادها یک هفته بعد از جای گذاشتی
۴-هیأت آراء سرمایه‌گذار و مشارکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.
۵-پروژه‌ها فقط از تأسیس پروژه در فراخوان به تعهدات خود عمل نمایند سپرده آنان با نام شهرداری ضبط خواهد شد
عهرزهی چاپ آکهی فراخوان به عهده برنده می‌باشد.

**عباس صفری – شهردار دماوند**

**تأسیس شرکت سهامی خاص کارگزاری رسمی بیمه تأمین آتیه**
**امداد در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۴ به شماره ثبت ۹۴۵۵۰۰۰۰ بیمه تأمین مالی ۰۹۴۶۶۶۲۸۴**
۱-تبت و امضای دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر:
چهار اطلاع عموم آکهی میگردد: موضوع دریافت اطلاعات لازم از مقاماتخی خدمات بیمه (از بیمه‌های خودرویی و غیره) در خصوص دریافت خدمات بیمه‌های تقاضاوتجوه دریافت خسارت احتمالی تکمیل فرم پیشنهاد بیمه و اضافی آن به نمایندگی از طرف مقاماتخی خدمات بیمه.
آخذ نوشتن بیمه مناسب و الحاقیه (و مؤسسات بیمه حسب مورد برای امتقاضی خدمات بیمه یا بیمه‌گذار، بی تیری پر وند وادار خسارت بیمه‌نامه هایلی که با کد همان کارگزار بیمه صادر شده‌است، شامل اعلام خسارت واخذ رسیدن، تحویل مدارک مستندات لازم برای تشکیل پرونده خسارت به موسسه بیمه و مدارک یا موسسه بیمه در خصوص تعهدات بیمه یا نمایندگی از بیمه‌گذار مدت: تا تاریخ تبت به مدت نامحدود مرکز آران: استان تهران شهر تهران
در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.
۲-پروژه‌ها فقط از تأسیس پروژه در فراخوان به تعهدات خود عمل نمایند سپرده آنان با نام شهرداری ضبط خواهد شد
عهرزهی چاپ آکهی فراخوان به عهده برنده می‌باشد.

**عباس صفری – شهردار دماوند**

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

**اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۴۵۵۰۰۰۰)**

عبدالباری عطوان تحلیلگر برجسته

مسائل عرب در تحلیلی در واکنش به اختلاف اخیر قطر با عربستان به رویکرد آتی دوحه و احتمال نزدیکی این کشور به محور ایران و مقاومت و چالش‌هایی که قطر با آن روبرو است، پرداخت. وی اضافه کرد که تک خوانی قطر خارج از گروه خلیجی – عربستانی امری جدید نیست و تغییر ناگهانی آن از این اثاث‌ها تاکنیکی و راهبردی بود که نشان دهنده سیاست‌ها و سلوک متفاوت این کشور در ۲۰ سال گذشته است با این فرق اساسی که ائتلاف عربی کنونی مخصوص سه کشور عربستان، امارات و بحرین موضع سیاست‌تاری را علیه آن اتخاذ کرده و از حمایت رئیس جمهوری بی پروای آمریکا برخوردارند. عطوان نوشتست که یکی از اطلاعات منتشر شده در خصوص نقش ایران در شعله و ساختن اختلافات قطر با امارات و عربستان این است که روزنامه عکاظ عربستان در صفحه نخست خود در ادعایی نوشتست که شیخ محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، وزیر خارجه قطر به او شکر اعلام شده پس از نشست سران در ریاض از بغداد دیدار و با قاسم سلیمانی فرامنده سپاه قدس ایران گفتگو کرد. وی افزود که نزدیکی قطر با ایران علنی بود و هرکس که پوشش شبکه الجزیره از انتخابات ریاست جمهوری ایران که حسن روحانی در آن پیروز شد، را در این شبکه دنبال می کرد آن را به خوبی درک می کرد. ایران ۳۹ وزیر برای نمایندگان موسسات رسانه‌ای و پژوهنی قطر صادر کرد و یک گروه از محرران شبکه الجزیره از جمله «محمدکریشان» گوینده شبکه الجزیره عربی در ایران حضور یافتند این در حالی است که ایران در انتخابات سال ۲۰۱۳ که مهم تر از همهیت تر بود به هیچ خبرنگاری ویزا نداده بود.

مرد بعدی که این مطلب را تقویت می کند این استست که رسانه‌های قطری لحن خود را نسبت به ایران تغییر داده‌اند و این شبکه از اصطلاحاتی مانند «ارتش عربی سوریه» به جای «ارتش نظام» و بیشتر استفاده می کردند، بهره می گرد و این شبکه همچنین سخنان «حمید حسن نصرالله» بهرکل حزب الله لبنان که در آن به شدت از نشست سران در ریاض انتقاد کرد را به طور کامل پوشش داد و از اشاره به حزب‌الله از اصطلاحاتی مانند عربی الشیطان استفاده نکرد همچنان که ارتش الکرونیکی قطر نیز کمالات و توصیفات

همانند «محسوس» یا «بندگانش» را به اشاره به ایران و همهیتان استفاده نمی کند و برای همچنین نوشتست که جنگ رسانه‌ای بین قطر و اعراب همچنان شدید است بهرم جنبه دوحه در ابتدا سعی کرد که فضا را تلطیف و جو را آتش این جنگ رسانه‌ای با ورود رسانه‌های مصری به عرصه که طبعاً ضد قطر هستند شدیدتر شد سردیر ریزش مالی ایوم آورده است که آنچه در ۲۰ سال گذشته روی داده و باعث می شود که ما این اختلاف‌ها و جنگ‌ها را باور کنیم موارد زیر است:

نخست: جنگ «الخلوص» بین عربستان و قطر در سال ۱۹۹۲ بر سر

افشا کرد و حملات رسانه ای دیگری برعلیه آنها ترتیب داد. در بیشتر این موارد از جمله در مسئله فراخواندن سفرا از دوحه در سال ۲۰۱۴ مباحثی‌هایی وجود داشتند که سعی در پر کردن شکاف بین بحران‌ها می کردند اما در حال حاضر این مباحثی‌ها حداقل تا الان که وجود ندارند. بخصوص از سوی کویت که همواره کویتر صلح بوده و بخصوص «شیخ صباح الاحمد» امیر آن که به نظر می رسد که او نیز خسته شده و روابط دو ملت برای آنها نیز به دلایل مختلف مطابق استراشتان نیست بخصوص درباره سیاست افزایش سختگیری‌ها بر ایران و دوم وجود اختلاف‌ها با ریاض به عنوان همسایه بزرگ آنها بر سر مریدان‌های نفت و گاز «الخلیجی» و «الویره» در منطقه بی‌طرف. تحلیلگر برجسته عرب نوشتست که قطر برای خروج از این بحران سه راه پیش رو دارد:

اول، پذیرش همه شروط محور چهار جانبه عربستان، امارات، بحرین و مصر که مهم ترین آن قطع روابط با ایران و جنبش ایران‌المسلمین و قطع کمک مالی و رسانه‌ای و سیاسی به جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و بیرون راندن کلی مسئولان این جنبش از دوحه در راس آنها نهاد منعل، موسی ابومرزوق، محمد نزال، عزت الششق و صالح العالوزری که ترکیه او را تحت فشارهای اسرائیل از این

روابط بین‌الملل

پیام قطر به ریاض: اشتقاق در جبهه عربی

# هر اس عربستان از روابط نزدیک تهران – دوحه



«آل ثانی» که دولت کنونی قدرت را از آنها گرفته و سران آنها در حال حاضر در واشنگتن و سفر ای برند و پشتیبانی رسانه‌ای و منطقه‌ای از آنها برای بازگشت به قدرت، تحلیلگر برجسته عرب نوشتست که سه هدف اول جزئی یا کلی در خصوص قطر محقق شده اما هدف چهارم ایجاد شکاف در خاندان حاکم هنوز محقق نشده است. تهدید دیگری می توان به این چهار تهدید افزود انتقال پایگاه «العیدید و السیلیه» آمریکا از قطر به دیگر کشورهای عضو شورای همکاری عربستان است. نخست: عربستان سعودی به عنوان در ادامه می نویسد که باید این پریش را مطرح کرد که آیا ترکیه و ایران در صورت تشدید عرب علیه قطر حمله به آن به کمک دوحه خواهند آمد؟ آیا این کشور‌ها نسبت به نقش دوحه در بحران سوریه نسبت به آن مسامحه خواهند داشت؟

**آیا قطر با دشمنان سر سخت سعودی ائتلاف می کند؟**
اختلاف شدید عربستان و امارات متحده عربی و نیز مصر با قطر بر سر اظهارات منسوب به امیر این کشور، سوال‌های زیادی به همراه دارد از جمله العیدید به یک کشور دیگر است البته در صورتی که عربستان توافق شود واشنگتن تا این اختلافات را گرم کرد؟ آیا قطر با دشمنان عربستان ائتلاف خواهد کرد؟

آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰

**تبت ۲۹۷۲نشاهه ملی ۰۹۳۰۰۶۰۴۰۹**
**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**
**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**
**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**

**آکهی دعؤ به مجمع عمومی عادی سالانه هر یو ٬ به عملکرد سال مالی منتهی به شماره ثبت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰**







## اخبار کوتاه داخلی

**حسن رحیمی در صدر برترین آزادکاران جهان**



به گزارش ایسنا، رده بندی برترین آزادکاران جهان در پایان ماه می ۲۰۱۷ میلادی از سوی اتحادیه جهانی کشتی منتشر شد که در این رده بندی حسن رحیمی ، آزاد کار وزن ۵۷ کیلوگرم ایران در صدر برترین‌های جهان جای گرفت.

به گزارش فارس، هفته دوم لیگ جهانی والیبال در ایران به

سمربی تیم ملی والیبال بلژیک گفت: دوست دارم بازی‌مان با ایران به ست پنجم کشیده شود، چون جذاب‌تر خواهد بود.

می‌شود.

تیم‌های ملی والیبال ایران، بلژیک، آرژانتین و عربستان در گروه دلو سالن ۱۲ هزار نفری آزادی در هفته دوم لیگ جهانی به مصاف یکدیگر می‌روند و بلژیک نخستین حریف ایران است که در رنسیب وارد تهران شد. وتال هینن، سرمربی تیم ملی والیبال بلژیک پس از ورود به ایران درمورد دیدارهای پیش‌روی تیمش افزود: به همه بازیکنان و اعضای کادر فنی گفته‌ام که در ایران بازی زیبا خواهد بود. خوشحالم که دوباره به ایران آمدم و می‌خواهم برابر تیم ملی این کشور قرار بگیرم. وی درمورد پیش‌بینی‌اش از نتیجه بازی ایران و بلژیک خاطرنشان کرد: اگر صادقانه بخواهم بگویم ایران تیم خیلی خوبی است، اما باید بگویم که بلژیک برنده بازی خواهد بود. من دوست دارم بازی با ایران ۵ ست باشد، چون بازی والیبال زمانی شگفت است که به ست پنجم کشیده شود.

**اسامی پودل‌مدران جوان ایران در پیکارهای جهانی توکیو**
«محمدحسن برواه» سرمربی تیم وزنه برداری جوانان ایران، فهرست هشت نفره تیم کشورمان را برای حضور در رقابت های سال ۲۰۱۷ جهان در ژاپن اعلام کرد.

به گزارش فدراسیون وزنه برداری، مسابقات وزنه برداری جوانان جهان روزهای ۲۵ خرداد تا دوم تیر در توکیو پایتخت ژاپن برگزار می‌شود.
حسنین سلطانی و مصطفی زارعی (۶۹ کیلوگرم)، عباس زندی (۷۷ کیلوگرم)، رامین ولی پور (۸۵ کیلوگرم)، رضایی‌الوند و رحمان اورامه (۹۴ کیلوگرم) و علی داودی و قاسم علی محمدپور (به اضافه ۱۰۵ کیلوگرم) ۸ وزنه بردار اعزامی به مسابقات جهانی جوانان در ژاپن خواهند بود.

**تماشای بازی ایران و ازبکستان فقط با بلیت الکترونیکی**
فدراسیون فوتبال اعلام کرد: با توجه به حساسیت های بازی ایران و ازبکستان در چارچوب رقابت های مرحله مقدماتی جام جهانی فروش بلیت کاغذی در ورزشگاه آزادی انجام نخواهد شد و فروش بلیت این دیدار به صورت الکترونیکی خواهد بود.

به گزارش فدراسیون فوتبال، این تصمیم در جلسه ای با حضور «مهدی تاج» رئیس فدراسیون فوتبال اتخاذ شد. بر اساس این تصمیم، بلیت برآمده فروشی دیدار تیم های فوتبال ایران و ازبکستان در چارچوب رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، به صورت الکترونیکی خواهد بود.بدین تصمیم با هدف جلوگیری از بروز حواشی و حوادث احتمالی اتخاذ شده است. فدراسیون فوتبال به هماهنگان فوتبال اعلام کرد که بلیت دیدار تیم های ملی فوتبال ایران و ازبکستان را از طریق سایت **www.footballticketir** اقدام به تهیه بلیت بازی ایران و ازبکستان کنند.

**آغاز تمرینات تیم ملی در تهران**

تیم ملی فوتبال با تغییر برنامه به جای دیوب، به تهران بازگشته و پس از یک روز استراحت از امروز تمریناتش را آغاز می‌کند.

به گزارش ایسا، در حالی که حدود یک ماه قبل سرمربی تیم ملی فوتبال در صفحه شخصی خود در یک شبکه اجتماعی از برگزاری اردوی خارجی و یک دیدار تدارکاتی پیش از دیدار با ازبکستان خبر داده بود، این تیم یکی از اردوهای خارجی خود را لغو کرده و تا دیدار با ازبکستان در تهران تمرین خواهد کرد.

به گزارش اروپا چند بازیکن سرمربیوس به دلیل حضور در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا حضور نداشتند و همزمان با حضور تیم ملی در ترکیه در تهران تمرینات خود را زیر نظر اعضای کادرفنی انجام می‌دادند. تیم ملی درروز صبح به ایران بازگشت تا از امروز تمرینات این تیم با حضور همه بازیکنان یکپوشی شود.دیدار تیم ملی ایران و ازبکستان روز ۲۲ خرداد ساعت ۲۱:۳۰ در ورزشگاه آزادی برگزار می‌شود.

## وزیر بهداشت: برای دفتر چه‌های بیمه و بیمارستان‌ها سقف پرداخت تعیین می کنیم

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای اولین بار برنامه این وزارت‌خانه را برای مدیریت جدید سازمان بیمه سلامت اعلام کرد و گفت: منابع کشور محدود است و بیمه‌های جاری بیمارستان که از قبل داشته اند، این انتقال این سازمان به وزارت بهداشت قطعاً برای دفترچه بیمه افراد و هزینه‌کرد بیمارستان‌ها در سال سقف تعیین می‌کنیم.

دکترسید حسن هاشمی وزیر بهداشت در گفت‌وگو با ایرنا در خصوص برنامه این وزارت‌خانه، انتقال سازمان بیمه سلامت از وزارت رفاه به وزارت بهداشت، گفت: بر اساس قانون برنامه ششم بخشی از بیمه‌های پایه که در واقع سازمان بیمه سلامت است، به وزارت بهداشت منتقل می‌شود اگر این اتفاق افتاد، بعد نشان خواهیم داد که منظور ما از بیمه چه بوده و چه نقشی در سلامت مردم خواهد داشت.وی افزوداگر این اتفاق افتاد و در این ماه‌های پایانی از دولت بیمه‌ها که فرصت کم باقی مانده است، منتقل می‌شوند، این کار را اجرایی کنیم، قطعاً برای دفترچه‌های بیمه سقف تعیین می‌کنیم که مثلا سالانه چند نفر این بیمه را دریافت می‌کنند و در بخش سربایی هزینه کنند، بخشی زیادی از پول بیمه‌ها صرف هزینه‌های درمان سربایی می‌شود. یک مریض در روز ممکن است برای یک خدمت به چند پزشک متخصص مراجعه کند و سسی کی اسکن، ام آر ای و آزمایش تجویز کند و دارو بنویسند، باید حتما هم هزینه‌های بیمه سقف بگذاریم و بگویم مثلا این دفترچه حداکثر سالانه دو میلیون تومان می‌تواند هزینه کند. هاشمی با اعلام این که برای خدمت بستری هم باید همین کار را بکنیم، گفت: هزینه‌های بیمارستان‌ها در هزینه بیمه برای فرد بیمه شده، یعنی از یک طرف سازمان بیمه سلامت اجازه‌ایکنه هزینه‌های اضافه ایجادشود، نمی‌دهد مثلا مدیریت می‌کند که دارو و پروتز خارجی استفاده نکنند یا در حداقل ممکن باشد مثلا اگر یک نفر پروتز زانو می‌خواهد، که البته پول زیادی نداریم، مجاز نیستیم که بدون سقف هزینه اقدام می‌کنیم.وی افزوداز این مهم برای کار ما این است که برای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هم سقف مشخص بگذاریم و برای آنها رفیع بگذاریم و به همین خاطر ممکن است برای بعضی از خدمات، در آینده

## ترمینال جدید شرق تهران تابستان امسال افتتاح می شود

شرق به محل حمل و نقل و ترافیک شهبودار تهران گفت: با انتقال پایانه جدید شرق به محل فعلی مشکلات زیست محیطی، ترافیکی و اجتماعی این پهنه کاهش می یابد.
مذاکرات شرکتی افزود: انتقال پایانه شرق از سه راه تهرانبزرگ به محل جدید یکی از خواسته های به حق مردم شرق تهران است که می تواند در ارتقای کیفیت زندگی و بهتر شدن شرایط زیست محیطی، ترافیکی و فضای وضع فرهنگی و اجتماعی این پهنه تاثیرگذار باشد. وی با بیان این که پایانه جدید شرق، پایانه ای مدرن است، تأکید کرد: در این پایانه مواردی از نظرمکانکس و تجهیزات ساخته شده و در راجبات بهداشتی جهاتی رعایت شده است که آن را در کشور

فرد به حد می کشد.

## ورزشی

# برانکو: برای افتخار آفرینی به مصاف الاهلی می‌رویم



برگشت خود در چارچوب این رقابت ها را باید در زمین بی طرف مقابل تیم الاهلی عربستان حریف قبلی ذوب آهن برگزار کند.

نخست تیم های پرسپولیس ایران و الاهلی عربستان ۳۱ مرداد در زمین بی طرف و بازی نخست العین امارات و الهلال عربستان هم ۳۰ مرداد برگزار خواهد شد.

تیم های پرسپولیس ایران، الهلال عربستان، الاهلی عربستان و العین امارات در غرب آسیا حضور دارند و تیم های گولنگزو اورگلراند'چین، شانگهای چین، گواژاکی ژاپن و اوراوارزد'ژاپن در شرق آسیا با یکدیگر رقابت خواهند کرد. پراساس این قرعه کشی تیم های العین امارات و الهلال عربستان هم از منطقه غرب آسیا در مرحله یک چهارم نهایی لیگ آسیا مقابل هم قرار می گیرند.

این قرعه کشی رقابت های مرحله بعد قرار گیرد. 'پنار خمارلو'مدیرمساله ای 'شهب' مسئول روابط بین الملل تیم فوتبال ایران و ازبکستان را از طریق سایت در این قرعه کشی حضور داشتند.

با این قرعه تیم پرسپولیس ایران دو بازی رفت و یک چهارم لیگ قهرمانان آسیا ۳۰ و ۳۱ مرداد و دور برگشت

## جدال ایران و استرالیا در بسکتبال با ویلچر قهرمانی زیر ۲۳ سال جهان

سرمربی تیم بسکتبال با ویلچر زیر ۲۳ سال ایران اعلام داد: فیلم بازی جدید تیم ترکیه را هم دیدم و متوجه شدم که در این مسابقات ما با تیمی مواجه خواهیم شد که در این مسابقات سطح مسابقات را دارد و بهترین های جهان در آن حضور دارند.

امیررضا احمدی، مهدی مظلوم، مهدی ماندگار، علی کریمی کردآبادی، مجتبی کمالی، محمدحسن سیاری، همایون عسکری مهرآبادی، مهدی عباسی شریه، پیمان میزان، حسنعلی کیمی عیمر، سیدمهدی موسوی و رضا عیوضی ۱۲ ملی پوش اعزامی به این رقابت ها هستند.

شدد با کسب بیست و چهار مدال طلا و چهار مدال نقره در مجموع به عنوان نایب قهرمانی در مجموع به

شدد با کسب بیست و چهار مدال طلا و چهار مدال نقره بر مسکو دوم مسابقات بین‌المللی روسیه ایستادند. به گزارش ایسنا، مسابقات بین‌المللی پاورلیفتینگ از ۱۱ تا ۱۴ خرداد ماه به میزبانی روسیه برگزار شد. تیم ملی ایران هم که فقط در بخش مردان شرکت کرده بود موفق

۲۰۱۸ روسیه مقابل سوریه بود و اتفاقاً هواداران ایرانی زیادی به ورزشگاه آمده بودند و به حمایت از تیم ملی پرداختند، گزیده دیگری است که در دسترس مدیران باشگاه پرسپولیس قرار دارد. کشور استرالیا هم یکی از مهمترین تجمع‌ات ایرانی ها در خارج از کشور را در دامان خود دارد.

دیروز در این باره بحث های مختلفی در گرفته و برخی از هواداران و صاحب نظران عقیده دارند کشور استرالیا با جمعیت ایرانی علاقمند به فوتبال یک گزینه عالی برای میزبانی از مسابقه بعدی پرسپولیس مقابل الاهلی است. جایی که پرسپولیس می تواند میزبانی واقعی را تجربه کند و البته با انجام یک بازی تدارکاتی درآمدزایی نسبی هم در این کشور داشته باشد.

کشور ایران از شهر ملبورن و ورزشگاه کریکت گراوند خاخره خوبی دارد و البته در جام ملت های ۲۰۱۵ حضور علاقمندان به پرچم ایران شرایط فوق العاده به بازی های ایران داده بود. اگر پرسپولیس بخواهد بازی خود با الاهلی را به استرالیا ویا هر کشور دیگری برود از همین حالا باید به دنبال تماشای با فدراسیون فوتبال آن کشورو سازماندهی بازی در شهرپورام باشد.

با این حال باشگاه پرسپولیس هنوز موضع رسمی خود در برای انتخاب میزبان دیدار برابر الاهلی مشخص نکرده است. پرسپولیس باید در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا برود عربستان مسابقاتی سابقه را بر عهده خواهند داشت و باید هر چه سریعتر در این مورد تصمیم گیری کنند.

**استفاده از داوران خط دروازه**
کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد که از مرحله یک چهارم نهایی تا فینال لیگ قهرمانان آسیا، از داوران خط دروازه استفاده خواهد شد.

این تغییرات موثر واقع شود در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ که AFC همچنین اعلام کرده است-که در صورتی که برای نخستین بار با حضور ۲۲ تیم برگزار خواهد شد-هم از این داوران استفاده خواهد کرد.بر این اساس از بازی‌های یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا علاوه بر این که چهار داور حضور خواهند داشت، دو داور هم در کنار دروازه‌ها قرار دارند تا درباره در شش‌دن توپ از خط دروازه و همچنین خطاهای پانتهی به داور اصلی زمین کمک کنند.

## پوسه‌روهای ایران عنوان سومى آسیا را کسب کردند

تیم تکرانلو نونهالان ایران در بخش پوسمه با کسب ۶ مدال طلا نقره و برنز به عنوان سومى رقابت‌های قهرمانی آسیا دست پیدا کرد. به گزارش مهر، این دوره از مسابقات دیروز در سالن «میلتری زون» هوشیمیه با حضور ۱۱۲ پوسمه‌رو از ۱۰ کشور برگزار شد که در نهایت تیم اعزامی **کشورمان** در بخش پوسمه با همان اجرای فرم دو گروه دختران و پسران با کسب ۲ مدال طلا، یک نقره و ۳ برنز بر سکوی سوم ایستاد. در این رقابت‌ها تیم ویتنام قهرمان شد و تایلند هم عنوان نایب قهرمانی را با کسب ۶ مدال طلا و یک نقره و یک برنز به دست آورد. محمدامین گامریان در بخش پوسمه ادیابی با کسب ۵۳/۶ امتیاز به مدال طلا دست پیدا کرد. یاسین زندی در بخش پوسمه انفرادی استاندارد با کسب ۷۹/۵ امتیاز دومین مدال طلا را برای تیم کشورمان به ارمان آورد. تیم پوسمه دو نفره پسران با ترکیب مرتضی ژنده دل و محمد نظری با کسب ۶۵/۳ بر سکوی نایب قهرمانی ایستاد. مینا نظری، زینب غطاینی و تیم پوسمه دو نفره (کره‌ی و زینالی) سه مدال برنز کسب کردند.

### پاورلیفتینگ ایران نایب قهرمان مسابقات روسیه

انتخاب شد. ساکی همچنین رکورد اسکلت و مجموع جهان را هم طلا و چهار مدال نقره در مجموع به عنوان نایب قهرمانی در مجموع به تیم ملی ایران در چهار مهر نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و پیشکسوتان عازم این رقابت‌ها شده بود. شه‌ورام ساکی علاوه بر کسب عنوان نخست، به عنوان قهرمان قهرمانان هم معرفی شد.

## اخبار کوتاه خارجی

**بارسلونا و ۱۵۰ میلیون یورو برای خرید وراتی، بیرین و دمبله**
فهرمانی ژنرال مادرید در چمپیونزلیگ، بارسلونا را برای ایجاد یک تحول اساسی در مجموعه بازیکنان خود تحت پیشترین فشار ممکن قرار داده است.

ورزشی بارسلونا سخت ترین روزهای فانتیشل در این باشگاه را پشت سر می‌آورد. بیش از ۱۰۰ میلیون یورو هزینه او برای خرید بازیکن در فصل گذشته جواب نداد و بارسلونا در مقاطع حساس فصل، کمبود بازیکن خوب با کیفیت و رزوی نیمکت خود به خوبی حس کرد و فقط یک جام (کوپا دل ری) را کسب کرد.جدب یک مهاجم، یک دفاع راست و یک هافبک

نوفدی، از جمله مهمترین نیازهای بارسلونای فعلی محسوب می‌شوند.برای دفاع راست، هکتور بیرین مدنظر قرار دارد. ستاره ای که در نوجوانی بارسا را به مقصد آرسنال ترک کرد و حالا به بازیکنی ثابت در جمع توپچی ها بدل شده است.بارسا در صورت گرونه شکست در مذاکراتش با آرسنال، به سراغ نلسون مسلو، دفاع راست ۵۰ میلیون یورویی نیفیکا و سیدیه، مدافع موناکو خواهد رفت.و اما هافبک موردنظر بارسلونا برای تقویت خط میانی کسی نیست جز مارکو وراتی از پاری سن ژرمن. بارسا قصد دارد پیشهاندی ۸۰ میلیون یورویی به جیمی سسن ژرمن ارائه دهد.ولی مدبران این باشگاه خیلی خوب می‌دانند که جلب وراتی چه دشواری هایی خواهد داشت. استثنای بارسلونا برای جذب یک مهاجم که بتواند به مثلث MSNافروست محسین بشتیری بدهد، روی عثمان دمبله، مهاجم دورنومند نظر مثبت دارد. بارسا برای جذب دمبله، مبلغ ۳۰ میلیون یورو را در نظر گرفته است.

**پیتر یوژ سرمربی دورنومند شد**

سران بوسریاسیادور بعد از جلالی توماس توخل، پیتر یوژ را به عنوان سرمربی جدید خود انتخاب کردند.

به گزارش کیکر، بعد از جلالی توماس توخل از بوسریاسیادورنومند که به دلیل اختلاف نظر با مدیران باشگاه صورت گرفت،سران این تیم آلمانی در نهایت سرمربی جدید خود را انتخاب کردند و پیتر یوژ آلمانی را به عنوان جانشین این مربی انتخاب کردند.این مربی قرار است ۴ میلیون یورو به عنوان آزادسازی بند قرارداد خود به تیم هلندی پرداخت کند تا به جای توخل هدایت دورنومند را در سمت بگیرد. پیتر یوژ، پیش‌تر هدایت آژاکس را بر عهده داشت و توانست این تیم را به فینال لیگ اروپا هدایت کند که در این مرحله برابر منسترپروایتند شکست خورد و از رسیدن به قهرمانی باز ماند.توخل در حالی از هدایت دورنومند برکنار شد که این تیم را توانست به قهرمانی در جام حذفی برساند.

**به یه و به یه‌های دیگر زانل در لیست فروش**

مدافع برزیلی ژنرال مادرید با نارحتی و کنایه اعلام کرد که در این تیم نخواهد ماند.

مدافع زانل مادرید درباره ادامه حضورش در ژنسال مادرید گفت: در این تیم نخواهم ماند. ۱۰ سال خیلی خوبی را در این باشگاه گذشتم و با تمام وجود برای این تیم بازی کردم. تصمیم گرفته بودم در ژانویه از مادرید جدا شوم اما با دیدن شرایط منصرف شدم. باشگاه بیش از یک سال به من پیشنهاد تمدید قرارداد نداد.

په‌ه افزود: هنوز با باشگاه دیگری قرارداد امضا نکرده‌ام. می‌توانستم این کار را انجام دهم اما صبر کردم تا مسابقات مهم به پایان برسد و نمی‌خواستم با خبر جلالی‌ام روی تیم تاثیر بگذارم. مشتاق بازی در تیم دیگری هستم و در آن جا با تمام وجود بازی خواهم کرد. همچنین به ادعای آس با پایان یافتن فصل ۱۷-۲۰۱۶ که سرانجامی بسیار خوش هم برای ژنل مادرید داشت، پروسه خروج بازیکن از باشگاه مادرید به پایان رفته است. ۶ بازیکن دیگرژنل مادرید که احتمالا در فهرست خروجی قرار خواهند داشت عبارتند از: خاوس، موراتا، ناولس، ماریانو، دانیلو و گونترائو.

**پیولی سرمربی فیورنتینا شد**
سرمبی فصل قبل تیم اینتر هدایت فیورنتینا را در لیگ ایتالیا عهده‌دار شد.

به گزارش ایسنا به نقل از فوتبال ایتالیا، سران باشگاه فیورنتینا دیروز سرمربی جدید خوشان را انتخاب کردند و استفانو پیولی را به عنوان جانشین پائولو سوسا با قراردادی دو ساله گزیدند.پیولی سابقه بازی در تیم فیورنتینا در کارنامه خود دارد و فصل گذشته باشراف ایترا در د مقاطع ژنلادی از فصل بر عهده داشت ولی بعد از کسب نتایج ضعیف از این تیم اخراج شد.

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۱

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۱

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد یک غرفه خود را با کاربری موبایل و لوازم جانبی واقع در ایستگاه صادقیه**از طریق بر برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۷۰۰۰۰۰۰۰ (هفتاد میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۱

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۲

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۲

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد ۳ غرفه خود را با کاربری کافی شاپ و اغذیه واقع در ایستگاه‌های دروازه دولت، صادقیه و گلبرگ** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ (چهارصد و ده میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۲

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۳

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۳

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد یک غرفه خود را با کاربری بدلیجات و زیور آلات واقع در ایستگاه صادقیه** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ (پنجاه و هشت میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۳

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۴

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۴

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد یک غرفه خود را با کاربری سنگ‌های قیمتی و نقره واقع در ایستگاه صادقیه** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۵۳۰۰۰۰۰۰۰ (پنجاه و سه میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۴

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۷

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۷

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد ۲ غرفه خود را با کاربری شال و روسری واقع در ایستگاه صادقیه و گلبرگ** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۷۱۰۰۰۰۰۰۰ (هفتاد و یک میلیون و پانصد هزار)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن با هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۷

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۸

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۸

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد یک غرفه خود را با کاربری شکلات و پاستیل واقع در ایستگاه صادقیه** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۵۸۰۰۰۰۰۰۰ (پنجاه و هشت میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۸

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۹

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۹

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد ۵ غرفه خود را با کاربری لوازم کادویی و دکوری واقع در ایستگاه‌های صادقیه، راه آهن ستان، سبز، گلبرگ و شهید منتقن** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.

-سپرده شرکت در مزایده معادل ۳۲۵۰۰۰۰۰۰ (سیصد و بیست و پنج میلیون)ریال می باشد.

-این آگهی در سه روزنامه به چاپ رسیده و هزینه آن بعلاوه هزینه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۲۹

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۰

راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران و حومه

۹۶-۳۰

راه آهن شهری تهران و حومه

**شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد تعداد ۴ غرفه خود را با کاربری سوغات شهرستان ها واقع در ایستگاه‌های صادقیه، حسن آباد، گلبرگ، امام خمینی (ره) و گلشهر** از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.

لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اسنادود پاکات مخصوص مزایده به حساب جاری ۰۸۰۲۷۴۹۳۲۸ بانک شهر (شعبه امام خمینی (ره)کد(۲۶۴)در وجه شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ به نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- تقاطع حافظ- شماره-۹۵۶- طبقه پنجم- مدیریت امور قراردادها مراجعه نمایند.تحويل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ به نام می باشد.

تأکید می گردد اسناد مزایده فقط بصورت حضوری و برای اشخاص حقوقی با ارایه معرفی نامه رسمی قابل دریافت است.











# فرهنگ

## ۳۱۲

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و یکم - شماره ۲۶۷۳۷



## سنت هنر ایران

### بازل‌گری

در قرن چهاردهم سبک چینی در نقاشی ایران نفوذ کرد ولی به تدریج جذب مسیر اصلی آن شد و امکان آن نیز به وسیله ایلخانان از طریق احیای تمدن کهن ممکن گردید. ولی دور از دیار آذربایجان و پایتخت آن تبریز اوضاع به گونه دیگری بود؛ نفوذ چین به طور آشکارا کمتر بود و احتمالاً به صورت دست دوم و از طریق صنایع دستی و به خصوص لباس مهاجمین ممکن می‌شد. پس سنت قدیمی نقاشی ایران می‌توانست فقط تحت چنین شرایطی پابرجا بماند. مرکز اصلی چنین نقاشی می‌توانست شیراز یعنی مرکز ایالت فارس که خود زمانی قلب امپراتوری هخامنشی بود باشد.

خود شیراز ساخته صفاریان (۸۷۶ - ۹۰۰) و بویه (۹۳۳ - ۱۰۵۶) بود و در زمان حمله مغول شهر خوشبختی به حساب می‌آمد که فرهنگ سنتی عظیمی داشت. این شهر زادگاه سعدی بود که در سال ۱۲۹۴ در آنجا به خاک سپرده شد. حافظ در این شهر جان سپرد و در زمان حیات او شیراز به تصرف تیموریان درآمد (۱۳۸۹). ولی شیراز به علت کشمکش‌های سیاسی تغییرات شدیدی پیدا کرد.

خاندان اینجو که از اعقاب فرمانروایان زیردست ایلخانان بودند، پس از مرگ ابوسعید در ۱۳۳۵ مستقل گردیدند و از این تاریخ تا ۱۳۵۳ بر فارس حکومت می‌کردند تا این که به وسیله خاندان مظفر که در آن زمان حکمران یزد بودند از آنجا رانده شدند. خاندان آل مظفر بر تمام قسمت جنوب غربی ایران فرمانروایی می‌کردند تا این که در سال ۱۳۹۳ به وسیله تیمور نابود شدند. هم ابوسعید اینجو و هم شاه شجاع مظفر هر دو حامی حافظ بودند و شاید هم نقاشان ماهری برای مصور کردن کتاب‌ها استخدام کرده باشند. در واقع مجله‌هایی که به طور مسلم به شیراز نسبت داده می‌شود همه در زمان اینجو به وجود می‌آیند. از زمان نزدیکی‌های سقوط شهر به وسیله تیمور کتابی به دست آمده که بدون شک مربوط به مظفریان است ولی ما سعی می‌کنیم که این شکاف را پر کنیم. زیرا دنباله سنت مصور کردن کتاب در شیراز که خود بسیار مهم است ادامه می‌یابد.

چهار جلد شاهنامه تاریخ دار که (دو تا از آنها اکنون ناپدید شده است) بسیار نزدیک به هم هستند و به سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۲ مربوط می‌شوند یکی از این شاهنامه‌ها که مدت دوازده سال از نوشتن آن می‌گذشت به وزیر قوام‌الدین حسن که در ۱۳۵۳ وفات یافت اهداء می‌گردد (تابلوی ۲۱). شاهنامه‌های دیگر نیز در مجموعه‌های اروپا و آمریکا پراکنده هستند. اکثر مینیاتورها دارای زمینه یک دست قرمز، زرد، اکر و یا طلایی می‌باشند ولی تعداد کمی از آنها مسطح و بدون رنگ هستند. به طور جدی گفته می‌شود که این نوع زمینه‌ها از سنت نقاشی دیواری دوران ساسانیان گرفته شده است. وجود سنت به خوبی پی‌ریزی شده‌ای در این جا مشهود است ولی بایستی قبول کرد که شکاف بزرگ موجود در این سنت هنوز به هیچ وجه پر نشده است. به هر حال مشاهده می‌شود که این مینیاتورها سبکی را منعکس می‌کنند که در ایران پیش از زمان مغول

وجود داشته است و بر روی ظروف میناکاری، کاشی کاری و ظروف دیگر در نیمه دوم قرن دوازدهم ترسیم می‌شده است. قلم‌گیری در تمام آن‌ها به صورت خطی پیرنگ و زمینه با درخت یا شاخه پر شده است. حتی در حالاتی هم که با موضوع تناسب نداشته باز هم به کار رفته شده است. انواع سنتی درختان نیز همه شبیه به هم هستند که شکوفه و شاخه‌هایی پر مانند بر روی ساقه‌های پیچ و خم دار دارند. ولی خصلت‌های نو در این مینیاتورها و مینیاتورهای کتاب‌های خطی مکتب شیراز به طور کلی مشاهده می‌شود. بعضی از نقوش سدر مانند لباس‌ها و گل‌های بزرگ شقایق از صادرات چین توسط مغول است و بعضی دیگر مانند کوه‌های مخروطی با رنگ عجیب و سنتی قرمز، آبی، بنفش و زرد می‌تواند نظیرش در نقاشی‌های قدیم دیواری در معابد بودائی آسیای مرکزی مشاهده شود، ولی امکان هم دارد که دارای اصل و ریشه‌ای مستقل باشد. زیرا بر روی ظروف و بشقاب‌های نقره‌ای ساسانی علائمی از منظره‌سازی قرار داده‌ای مانند خوشه‌های مخروطی به عنوان کوه به چشم می‌خورد و امکان دارد که این قراردادهای نظیر زمینه‌های رنگی به عنوان سنتی زنده از قدیم تا قرن چهاردهم پابرجا مانده باشد. عنصر مهم و برجسته این مینیاتورها تصاویر حیوانات است که به صورتی زنده محکم و عاطفی کشیده شده‌اند و می‌تواند یک سنت قدیمی ایران باشد.

گل‌های بزرگ شقایق که به عنوان پرکننده فضا در کلیله و دمنه ۱۳۳۳ به کار برده شده یادآور زمینه همانندی است که در روی ظروف سفالین سلطان‌آباد مشاهده شده است. کتاب خطی دیگری که در آنها این نوع گل‌ها پیدا می‌شوند متن منحصر به فردی است از داستان‌های فارسی که توسط صدقه بن ابوالقاسم در شیراز نقاشی شده و کتاب سمک عیار نام دارد که حالا در کتابخانه بادلیان است (Ouseley ۳۷۹-۳۸۱). مینیاتورهای متعددی که در این سه کتاب به چشم می‌خورد همه دارای زمینه زرد یا قرمز هستند ولی خشن‌ترین کارهای مکتب شیراز این زمان را تشکیل می‌دهند. حرکت هنوز هم خشک و معماری و منظره‌ها خیلی مختصر و خلاصه هستند و عناصر قراردادی همان‌هایی می‌باشند که در دو شاهنامه خطی ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳ کتابخانه توپ‌کاپی در استانبول و کتابخانه ایالتی در لنینگراد وجود دارند. از نظر رنگ مثل هم هستند ولی به بنفش و آبی و زرد (به خصوص ترکیبی از آبی و بنفش) اهمیت بیشتری داده شده است.

در هر صحنه‌ای از کارهای شیراز پیکر انسان قسمت اعظم تابلو را در بر می‌گیرد و عناصر دیگر در کمپوزیسیون تابع آن هستند و به عنوان تزئین به کار گرفته شده‌اند یعنی بقیه فضای تصویر را پر می‌کنند. شکل حاشیه آنها مستطیل بوده و معمولاً از یک سوم تا نصف صفحه را در بر می‌گیرند. ولی به ندرت نیزه‌ها و یا نوک علم از حاشیه به بیرون کشانیده می‌شود. یکی از خصوصیات کتابهای ماندگرم در وسط قرار می‌گیرد و این نوع ابتکار که تقارن کمپوزیسیون را تشدید می‌کند یک سنت ایرانی است.

ادامه در صفحه ۷

۵-۴



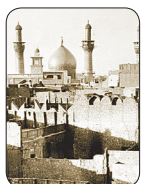
حکیم الهی قمش‌های به قلم  
استاد اکبر ثبوت  
جدال با مدعی

۵



در کوچه باغ اندیشه  
جنگ، ظلم، عدالت

۲



از خاطرات دکتر شیرین بیانی  
سفر به عراق

۶



خاطرات دکتر سیاسی  
مسابقه رفتن

۷



جامعه‌شناسی خودمانی  
آیا ما آبلوموف نیستیم؟

۵-۴



فراس، شاعر زمزمه جویباران  
تامس‌نه فراس

آموزه



مولانا

تن همچو مریم است و هر یکی  
عیسی داریم. اگر ما را درد پیدا  
شود، عیسی ما بزیاد و اگر درد  
نباشد، عیسی از آن راه نهانی که  
آمد، به اصل خود پیوندد.

قلم‌انداز



## ما و ذهن

استفاده ما از هواپیما، صرفاً به عنوان یک ابزار و آلت است که برای رسیدن به یک هدف - که غیر از خود هواپیماست - از آن استفاده می‌کنیم و به اصطلاح استفاده‌مان ابزاری است نه غایی. ما با هواپیما کار داریم، نه از آن جهت که هواپیماست بلکه از آن جهت که ما را به سرعت از محل سکونتمان به جایی دیگر منتقل کند.

به همین منوال، نوع ارتباط بسیاری از انسانها با ذهن، چنین حالتی دارد. از آن استفاده می‌کنند و به طرف مقصد و غایت و مطلوب خودشان حرکت می‌کنند بدون اینکه با خود ذهن کاری داشته باشند. ذهن برای آنها مطرح است، اما برای رفع حواجی و برطرف کردن مشکلات، وقتی ذهن حواجی آنها را برطرف می‌کند، دیگر کاری با ذهن ندارند و درباره آن نمی‌اندیشند.

به عبارت دیگر، ذهن برای انسانها طریقت دارد، نه موضوعیت. آن را منبعی می‌دانند که در موارد لزوم و ضرورت باید به آن مراجعه کرد و از متنش چیزی را استخراج کرد. بعد از آن، آنها به دنبال کار خودشان می‌روند و ذهن در جای خودش می‌ماند. به عبارت دیگر، آنها از کنار ذهن عبور می‌کنند تا رجوعی دیگر.

طبق مثالی که توضیح دادیم، بسیاری از کسانی که ذهن دارند و ذهن در زندگی آنها نقش اساسی ایفا می‌کند، چنین ارتباط و تعاملی با ذهن دارند اما سؤال این است که: آیا ذهن مثل ماشین است؟ آیا می‌توان ذهن را نازل منزله ماشین و خودرو و هواپیما دانست؟ آیا می‌توان ذهن را مورد استفاده قرار داد و بعد کاری با آن نداشت؟

اینکه بسیاری از انسانها و غالب اشخاصی که ما می‌شناسیم چنین می‌کنند، قاعدتاً نمی‌تواند دلیلی بر درستی این عمل باشد و این پرسش را پدید نیابرد که: آیا می‌توان ذهن را مورد استفاده قرار داد و شناخت؟ آیا می‌توان بدون شناخت ذهن، از آن استفاده درست و همه‌جانبه به عمل آورد؟

تأمل در این پرسش‌ها ما را با مسائل مهم و نوینی مواجه می‌کند که می‌تواند راهگشای ما به سمت ذهن باشد و شناخت ذهن. دلایل زیادی می‌تواند مؤید این مسئله باشد که ذهن را باید شناخت و بدون شناخت ذهن، نمی‌توان از آن به صورت تمام و کمال استفاده کرد؛ اما شناخت ذهن چگونه است؛ طبیعی است که این شناخت با خود ذهن انجام می‌شود و حاصل می‌شود. از همین نکته بسیار ساده معلوم می‌شود که ذهن می‌تواند خود را بشناسد.

پس، ذهن دارای جنبه‌هایی است که می‌تواند از شکل و شمایل و حالت عادی و همیشگی آن فراتر برود و خودش را مورد شناخت قرار بدهد. توجه داشته باشید که در اینجا امر شناخته شده و امر شناسنده یکی است.

نمی‌گوییم کسانی که واجد نوع خاصی از زندگی نیستند، در واقع و عملاً زندگی نمی‌کنند. ابوسعید ابوالخیر از عبدالله بن منازل - صوفی بزرگ و برجسته نیشابور به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی - نقل کرده است که: اهل رسوم یعنی بی‌بهرگان از حقیقت، در حیات خویش مردگانند و ارباب حقایق در مرگ خویش زندگانند. (اسرارنامه - تعلیقات / ۳۵۴)





## تاریخ



**اشاره:** آنچه می خوانید بخش هایی از خاطرات دکتر شیرین بیانی (اسلامی ندوشن) استاد رشته تاریخ دانشگاه تهران است که در کودکی شاهد و ناظر آنها بوده است. در بخش های قبل مطالبی را از زبان خدمتکاری به نام «کوکب سلطان» خواندید. این مطالب فارغ از جنبه خاطره یا داستان و شرح حال یک نفر، به لحاظ جامعه شناسی و مطالعه تحولات تاریخی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است. بشنویم از زبان همان شخص که وقایع زندگی خودش را با زبانی عامیانه چنین شرح می دهد.

از آن پس زندگی من به کلی عوض شد. از بازی های روزگار اینکه، من که خیال می کردم دیگر روی خوشبختی رو نخواهم دید، هرچه کیف دنیا بود، در عرض پانزده سالی که زن حاج اسماعیل بودم، کردم. اگر بدوین چقدر خاطر خواه من بود؟ از شیر مرغ تا جون آدمیزاد برایم فراهم می کرد. اگر می گفتم آخ، می خواست جانش درآید. اگر می گفتم این غلاغی (کلاغی) که توی آسمون داره پرمی کشه چقدر قشنگه که آن را برایم نمی آورد، راحت نمی نشست.

مثلاً بعضی شبها می دیدم من رو از خواب بیدار می کنه. بلند می شدم می گفتم چکار داری؟ می گفت: پاشو چند تا پسته برایت مغز کرده ام بخور چون امشب شام خیلی کم خوردی!

کوکب در این موقع آه سوزناکی کشید و گفت: آره، منم یک وقتی خیلی عزیز بودم. یک کسی بود که نازم رو بکشه، دست مهر و محبت به سر و گوشم بکشه. دردم رو دوا کند. حالا وقتی فکر اون وقت ها روی کمن جگرم آتش می گیره. آخر مگر ممکنه آدم یک دفعه اینطور از همه چیز محروم بشه که دیگر کسی رو نداشته باشه که بگه بابا مرده ای یا زنده ای، حالت چطوره؟

من و خواهرم فوراً در جواب او گفتیم: کوکب جان همه خانواده ما که همیشه هوای کار تو را دارند و همه مواظبت هستیم و همه دوست داریم. گفت: درسته شما مثل فرزندان من هستین و آقا و خانم جای پدر و مادر من هستن.

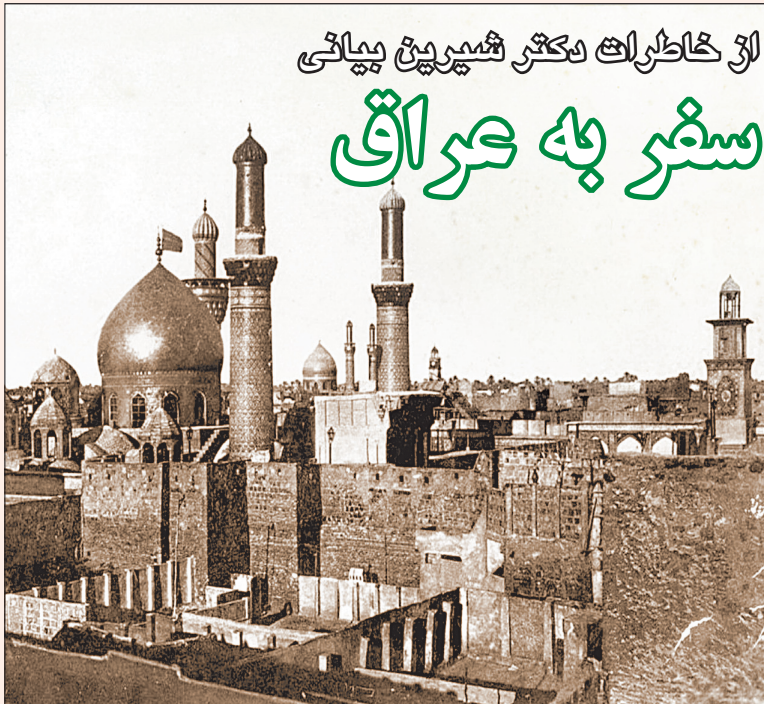
ولی شما هنوز معنی حرف های من رو نمی فهمید، که به قول معروف: تا دلی آتش نگیرد، حرف جانشوزی نکوید. من به یاد دارم که این مصرع از بیتی از غزل های «نظام وفا» بود که به خانه ما آمد و رفت داشت و چون کوکب دوروبرش می پلکید، این مصرع از غزل او را که وصف حال خودش بود، یاد گرفته بود.

کوکب دنباله ماجرای زندگی خود را چنین گرفت: گفتم که من نزدیک اسماعیل خیلی خیلی عزیز بودم. هر روز که او کار نداشت قالیچه و سماور و دم و دستگاه بر می داشتیم می رفتیم در بند، پس قلعه، درکه و از این جور جاها، آخر اون وقت ها که اینجاها آنقدر آباد نشده بود. همه کوه و دره و راه ها سنگ و کلوخ بود و خیلی کم مردم به این جاها می رفتن. چون آبادی پیدا نمی شد و فقط یکی دو تا قهوه خانه داشت و راه هم دور بود. ولی تا دلتان بخواد سبز و خرم و خوش منظره و پر آب بود. اون خدا بیامرز تمام اونجاها رو آباد کرد، و سروسامونی داد.

خلاصه، ما می رفتیم اونجاها پشه بند می زدیم. من یک پشه بند دوخته بودم که دور تادورش را

با مغزی قرمز تزئین کرده بودم و همه رهگذرها می ایستادند و اون رو تماشا می کردن، و دوسه روز آنجا می موندیم؛ ولی گاهی گداری حاج اسماعیل غیث می زد و ساعتی بعد بر می گشت که من خیال می کردم می رود پیاده روی و شاد و شنگول برمی گشت. دو سه روز اونجا می ماندیم و برمی گشتیم. معنی واقعی زندگی رو من اونجاها می فهمیدم. چه روزها و شبهای خوشی را ما در این پشه بند و دور و اطراف آن می گذرانیدیم. اما حالا که به اینجا رسیدیم، بگذارید برایتان

## از خاطرات دکتر شیرین بیانی سفر به عراق



درد و پنجره های اطاق بسته بود، بیشتر به بیچارگی من کمک شد.

بالاخره یک ماه به سر آمد و یواش یواش حال حاج اسماعیل خوب شد و از رختخواب بلند شد و کارش را شروع کرد؛ و البته مثل معمول توی خونه نمی کشید. از اون وقت به بعد حال من بد شد. همون عوارضی که او در موقع خماری گرفتار می شد، من هم به اون مبتلا شدم. اصلاً جون اینکه دستم رو تکون بدهم نداشتیم. از دماغ و چشمم آب می آمد، مرتب دهن دره می کردم و هر دکتري رفته نفهمید که من چه دردی دارم؛ خودم هم که اصلاً به فکری که نبودم فکر معنادار شدن بود.

چند روزی که از این ماجرا گذشت، یک روز که هوا خیلی سرد شده، برف سنگینی باریده بود، حاج اسماعیل نتوانست از خونه بیرون بره و همانجا کشید. من هم پهلوی منقل بودم که گرم بشم. دیدم یواش یواش حالم جا آمد. دیگر دهن دره نکردم، از اون سستی و رخوت بیرون آمدم. یک دقیقه دیگر که گذشت، کم کم از جا بلند شدم و نشستیم. مثل اینکه مرو جادو کرده باشن و باطل السحر به کار برده باشن! از جا بلند شدم و مثل آدم های معمولی راه افتادم. در این موقع بود که شوهرم فهمید من هم به درد او مبتلا شده ام. کمی من رو دلداری داد و گفت: حالا با هم می کشیم! من هم جوانی و کم عقلی کردم و بعد از دو سه دفعه دیدم حالم از همیشه بهتره و سر کیف آمدم. شروع کردم به کشیدن. تا اینکه خاله و شوهر خاله ام که فهمیدند آنقدر نصیحت کردند که رفتم ترک کردم و یک سال لب هم نزدم.

کوکب در این لحظه حالت مخصوصی داشت. تمام وجودش را هاله ای از نامت فرا گرفته بود. احساس پوچی و بی خودی در چشمانش نمایان شده بود. می خواست بگوید چه بد کرده، چه نادان و دیوانه بوده و چقدر پشیمان است؛ ولی از طرف دیگر ترک مافوق نیروی او نبود و این دو نیرو همواره در زندگی او با یکدیگر در جنگ و جدال

بودند، و همیشه برنده نیروی افیون بود. گفت: آره، یک سال، یک سال تمام لب نزدم و دیگر از آدم های عملی بدم آمده بود. (او همیشه تریاکی ها را «عملی» خطاب می کرد). تا اینکه تنها آرزویی که در آن موقع داشتم برآورده شد و به کربلا رفتم. چه ایام خوشی. تمام زندگی من یک طرف اون سفر و زیارت یک طرف. نمی دونی چقدر لذت و کیف داره زیارت قبر چنین مردان بزرگی. چقدر آدم آروم و سبک می شه وقتی از زیارت بر می گرده داستان رفتن به این سفر طولانی است.

در اون زمان تا کسی خویشاوندی در مملکت غریبه نداشت، اجازه مسافرت به او را نمی دادن. مادر و خواهرهای شوهرم هم در عراق خانه شان رو عوض کرده بودن و ما آدرسشون رو نداشتیم. من آنقدر به درگاه خدا التماس کردم تا یک شب خوابی دیدم که این خواب ما رو راهنمایی کرد و خیلی هم عجیب و غریب بود. یک شب بعد از این که به درگاه خدا خیلی التماس و زاری کردم و امامها رو واسطه و شفیع قرار دادم، نزدیکی های سحر خوابم برد و در خواب دیدم که مردی رشید و قوی و خوش سیما و وجهی که اطراف صورتش رو هاله ای از نور گرفته، با لباسی گرد و خاکی و خون آلود و قیافه ای خسته، جلوی من آمد و گفت: «تو که ما رو رها نمی کنی. حالا که آنقدر اصرار داری به آدرس خیابون و کوچه و منزل فلان که مادر شوهرت اونجاست کاغذ بنویس مرادت برآورده می شه؛ و از نظرم ناپدید بشد.

من در همون عالم رؤیا با خودم گفتم که حتماً این آقا باید از ائمه (ع) باشه. از خواب بیدار شدم، حاج اسماعیل رو هم بیدار کردم و با خوشحالی خوابم رو برایش تعریف کردم. دیدم توی بستر همانطور که نیم خیز شده بود، خشکش زد و مبهور به من نگاه کرد. بعد گفت: «از تعجب دارم دیوونه می شم، این آدرس منزل پسر عموی مادرم در کربلاست که حتماً اونها به آنجا رفته اند. فوراً یک کاغذ به همون آدرس نوشت و همون روز فرستاد. سه هفته بیشتر طول نکشید که کار مادرست شد و عازم کربلا شدیم. دو سال که از اقامت ما در اونجا گذشت، تصمیم گرفتیم که برای همیشه به عراق بریم. به ایران برگشتیم و هر چه داشتیم فروختیم و بار سفر بستیم و رفتیم؛ و باز در این سفر بود که هوس مصرف به سر من زد و دوباره هم پای شوهرم شروع کردم؛ و این همان شروع کردنی است که دیگر خاتمه ندارد. تف بر دنیا و تف بر بی غیرتی من و شوهرم!

حاج اسماعیل یک مغازه بزرگ چراغ خوراکی پزری دایر کرد که خودش چراغها رو می ساخت و من هم روزها توی خونه فیتله های چراغها را می بافتم. هیچ فیتله ای غیر از آنچه که من می بافتم به اون چراغها نمی خورد. این بود که کار و بار ما خیلی گرفت.

چه دردسرها تقریباً سه سال و نیم ما زندگی مرتب و آبرومندی داشتیم. کارها بر وفق مراد مایود، و حاج اسماعیل مثل همیشه می خواست جانش را در راه من فدا کند؛ ولی امان از وقتی که دنیا اون رویش را به آدم نشان بده و بدبختی به جون آدم بیفته. اما از اون زمان که بخت از آدم برگرفته که دیگه با سد سکندر هم نمی شه جلویش را گرفت.

بدبختی زمانی به من روی آور شد که روزی نامه ای رسید که شوهر خاله ام بعد از یک میزبانی سخت که تمام دارایی اش را بر سر آن گذاشت، فوت کرده و خاله بیچاره ام تک و تنها مانده. از طرف دیگر مایا مادر شوهر و یکی از خواهر شوهرهایم توی یک خونه زندگی می کردیم. مادر شوهرم با من خیلی مهربون بود و راستی مرو مثل اولادش دوست می داشت؛ ولی امان از اون خواهر شوهر که هرچه بدبختی به سر من آمد از او بود.

ادامه دارد



تفکر

رودولف گریم / ترجمه: شهرام انصاری

# نگار

انتقاد فریدریش شیلر به کانت مشهور است که فلسفه اخلاقی کانت را به وازدگی غیر انسانی و معتقد است که با این که رفتار وی در برابر دوستان، صمیمی است، ولی متأسفانه همواره با خود در رنج است که مبادا رفتارش از مکارم اخلاق تهی باشد. کانت معتقد است که یاری دادن به دیگران غیر اخلاقی نیست، بلکه رفتار کسی غیر اخلاقی است که تنها دوستانش را یاری دهد و کسی را که نیاز دیگر هموعان بی تفاوت باشد. گرایش‌ها می‌توانند رفتارهای اخلاقی را همراهی کنند، اما مجاز نیستند که انگیزه‌هایی فراهم سازند.

مانمی توانیم بدون کانت کنار بیاییم

آقای پروفیسور وادهیم واریوتیچ واسیلیو ۳۵ ساله بهترین کانت شناس کشور روسیه می‌باشد. وی از سال ۱۹۹۳ میلادی در دانشگاه لومونوسوف (Lomonossow) مشغول به تدریس و تحقیق بوده و دارای کرسی تاریخ فلسفه غرب می‌باشد. مصاحبه ذیل توسط آقای جنز دورنر (Jens Dörner) با او انجام گرفته است:

**سوال:** آقای پروفیسور واسیلیو، بخوبی می‌دانید که کشور آلمان روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ را که روز فوت کانت فیلسوف آلمانی است، به افتخار او جشن گرفته است. سوال اول من این است که آیا این موضوع برای دانشجویان فلسفه روسیه نیز با اهمیت است؟

پروفیسور واسیلیو: البته این موضوع برای آنها بسیار با اهمیت است. در میان دانشجویان من، دانشجویانی وجود دارند که علاقه شدیدی به مطالعه و تحقیق در زندگی و آثار فلسفی او دارند و در انستیتوی فلسفه، شدیداً درباره زندگی و آثار او تحقیق می‌شود.

**سوال:** چگونه این علاقه پیدا شده است؟

پروفیسور واسیلیو: اولاً چون کانت تا امروز یکی از با نفوذترین فلاسفه جهان بوده است و بعلاوه، در زمینه‌های مختلفی مثل زیبایی‌شناسی و خود آگاهی و اخلاق آثار بسیار خوبی از خود بجای گذاشته است. ثانیاً بهر حال نمی‌توانیم بدون او کنار بیاییم.

**سوال:** منظور شما از این حرف چیست؟

پروفیسور واسیلیو: با اینکه با درست بخاطر اینکه آثار او، بسیار پیچیده است، دارای محتوای عمیقی می‌باشد. اشخاصی که آثار او را مطالعه کرده‌اند، بخوبی می‌دانند که حکمت او چیست. آثار او باید مطالعه شود چون بهر حمتش می‌ارزد.

**سوال:** آیا در کشور شما (روسیه) کنجکاوی برای مطالعه آثار او وجود داشته است؟

پروفیسور واسیلیو: در کشور ما در قرن نوزدهم رابطه ما با او بسیار پیچیده بود چون فلاسفه مذهبی ما با او سازگاری نداشتند. همچنین بعد از انقلاب اکتبر در مقایسه با هگل به او اهمیت زیادی نمی‌دادند و این مسئله تا سال ۱۹۶۰ باقی بود.

**سوال:** چه اتفاقی در سال ۱۹۶۰ در رابطه با او افتاد؟

پروفیسور واسیلیو: از این سال به بعد نمی‌شد عظمت او را انکار کرد. او از فلاسفه بزرگی به‌شمار می‌رفت که همه به او علاقه داشتند.

**سوال:** این واقعیت که او به تاریخ شهر کونیگزبرگ متعلق است، چه نقشی بازی می‌کند؟

پروفیسور واسیلیو: ما مفتخریم که اصل و نسب او به کانیگنراد بر می‌گردد. بخاطر این مسئله است که محققین روسی و آلمانی کانت شناس ما با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند بخصوص در شهر کانیگنراد. (توجه: کانیگنراد همان شهر کونیگزبرگ قدیمی است).

**سوال:** سازمان متخصصین کانت شناسی چگونه است؟

پروفیسور واسیلیو: آنها موسسه علمی خود را با توجه به سنت



خود اداره می‌کنند و اهمیت آنها در جهان در ردیف سوم قرار گرفته است چون در ردیف اول آلمانی‌ها و در ردیف دوم انگلیسی‌ها قرار دارند.

**سوال:** اکثر کانت شناس‌ها در کجای کشور شما مشغول به کار هستند؟

پروفیسور واسیلیو: شهرهایی که در آنها به تحقیق و مطالعه و تدریس در مورد کانت شناسی می‌پردازند به ترتیب اهمیت عبارتند از: مسکو، کانیگنراد، پترزبورگ، یا کاترینبورگ، ساراتف.

**سوال:** آیا این تحقیقات بخاطر جذابیت آثار کانت است یا فقط بعنوان وظیفه انجام می‌شود؟

پروفیسور واسیلیو: کانت یک فیلسوف جاویدان است. قاعداً جوانان خود بخود در مطالعه آثار او فعال می‌شوند. یکی از دانشجویان دفتر من با اینکه در ترم چهار فلسفه است با مطالعه آثار کانت چندین مقاله منتشر کرده است. جزوات ترجمه شده من

از آثار کانت به زبان روسی سه سال پیش منتشر شد که کتاب ضخیمی است و تک پژوهی من نیز بسیار مشهور است. از زمان اخذ دکترای فلسفه من هرگز تماسم با آثار او قطع نشده است.

**سوال:** عنوان تز دکترای شما چه بوده است؟

پروفیسور واسیلیو: استقراء مقولات در متافیزیک کانت.

معنی آزادی از نظر کانت

نوشته: فولکر گرهارد

بزرگترین کار کانت این است که نشان داد آزادی انسان اصالت دارد و غیر قابل خدشه است. او نشان داده است که کسی که آزادی را انکار می‌کند، خودش از این آزادی استفاده کرده است. بنابر این جهت‌گیری به اصطلاح مخالف دست نمی‌دهد. آزادی با طبیعت مغایرتی ندارد و احتیاجی هم به ناپیوستگی در زنجیر قوانین طبیعت ندارد. بالعکس، آزادی متکی بر بافتی است بسیار سخت از قوانین متعهد در درون و برون انسان.

فقط انسان تا آنجائیکه تابع این قوانین است، صحبت کردن از آزادی معنی دارد. آزادی باین معنی چیزی نیست بجز اجرای بلامانع زندگی فردی.

باین دلیل انسان به سببی که روی درخت می‌رسد و یا به حیوانی که در قفسه نگهداری می‌شود، آزاد نمی‌گوید. انسان آزاد است تا آنجائیکه تحت فشار دیگران نباشد و انجام دهد آنچه را که از دید خود صحیح می‌داند.

به این ترتیب فقط خرد وسیله مهم برای زندگی است که بتواند از این شانس خود استفاده کرده و خود را شکوفا سازد. فقط اینطور خود می‌تواند به منشاء و اساس رفتار خود اعتبار بخشد.

تمام گفته‌های کانت برای استدلال و محدودیت دانائی و برای یقین پیدا کردن به اخلاق و حق یا برای فهم زیبایی، براساس فهم این کلمه «آزادی» که حرف اساسی حیات فردیت در رابطه با هموعان خود را می‌زند، قرار دارد. به این ترتیب مفهوم «خرد»، طرح زندگی قرار دارد که تا حال جدی گرفته نشده است.

اثر کانت بر جوامع امروزی

نوشته: اُتفَرید هوفه

برای جواب به نفوذ فلاسفه در تفکر امروزی باید مدتی تحقیق کرد ولی درباره کانت مسئله بسیار روشن است. در مورد کانت، انتخاب کردن در ابتدا مشکل بنظر می‌رسد چون آثار او، اثر بسیار ممتاز و همه‌جانبه‌ای روی تفکر امروزی انسان گذاشته است. برای مثال او نظریه انتقادی فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق را بکلی دگرگون ساخت. در کشورهای انگلیسی‌زبان او به برتری اخلاق منفعت‌گرایانه خاتمه داد.

او در تمام جهان خواستار اخلاق جهانی شد. عصر جهانی شدن، نظام حقوقی و نظام صلح خود را مدیون او است. کانت به دانشمندان علوم طبیعی و بخصوص دانشمندانی که روی مغز انسان کار می‌کنند نشان داد که چگونه می‌توان با وجود، اصالت علیت در طبیعت، انسان را موجودی آزاد و متفکر دانست.

\* وای چه خاکی بر سرم شد، حاجیه بی‌بی بزرگترم شد!  
\* وای دلم، وای کمرم، از دست مادر شوهرم!  
\* وجود اهل کمال است زینت هر شهر.  
\* وجود مردم دانا مثال زر طلاست.  
\* وجود ناقص به از عدم محض است.  
\* ور بیخشی عفو بهتر کانتقام.  
\* ورت نیست باور بیا و بین.  
\* ور دوست نبینی به چه کار آید چشم؟  
\* ور رسد کار به جان از سر جان برخیزم.  
\* ورم را از فریبهی مشمار.  
\* وزیر پری چنان شهر یاری چنین.  
\* وسمه قد را بلند نمی‌کند!  
\* وصال چو بسر آید فراق هم بسر آید.  
\* و صف‌العیش نصف‌العیش.  
\* و صلت با قوم و خویش، معامله با بیگانه.

\* وصله ناهم رنگ به از سوراخ باز است.  
\* وطن آن جاسست کآزاری نباشد/کسی را با کسی کاری نباشد  
\* وطن از دست مده آب بقا در وطن است.  
\* وطن در کوی صاحب دولتان گیر.  
\* وعده از حد بشد و ما نه دو دیدیم و نه یک.  
\* وعده وصل چون شود نزدیک/آتش شوق تیزتر گردد  
\* وفا با جمال کم سازد.  
\* وفا به قیمت جان هم نمی‌شود پیدا.  
\* وفا جستن از سنگ چشمان، خطاست.  
\* وفاداری را باید از سگ آموخت.  
\* وفاداری مجوی از دهر خونخوار.  
\* وفا در مذهب خوبان روا نیست.  
\* وفا کن تا صفا بینی.  
\* وفا را نگهدار و سر را بده.

\* وفا مجوی ز معشوق اگر چه فرزند است.  
\* وفا و مهر از کودک بیاموز.  
\* وفای عهد نکو باشد از بیاموزی.  
\* وفای هر چیز بیش از آدمیزاد است.  
\* وقت جنگ به کاهدان، وقت شادی به میدان!  
\* وقت خشم و وقت شهوت مرد کو؟  
\* وقت خوردن خاله خواهرزاده را نمی‌شناسد.  
\* وقت خوردن قُلچماقم یا علی موسی‌الرضا/  
وقت کار کردن چلاقم یا علی موسی‌الرضا  
\* وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی.  
\* وقت شادی به میدان، وقت جنگ به کاهدان.  
\* وقت شادی در میان و وقت جنگ اندر کنار.  
\* وقت گرفتن نادعلی است، وقت پس دادن مظهر العجایب!  
\* وقت گریه و زاری برین خاله را بیارین، وقت نقل و نواله دیگه نیس جای خاله!

زبانزد/شمامه ملکزاده

«ن»  
«و»

## وفا کن تا صفا بینی



اشاره: در شماره پیشین با بخش هایی از زندگی، آثار و شاگردان زنده‌یاد آیت الله الهی قمشهای آشنا شدیم و اینک ادامه سخن که شامل دیدگاه‌های آن مرحوم درباره مولانا و مثنوی او به روایت استاد ثبوت است. «ضمیمه فرهنگی»

استاد الهی افزودند: اگر آن آقای متشّرع نیم‌نگاهی به سراج‌السالکین می‌انداخت، ملاحظه می‌کرد که ملا محسن فیض –مفسّر و محدث و فقیه بزرگ شیعه – در گزیدهٔ خود از بهترین ابیات مثنوی، ابیات یاد شده را نیز آورده و بر پیشانی آن، این عنوان را نهاده: «فی آن العالمة یعظمون الظواهر و یوّدون البواطن» و چون فیض –برخلاف منتقد متشّرع و سلف قمی او –با زبان مولانا آشنا بوده، به جای بوی کفر و استهزا به مساجد، از آنها بوی حکمت و معرفت شنیده است.

نیز این رباعی:

دین و دل به یک‌دیدن، باختیم و خرسندیم

در قمار عشق ای دل، کی بود پشیمانی؟

زاهدی به میخانه سرخ‌رو ز می دیدم

گفتمش: مبارک باد بر تو این مسلمانی!

نیز این رباعی:

در میکده دوش زاهدی دیدم مسّت

تسبیح به گردن و صراحی در دست

گفتم: ز چه در میکده جا کردی؟ گفت:

از میکده هم به سوی حق راهی هست

و این رباعی دیگر:

زاهد! به تو تقوی و ریا ارزانی

من دانسم و بی‌دینی و بی‌ایمانی

تو باش چنین و طعنه می‌زن بر من

من کافر و من یهود و من نصرانی

تا برسیم به دیگر اشعار و نوشته‌های عارفانهٔ

شیخ‌بهای که با دست‌اویزگردانیدن آنها، کسانی از

متشرّعان نزدیک به عصر وی –مانند ملا محمدطاهر

قمی او- را بزهارک شمرده و تکفیر کرده‌اند؛ و برخی

از متشرّعان معاصر ما همچون سید ابوالفضل برقی

قمی در تخطئهٔ او اهتمام نموده و مدعی شده‌اند که وی

و همانندانش برخلاف تمام شیعه و اهل‌بیت عصمت رفتار کرده‌اند!

یکسی از ملایانی که دههٔ اول قرن چهاردهم را درک کرده و به ملا فیض‌الله (دربندی؟) موسوم بوده، شیخ بهایی و گروهی از اهل معرفت را بسیار نکوهش نموده و دروغگو انگاشسته و دلباختهٔ زنان و جوانان و امردان و بچه‌ها قلمداد کرده؛ و برای اثبات این دعّاو، پاره‌ای از ابیات شیخ را –که در آن به توصیف زیبایی‌های بدنی (کاکل مشکین...)، پرداخته – گواه آورده است.

همچنین این ابیات از فقیه و اصولی بزرگ محقّق نراقی:

در سسر هر کوچهای صیّادهاست

مسجد و محراب پر شیّادهاست

بر فرساز منبر آن شیّاوزبان

هست صیّادی و تیسرش در دهان

هم به محراب، آن امام پُسر آوند

سبحاش دامست و دستارش کمند

دام چبود؟ مسجد و محرابشان

این نماز و وعظ و نان و آبشان

جَبّه و عَمّامه و تحت‌الحنک

درتشهدا نشستن بسر وَرک

و:

روی اندر مسجد و محراب کن

طعمه اندر نان جو کشکاب کن

دست اندر دامن سجّاده زن

رشتهٔ تسبیح در گردن فکن

تا مگر بغریبی از این عامه‌ای

گرم سازی بهر خود هنگامه‌ای

هیچ دام و دانه از بهر شکار

بهرتر از تسبیح و سجّاده میار

بهرتر از سجّاده دامنِ نزد کیست؟

دانه بهٔ از دانهٔ تسبیح چیست؟

و:

عمری شلازمین مدرسه‌بابوئی خواهم‌کنون

کفّارهٔ آن در حرم، طرح افکنم میخانه‌ای

و:

نمی‌خواهم مقامی جز خرابات

ز مسجد دل گرفت، از خاقه نیز

و:

گفتم که: آیا جویمت در کعبه‌یادر خاقه؟

گفتا: مرا خواهی، بیا دیر مغان، دیر مغان

و:

چه نلّازی از نماز و روزه زاهد؟!

گَنّه زین گونه من بسیار دارم!

آقای متشرّع و همفکران ایشان، خوب است بر

روی یکایک این ابیات – که نظایر آنها را علمای بزرگ

دیگر نیز فراوان گفته‌اند – تأمل کنند و ببینند مضمون

کدام یک از آنها، با تشرّع و ظواهر شرع، سازگارتر از آن

دو بیت مثنوی است؟

و آیا بهتر نیست آقای متشرّع که آن همه کتاب و

مقاله برای معرفی علمای شیعه نوشته و– الحق نیز در

این صحنه بسیار زحمت کشیده – آداب ادبی آنها را هم

با چشم عنایت می‌نگریست تا بابدان با چشمی که او به

آن دو سه بیت مثنوی نگریسته و بر آن انگشت اعتراض

نهاد، کثیری از بزرگان مقبول در نظر او را نیز می‌توان

تخطئه و تکفیر و تفسیق کرد؟

استاد الهی به نقل از روضات الجنّات تألیف

خوانسناری، حکایتی ظریف هم نقل کردند که من

جرات بازگو کردن آن را ندارم و در طّی آن حکایت،

است یا خیر.

به قول لارنس فرلینگتی،

شاعر به هنرمند مانند «بندبازی» است که در ارتفاع بالا

در سیرک روی سر تماشاگران به کار پرخطر بندبازی

اشتغال دارد و در همان ارتفاع بالا باید از روی طنابی به

روی طناب دیگر بپرد. به عبارت دیگر در حالیکه روی

طناب «حقیقت» تعادلش را حفظ می‌کند باید بتواند بر

روی طناب دیگری که فاصلهٔ دوری با او دارد و آن هم

در ارتفاع زیاد قرار دارد، بپرد تا به «زیبایی» برسد. در این

جهدش خطرناک امکان دارد سقوط کند.

پس هر هنرمندی بر سر یک دو راهی است: یا

باید دست به‌انجام یک کار غیرممکن و خطرناک بزند یا

سقوط کند و بمیرد. شاعر از سویی با «عرق‌ریزی روح»

شعر می‌سراید و باید دائماً مردم را راضی نگاه دارد و

آنها از خواندن شعرش لذت ببرند و از سوی دیگر

شاعر و هنرمند با واقعیت‌های الایی چون «زیبایی» و

«حقیقت» سر و کار دارند که آن هم کار هر شخص

معمولی نیست و سرانجام باید مانند یک «بندباز» چنان

در کارشان مهارت و دقت داشته باشند که با کوچکترین

چیزهایی بس نامقّدس، به کعبه و حجرالاسود و

مسجدالحرام و حرم تشبیه شده‌اند بدون ذکرِ بالاتشبیه –

و فرمودند:

«من نمی‌دانم آقای متشرّع – با آن همه تنبّع در

کتاب‌های تراجم و رجال –این حکایت را در روضات

دیده‌اند؟ و اگر دیده‌اند، دربارهٔ ناقل آن – که عالم بزرگ

## حکیم الهی‌قمشهای به قلم استاد اکبر ثبوت جدال با مدعی



دین سیّد صاحب روضات است – چه نظری دارند؟

آیا او را به جرم اینکه به بهانهٔ نقل حکایتی ظریف،

به مقدّسات اهانت کرده، تکفیر می‌کنند یا نه؟ و اگر

نمی‌کنند، چگونه مولوی و عرفا را به خاطر سخنانی

بسیار ملایم‌تر از آن تشبیهات محکوم می‌کنند؟»

یادآوری: به سروده‌هایی که استاد الهی به عنوان

نمونه آوردند، من این بیتِ دیگر از غزل معروفِ آیت‌الله

خمینی را می‌افزایم:
در میخانه گشایید به رویم شب و روز

که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم

و از همفکران ملا محمد طاهر قمی و آن آقای

متشرّع می‌خواهم که آن سه بیت مثنوی را کنار این

بیت بگذارند، و سپس بفرمایند که وقتی باید این

بیت را توجیه و بلکه تقدیس کرد، چرا باید از آن سه

بیت، چماقی برای کوبیدن به فرق مولوی و همهٔ عرفا

است؟

**بر خوردهای مولانا با رباب قدرت**

در دفتر ششم مثنوی به ماجرای حاکمی رسیدیم که چون برای نماز به سوی مسجد رهسپار می‌شد،

چماقداران او برای دور کردن مردم بیچاره از سر راه

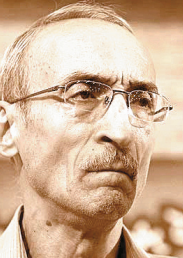
حاکم، با چماق به جان آنان می‌افتادند:

آن یکی را سر شکستی چوب‌زن

وان دگر را بردیدی پیرهن

در میانه بیدلی ده چوب خور

بی‌گناهی که برو از راه بُرد (دور شو)



مانند بردگان تذلّل نمود و

گفت: «حضرت مولانا مرا

پندی دهسد.» فرمود: «چه

پندی دهم؟ تو را به شبانی

گماشته‌اند، گرگی می‌کنی؛

پاسبانی‌ات فرموده‌اند، دزدی

می‌کنی. خدای رحمان تو را

سلطان کرد و تو به سخن

شیطان کار می‌کنی.» سلطان

گریان بیرون آمد...

نیز این حکایت:

روزی معین‌الدین پروانه نایب‌السلطنه مقتدر ایرانی

در دورهٔ حکومت سلاجقهٔ روم – به زیارت مولانا آمده

بود و او به وی رو نشان نمی‌داد. امیران بزرگ چندان

توقف کردند که عاجز شلشدن و انتظار از حد گذشت

و البته مولانا روی مبارک بدیشان ننمود؛ مگر در ضمیر

پروانه گذشته باشد که: «امیران عادل را – که اولوالامرند –

عزّت کردن و محترم داشتن بزرگان دین و مشایخ فقی،

قوّت جان و مددحال امیران می‌باشد، و از پرتو آن عنایت،

به راه راست ارشاد و هدایت می‌یابند؛ عجبا گریز مولانا

از امرا و ملوک بنا بر چیست؟ چه علماء و مشایخ زمان،

التفات و عنایت امرا را به چراغ‌ها می‌طلبند و مردهٔ آنند؛ و

او از ما چنان‌که گریزه که بهشتی از دوزخ و میغ پُران از

دام!» از ناگاه حضرت مولانا از جماعت‌خانهٔ مدرسه بیرون

آمد و خود را به سان شیر غُرّان بدیشان عرضه داشت، و

در ضمن معارف، حکایتی روایت کرد که:

در زمان شیخ ابوالحسن خرقانی، سلطان مسعود

غازی، محمود سبکتگین برخاست و قصد زیارت شیخ

کرد؛ وزرا و اکابر ارکان دولت سلطان پیشتر دویندند تا

شیخ را از مقدم سلطان اسلام اعلام کنند؛ شیخ هیچ

نگفت تا وقتی که سلطان بر در باغچه خانقاه رسید.

حسن میمندهٔ در آمد؛ سر نهاد و گفت: «حسبهٔ الله برای

مصلحت اصحاب و رعایت خاطر سلطان، شیخ قدم

رنجه کند تا ناموس پادشاهی را خخلی نیفتد.»

شیخ صلا از جا نجبید تا سلطان بر در سرای

او رسید. وزیر پیشترک دودک که: «ای بزرگ دین!» در

قران مجید نخوانده‌ای که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و

اولی الامر منکم؟ زیرا عزّت و تعظیم اولوالامر از جملهٔ

واجبات است، خاصه این چنین سلطان ولی‌سیرت.»

شیخ جواب فرمود که: «من به حضرت اطیعوا الله چنان

مستغرق و مستهلک شده‌ام که هنوز به اطیعوا الرسول

نپرداخته‌ام تا به اولوالامر چه رسد؟» شعر:

مطربِ عشقِ این زند وقت سماع

بندگی بند و خداوندی صداع

بندگی و سلطنت معلوم شد

زین دو پرده عاشقی مکتوم شمد

غیر هفتاد و دو ملت کیش او

تختِ شاهان تخته‌بندی پیش او

~~~~~

زیرا گیاه بسیار بر آن رویده بود و نیازمند پاکوب شدن

بود، گرچه آمد و رفت، هر دو را به یک سان کوفته و

فرسوده بود.

~~~~~

و در آن صبح‌بدم، برگهایی که هیچ گامی آن‌را

پایمال و سیه‌ای نکرده بود. هر دو راه را یکسان در بر

می‌گرفت. راه اول را برای روزی دیگر گذاردم ولی،

چون می‌دانستم که هر راهی به راه دیگری می‌پیوندد، در

بازگشت خویش تردید داشتم.

~~~~~

سئالهای درازی پس از این، زمانی با حسرت

خواهم گفت: در راه در جنگلی از هم جدا می‌شدند،

و من – من راهی را برگزیدم که از آن کمتر آمد و

رفت شده بود. و همین سبب تفاوت بسیار شده است.

شعر «تلفن» یکی از سروده‌های عاشقانهٔ فراست است

که با ظرافت و باریک بینی گفته شده و نیروی تخیل

قوی شاعر را بازتاب می‌کند. شعر «تلفن» بیانگر این

نکته است که اگر دو انسان هماهنگی روحی داشته

باشند می‌توانند حتی بدون هیچ‌گونه وسیلهٔ ارتباطی از

پادشاهان جهان از بُدزَگی

بسو نبردند از شراب‌بندگی

ورنه ادهم‌وار سرگردان و دنگ

ملک را برهم زدنسی بی‌درنگ

همچنان معین‌الدین پروانه و امرا بجمعهم گریان

تأسف‌کنان بیرون‌آمدند.

~~~~~

روزی حضرت مولانا در صحن مدرسهٔ مبارک

سیر می‌فرمود واصحاب بجمعهم ایستاده، جمالِ پاکمال

آن سلطان را مشاهده می‌کردند؛ فرمود که: «در مدرسهٔ

را محکم کنیده (محکم ببندید). ناگاه سلطان عزالدین

با وزرا و اسرا و نژاب به زیارت مولانا آمدند؛ مولانا

به حجرهای درآمده خسود را پنهان کرد و فرمود (به)

آنان بگوئید) زحمت نبرند؛ و چون جماعت مراجعت

کردند، یکی در مدرسه را به‌جذ می‌زد و به حدّث

می‌کوفت؛ درویشی خواست که در را بگشاید؛ مولانا

اجازه نداد و خود پرسید که: «کیست که در مردان را

می‌زند؟» پاسخ رسید: «بندهٔ پندگان، امیر عالم است» و

درآمد سجده‌کنان، تا حضرت مولانا بیامد؛ فرمود که:

«امیر عالم، قل هو الله أحد را برخوان تا بشنوم.» چون

بخواند، فرمود که: «حق سبحانه و تعالی می‌فرماید مرا

مادر و پدر و فرزند و ماندن و شریک و شبیه نیست؛

کنون ایام عمل و هنگام خدمت است؛ به وسع طاقّت

در طاعتش کوش و تکیه بر من مکن که مردان خدا،

خداصفت‌اند» این آیت را فرو خواند که: فلا أنساب

بینهم، تومنوذ ولایتساءلون.

استاد افزودند: مولانا از یک سو شیوهٔ امامان و اولیای

خدا را بهترین سرمشق برای برخورد با ارباب قدرت

شمرده و بنا بر گزارش‌ها، روزی از حضرتش سؤال

کردند که: «بعضی اولیا را متکبر می‌بینیم و آن تکبر بر

کجاست؟» فرمود که: «در مردان خدا، کبر کبرپایی باشد

نه کبر ربایی و تجبّر نفسانی و عجب جاه مردم جانی؛

چنانکام امام جعفر صادق رضی‌الله عنه که گاه تزکیهٔ نفس

خود کردی و خلفا و ملوک را التفات نمودی؛ پرسیدند

از آن تکبر او، گفت: حاشا! من متکبر نیستم، ولیکن چون

من از هستی خویش برخاستم، کبرپائی او مرا مستهلک

گردانید و به جای کبر من بنشست و این کبر از کبرپائی

اوست و من در میان نیستم.

گفت‌زبان کبر آوَرَد، کبرت نیازت راخورد



اشاره: در شماره پیشین با بخش هایی از زندگی، آثار و شاگردان زنده‌یاد آیت الله الهی قمشه‌ای آشنا شدیم و اینک ادامه سخن که شامل دیدگاه‌های آن مرحوم درباره مولانا و مثنوی او به روایت استاد ثبوت است. «ضمیمه فرهنگی»

استاد الهی افزودند: اگر آن آقای متشّرع نیم‌نگاهی به سراج‌السالکین می‌انداخت، ملاحظه می‌کرد که ملا محسن فیض –مفسّر و محدث و فقیه بزرگ شیعه – در گزیدهٔ خود از بهترین ابیات مثنوی، ابیات یاد شده را نیز آورده و بر پیشانی آن، این عنوان را نهاده: «فی آن العالمة یعظمون الظواهر و یوّدون البواطن» و چون فیض –برخلاف منتقد متشّرع و سلف قمی او –با زبان مولانا آشنا بوده، به جای بوی کفر و استهزا به مساجد، از آنها بوی حکمت و معرفت شنیده است.

نیز این رباعی:

دین و دل به یک‌دیدن، باختیم و خرسندیم

در قمار عشق ای دل، کی بود پشیمانی؟

زاهدی به میخانه سرخ‌رو ز می دیدم

گفتمش: مبارک باد بر تو این مسلمانی!

نیز این رباعی:

در میکده دوش زاهدی دیدم مسّت

تسبیح به گردن و صراحی در دست

گفتم: ز چه در میکده جا کردی؟ گفت:

از میکده هم به سوی حق راهی هست

و این رباعی دیگر:

زاهدا به تو تقوی و ریا ارزانی

من دانسم و بی‌دینی و بی‌ایمانی

تو باش چنین و طعنه می‌زن بر من

من کافر و من یهود و من نصرانی

تا برسیم به دیگر اشعار و نوشته‌های عارفانهٔ

شیخ‌بهای که با دست‌اویزگردانیدن آنها، کسانی از

متشرّعان نزدیک به عصر وی –مانند ملا محمدطاهر

قمی او- را بزهارک شمرده و تکفیر کرده‌اند؛ و برخی

از متشرّعان معاصر ما همچون سید ابوالفضل برقی

قمی در تخطئهٔ او اهتمام نموده و مدّعی شده‌اند که وی

و همانندانش برخلاف تمام شیعه و اهل‌بیت عصمت ورفتا کرده‌اند!

یکسی از ملایانی که دههٔ اول قرن چهاردهم را درک کرده و به ملا فیض‌الله (دربندی؟) موسوم بوده، شیخ بهایی و گروهی از اهل معرفت را بسیار نکوهش نموده و دروغگو انگاشسته و دلباختهٔ زنان و جوانان و امردان و بچه‌ها قلمداد کرده؛ و برای اثبات این دعّوی، پارهای از ابیات شیخ را –که در آن به توصیف زیبایی‌های بدنی (کاکل مشکین...)، پرداخته – گواه آورده است.

همچنین این ابیات از فقیه و اصولی بزرگ محقّق نراقی:

در سسر هر کوچه‌ای صیّادهاست

مسجد و محراب پر شیّادهاست

بر فرساز منبر آن شیّاوزبان

هست صیّادی و تیسریش در دهان

هم به محراب، آن امام پُسر آوند

سبحاش دامست و دستارش کمند

دام چبود؟ مسجد و محرابشان

این نماز و وعظ و نان و آبشان

جَبّه و عَمّامه و تحت‌الحنک

درتشهدا نشستن بسر وَرک

و:

روی اندر مسجد و محراب کن

طعمه اندر نان جو کشکاب کن

دست اندر دامن سجّاده زن

رشتهٔ تسبیح در گردن فکن

تا مگر بغریبی از این عامه‌ای

گرم سازی بهر خود هنگامه‌ای

هیچ دام و دانه از بهر شکار

بهرتر از تسبیح و سجّاده میار

بهرتر از سجّاده دامنِ نزدِ کیست؟

دانه بهٔ از دانهٔ تسبیح چیست؟

و:

عمری شلازمین مدرسه‌بابوئی خواهم‌کنون

کفّارهٔ آن در حرم، طرح افکنم میخانه‌ای

و:

نمی‌خواهم مقامی جز خرابات

ز مسجد دل گرفت، از خاقه نیز

و:

گفتم که: آیا جویمت در کعبه‌یادر خاقه؟

گفتا: مرا خواهی، بیا دیر مغان، دیر مغان

و:

چه نلای از نماز و روزه زاهد؟!

گَنّه زین گونه من بسیار دارم!

آقای متشرّع و همفکران ایشان، خوب است بر

روی یکایک این ابیات – که نظایر آنها را علمای بزرگ

دیگر نیز فراوان گفته‌اند – تأمل کنند و ببینند مضمون

کدام یک از آنها، با تشرّع و ظواهر شرع، سازگارتر از آن دو بیت مثنوی است؟

و آیا بهتر نیست آقای متشرّع که آن همه کتاب و

مقاله برای معرفی علمای شیعه نوشته و– الحق نیز در

این صحنه بسیار زحمت کشیده – آداب ادبی آنها را هم

با چشم عنایت می‌نگریست تا بابدان با چشمی که او به

آن دو سه بیت مثنوی نگریسته و بر آن انگشت اعتراض

نهاد، کثیری از بزرگان مقبول در نظر او را نیز می‌توان

تخطئه و تکفیر و تفسیق کرد؟

استاد الهی به نقل از روضات الجنّات تألیف

خوانساری، حکایتی ظریف هم نقل کردند که من

جرات بازگو کردن آن را ندارم و در طّی آن حکایت،

چیزهایی بس نامقّدس، به کعبه و حجرالاسود و

مسجدالحرام و حرم تشبیه شده‌اند بدون ذکرِ بلا تشبیه –

و فرمودند:

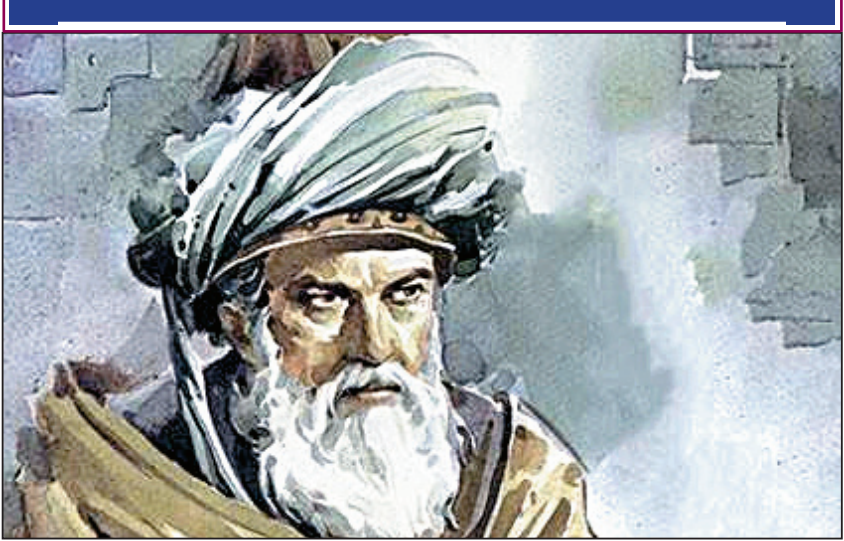
«من نمی‌دانم آقای متشرّع – با آن همه تنبّع در

کتاب‌های تراجم و رجال –این حکایت را در روضات

دیده‌اند؟ و اگر دیده‌اند، دربارهٔ ناقل آن – که عالم بزرگ

### حکیم الهی‌قمشه‌ای به قلم استاد اکبر ثبوت

## جدال با مدعی



دین سیّد صاحب روضات است – چه نظری دارند؟

آیا او را به جرم اینکه به بهانهٔ نقل حکایتی ظریف،

به مقدّسات اهانت کرده، تکفیر می‌کنند یا نه؟ و اگر

نمی‌کنند، چگونه مولوی و عرفا را به خاطر سخنانی

بسیار ملایم‌تر از آن تشبیهات محکوم می‌کنند؟»

یادآوری: به سروده‌هایی که استاد الهی به عنوان

نمونه آوردند، من این بیتِ دیگر از غزل معروفِ آیت‌الله

خمینی را می‌افزایم:

در میخانه گشایید به رویم شب و روز

که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم

و از همفکران ملا محمد طاهر قمی و آن آقای

متشرّع می‌خواهم که آن سه بیت مثنوی را کنار این

بیت بگذارند، و سپس بفرمایند که وقتی باید این

بیت را توجیه و بلکه تقدیس کرد، چرا باید از آن سه

بیت، چماقی برای کوبیدن به فرق مولوی و همهٔ عرفا

ساخت؟

**بر خورده‌های مولانا با رباب قدرت**

در دفتر ششم مثنوی به ماجرای حاکمی رسیدیم که چون برای نماز به سوی مسجد رهسپار می‌شد،

چماقداران او برای دور کردن مردم بیچاره از سر راه

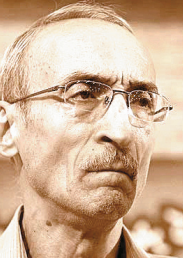
حاکم، با چماق به جان آنان می‌افتادند:

آن یکی را سر شکستی چوب‌زن

وان دگر را بردیدی پیرهن

در میانه بیدلی ده چوب خور

بی‌گناهی که برو از راه بُرد (دور شو)



مانند بردگان تذلّل نمود و

گفت: «حضرت مولانا مرا

پندی دهسد.» فرمود: «چه

پندی دهم؟ تو را به شبانی

گماشته‌اند، گرگی می‌کنی؛

پاسبانی‌ات فرموده‌اند، دزدی

می‌کنی. خدای رحمان تو را

سلطان کرد و تو به سخن

شیطان کار می‌کنی.» سلطان

گریان بیرون آمد...

نیز این حکایت:

روزی معین‌الدین پروانه نایب‌السلطنه مقتدر ایرانی

در دورهٔ حکومت سلاجقهٔ روم – به زیارت مولانا آمده

بود و او به وی رو نشان نمی‌داد. امیران بزرگ چندان

توقف کردند که عاجز شلشدن و انتظار از حد گذشت

و البته مولانا روی مبارک بدیشان ننمود؛ مگر در ضمیر

پروانه گذشته باشد که: «امیران عادل را – که اولوالامرند –

عزّت کردن و محترم داشتن بزرگان دین و مشایخ فقی،

قوّت جان و مددحال امیران می‌باشد، و از پرتو آن عنایت،

به راه راست ارشاد و هدایت می‌یابند؛ عجا گریز مولانا

از امرا و ملوک بنا بر چیست؟ چه علماء و مشایخ زمان،

التفات و عنایت امرا را به چراغ‌ها می‌طلبند و مردهٔ آنند؛ و

او از ما چنان‌که گریزه که بهشتی از دوزخ و میغ پُران از

دام!» از ناگاه حضرت مولانا از جماعت‌خانهٔ مدرسه بیرون

آمد و خود را به سان شیر غُرّان بدیشان عرضه داشت، و

در ضمن معارف، حکایتی روایت کرد که:

در زمان شیخ ابوالحسن خرقانی، سلطان مسعود

غازی، محمود سبکتگین برخاست و قصد زیارت شیخ

کرد؛ وزرا و اکابر ارکان دولت سلطان پیشتر دویندند تا

شیخ را از مقدم سلطان اسلام اعلام کنند؛ شیخ هیچ

نگفت تا وقتی که سلطان بر در باغچه خانقاه رسید.

حسن میمندهی درآمد و سر نهاد و گفت: «حسبهٔ الله برای

مصلحت اصحاب و رعایت خاطر سلطان، شیخ قدم

رنجه کند تا ناموس پادشاهی را خخلی نیفتد.»

شیخ صلا از جا نجبید تا سلطان بر در سرای

او رسید. وزیر پیشترک دودک که: «ای بزرگ دین!» در

قران مجید نخوانده‌ای که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و

اولی الامر منکم؟ زیرا عزّت و تعظیم اولوالامر از جملهٔ

واجبات است، خاصه این چنین سلطان ولی‌سیرت.»

شیخ جواب فرمود که: «من به حضرت اطیعوا الله چنان

مستغرق و مستهلک شده‌ام که هنوز به اطیعوا الرسول

نپرداختم تا به اولوالامر چه رسد؟» شعر:

مطربِ عشقِ این زند وقت سماع

بندگی بند و خداوندی صداع

بندگی و سلطنت معلوم شد

زین دو پرده عاشقی مکتوم شمد

غیر هفتاد و دو ملت کیش او

تختِ شاهان تخته‌بندی پیش او

~~~~~

زیرا گیاه بسیار بر آن رویده بود و نیازمند پاکوب شدن

بود، گرچه آمد و رفت، هر دو را به یک سان کوفته و

فرسوده بود.

~~~~~

و در آن صبح‌بدم، بر گهگاهی که هیچ گامی آن‌را

پایمال و سیاه نکرده بود. هر دو راه را یکسان در بر

می‌گرفت. راه اول را برای روزی دیگر گذاردم ولی،

چون می‌دانستم که هر راهی به راه دیگری می‌پیوندد، در

بازگشت خویش تردید داشتم.

~~~~~

سئالهای درازی پس از این، زمانی با حسرت

خواهم گفت: در راه در جنگلی از هم جدا می‌شدند،

و من – من راهی را برگزیدم که از آن کمتر آمد و

رفت شده بود. و همین سبب تفاوت بسیار شده است.

شعر «تلفن» یکی از سروده‌های عاشقانهٔ فراست است

که با ظرافت و باریک بینی گفته شده و نیروی تخیل

قوی شاعر را بازتاب می‌کند. شعر «تلفن» بیانگر این

نکته است که اگر دو انسان هماهنگی روحی داشته

باشند می‌توانند حتی بدون هیچ‌گونه وسیلهٔ ارتباطی از

پادشاهان جهان از بَـئـذَرگی

بسو نبردند از شراب‌بندگی

ورنه ادهم‌وار سرگردان و دنگ

ملک را برهم زدنـدی بی‌درنگ

همچنان معین‌الدین پروانه و امرا بجمعهم گریان

تأسف‌کنان بیرون‌آمدند.

~~~~~

روزی حضرت مولانا در صحن مدرسهٔ مبارک

سیر می‌فرمود واصحاب بجمعهم ایستاده، جمالِ پاکمال

آن سلطان را مشاهده می‌کردند؛ فرمود که: «در مدرسهٔ

را محکم کنیده (محکم ببندید). ناگاه سلطان عزالدین

با وزرا و اسرا و نژاب به زیارت مولانا آمدند؛ مولانا

به حجرهای درآمده خسود را پنهان کرد و فرمود (به

آنان بگوئید) زحمت نبرند؛ و چون جماعت مراجعت

کردند، یکی در مدرسه را به‌جذ می‌زد و به حدّث

می‌کوفت؛ درویشی خواست که در را بگشاید؛ مولانا

اجازه نداد و خود پرسید که: «کیست که در مردان را

می‌زند؟» پاسخ رسید: «بندهٔ پندگان، امیر عالم است» و

درآمد سجده‌کنان، تا حضرت مولانا بیامد؛ فرمود که:

«امیر عالم، قل هو الله أحد را برخوان تا بشنوم.» چون

بخواند، فرمود که: «حق سبحانه و تعالی می‌فرماید مرا

مادر و پدر و فرزند و ماندن و شریک و شبیه نیست؛

کنون ایام عمل و هنگام خدمت است؛ به وسع طاقـت

در طاعتش کوش و تکیه بر من مکن که مردان خدا،

خداصفت‌اند» این آیت را فرو خواند که: فلا أنساب

بینهم، تومنوذ ولایتساءلون.

استاد افزودند: مولانا از یک سو شیوهٔ امامان و اولیای

خدا را بهترین سرمشق برای برخورد با ارباب قدرت

شمرده و بنا بر گزارش‌ها، روزی از حضرتش سؤال

کردند که: «بعضی اولیا را متکبر می‌بینیم و آن تکبر بر

کجاست؟» فرمود که: «در مردان خدا، کبر کبرپایی باشد

نه کبر ربایی و تجبّر نفسانی و عجب جاه مردم جانی؛

چنانکـام جعفر صادق رضی‌الله عنه که گاه تزکیهٔ نفس

خود کردی و خلفا و ملوک را التفات نمودی؛ ولیکن چون

از آن تکبر او، گفت: حاشا! من متکبر نیستم، ولیکن چون

من از هستی خویش برخاستم، کبرپائی او مرا مستهلک

گردانید و به جای کبر من بنشست و این کبر از کبرپائی

اوست و من در میان نیستم.

گفت‌زبان کبر آوَرَد، کبرت نیازت راخورد

شو تو ز کبر خود جدا، در کبریا اوخته

از سوی دیگر نیز خلیفهٔ عباسی را با وجود حرمت

و قداستی که او و نهاد خلافت در میان عامهٔ اهل سنت

داشت، به دلیل رفتارهای مستکبرانهٔ خلیفه در کفران

نعمت‌های الهی و بخیل و ... با تحقیر یاد می‌کند؛ و

علی‌رغم متعصّبان ضِدّیهی که شکست خلیفه در برابر

مغولان و سقوط خلافت عباسی را پیامد توطئهٔ شیعیان

و پیشوای آنان خواجهٔ طوسی قلمداد می‌کنند، او نگاه را

به گردن خلیفه می‌اندازد و می‌گوید...

~~~~~

راه دور با هم رابطهٔ عاطفی برقرار کنند. تاکنون کسی

نتوانسته‌است با دلایل علمی ثابت کند چه عواملی

باعث بروز ارتباط احساسی میان دو نفر می‌شوند

ولی برکسی پوشیده نیست که این مسئله میان افراد

دارای همبستگی‌های روحی اتفاق می‌افتد، گویی

این اشخاص به طور ارادی یا غیرارادی اشعه‌ای در

پیرامون خود می‌پراکنند. به این پرتو افکنی عاطفی

که دارای ویژگی آهن‌ریاست مانیتمیس شخصی هم





میرزا محمدعلی خان و اسدالله میرزا با سبیل های بلندی که داشتند در نظر من که تازه وارد چهاردهمین بهار عمر می شدم مردانی سالخورده و موقر جلوه می کردند.

گفتگوی آن‌ها با صدای بلند بود و برای این که سایر مسافران گفته‌هایشان را نفهمند یا برای خودنمایی و فضل فروشی، به زبان فرانسوی صحبت می کردند. من معنی پاره‌ای کلمات و جمله‌ها را به زحمت درمی یافتم و با این که احساس می کردم که تسلط به آن ندارند آرزو داشتم بتوانم روزی ما فی الضمیر خود را مانند آن‌ها با آن زبان دوست‌داشتنی بیان کنم.

خط‌های واگن اسبی هر کدام دارای چند دوراهی بود. سر هر دوراهی واگنی که زودتر می رسید می‌ایستاد تا واگن مقابل برسد و بتواند به راه خود ادامه دهد. خط دروازه قزوین - میدان توپخانه که مورد استفاده ما بود چهار دوراهی داشت و بنابر این پیمودن آن بیش از نیم ساعت وقت می گرفت.

در مدت سه سالی که در مدرسه سیاسی به تحصیل اشتغال داشتم از هم‌دوره‌هایم کسانی که بیشتر مورد علاقه و دوستیم بودند، به ترتیب این‌ها بودند: میرزا جوادخان (عامری)، علیرضا خان (منصور) - برادر منصورالملک که با آن‌ها غالباً روی یک نیمکت جا داشتیم - میرزا محمدخان (شایسته)، ابوالقاسم خان (پوروالی)، میرزا محمدعلی خان (وارسته)، میرزا عیسی خان (بهنام) و میرزا ابراهیم خان (دهخدا) برادر میرزا علی اکبرخان دهخدا.

ما در اوقات فراغت غالباً گرد هم می آمدیم و درباره اوضاع سیاسی به بحث و گفتگو می پرداختیم. جلسات ما بسیار باحرارت و پرشور بود. تفریح ما گاهی بازی «آس» بود. از بازی های با ورق هنوز خوشبختانه هیچ اطلاعاتی نداشتیم. مدرسه البته صبح و عصر دایر بود و درس داشتیم. چون با دوری راه رفت و برگشت ظهر دشوار بود، ناهار را مثل عده‌ای از دانش‌آموزان دیگر با خود به مدرسه می بردم و با هم صرف می کردیم. این ناهار بیشتر اوقات عبارت بود از گوشت کوبیده و شامی و پنیر و گاهی پلو و خورش - که مادرم در قابلمه کوچکی جای می داد و با کتاب و کتابچه‌هایم در کیف دستی من می گذاشت. آن وقت در واقع بجز برای یکی دو درس کتابی وجود نداشت و معلمین درس‌ها را دیکته می کردند و ما می نوشتیم یا شرح می دادند و ما یادداشت برمی داشتیم و شب یادداشت‌ها را انشاء کرده و در کتابچه‌ها پاکتویس می کردیم.

مدرسه سیاسی در عرض سه سال سه بار تغییر محل داد. سال دوم به عمارتی واقع در اوایل خیابان علاءالدوله (فردوسی) منتقل شد و سال سوم به اوایل خیابان چراغ برق (امیرکبیر) رفت.

در سال اول، چنان‌که اشاره شد، ریاست مدرسه را میرزا محمدعلی خان (فروغی) عهده‌دار بود، دو سال آخر این وظیفه را دکتر سید ولی‌الله خان (نصر) برعهده داشت. وقار وطمأنینه و حسن رفتار و گفتار این دو شخصیت ممتاز، به خصوص سید ولی‌الله خان (نصر)، در روحیه ما نوجوانان تأثیر فراوان بخشید.

دکتر ولی‌الله خان گاه‌گاهی سر کلاس می آمد و با پندها و اندرزهای حکیمانه و اخلاقی خود ما را که اولین بار بود این سخنان را می شنیدیم،

ارشاد می کرد و می گفت شما جوانان اداره‌کنندگان آینده این مملکت باستانی پرافتخار خواهید بود. هر اندازه بیشتر علم فرا بگیرید و به اصول و موازین اخلاقی بیشتر آشنا بشوید و بیشتر به تجهیز ذهن و تزکیه‌ی نفس بپردازید شخصیت‌هایی خواهید شد که هم مورد احترام خودتان خواهید بود هم مورد احترام و تعظیم و تکریم دیگران و در عین حال به مقام‌های عالی مسئولیت‌دار مانند ریاست، وکالت، سفارت، وزارت ... خواهید

خاطرات دکتر سیاسی

## مسابقه رفتن



می دانستم، بسیار ناراحت شدم و بی‌اختیار گفتم: «این و من می‌گویم» که شما باید بگویید و من نباید بگویم، آیا شبیه به داستان آن معلمی نیست که زبان‌ش اندکی می‌گرفت و لام را خوب تلفظ نمی کرد و به شاگردش می‌گفت من می‌گویم انف، تو نگو انف تو بگو انف؟»

شاگردان بی‌اختیار زدن زیر خنده. استاد برآشفته‌گی خود را نشان نداد بلکه با متانت و آهستگی گفت: «نه، این طور نیست. این قیاس مع الفارق است». این جمله‌ی قلمبه عربی همه را ساکت کرد. من هنوز تحت تأثیر کم شدن نمره‌ام بودم. گفتم مقصود از قیاس مع الفارق چیست؟ این که جبران نمره را نمی‌کند. استاد گفت مقصود این است که این دو موضوع با هم فرق دارد و قابل قیاس نیستند و پس از این توضیح مجال سخن به کسی نداد. سایر نمره‌ها را خواند و درس را شروع کرد.

در ماه جوزا (خرداد ماه، هنوز نام‌های فارسی ماه‌ها معمول نشده و به کار نمی‌رفت) امتحانات سال سوم مدرسه را با موفقیت به پایان رساندم و آماده‌ی رفتن به کلاس چهارم که نخستین کلاس عالی برای نیل به درجه‌ی معادل لیسانس بود، می‌شدم که ناگاه رویداد تصادفی کوچکی سبب شد که مسیر زندگی من به کلی تغییر کند.

### مسابقه رفتن به اروپا

تعطیلات تابستان شروع شد. هیچ‌گونه وسایل تفریح برای جوانان وجود نداشت. من بیشتر اوقات خود را در اطاق کوچکی که مادرم توانسته بود به من اختصاص دهد می‌گذراندم و خود را به خواندن داستان‌های قدیم مانند اسکندرنامه، حسین کرد و نظایر آن و البته با کلیات سعدی، دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی که کتاب‌های سوگلی من بودند سرگرم می‌داشتم. در خارج از خانه تنها گردشگاه جوانان در تهران خیابان لاله‌زار بود. در آن‌جا در بالاخانه‌ای چاپخانه پارس یک سینما هم به‌تازگی دایر کرده بودند که فیلم‌های البته صامت نشان می‌داد. خیابان لاله‌زار میعادگاه دوستان و آشنایان بود. روزی که برای گسردش به آن‌جا رفته بودم

تصادفاً به هم‌کلاسی و دوست عزیزم علی‌رضا خان (منصور) برخورد. از دیدن یکدیگر بسیار شاد شدیم. در ضمن صحبت، علی‌رضا خان گفت: «امیدوارم موفق بشویم و با هم به اروپا برویم و آن‌جا هم تحصیلات خود را با هم دنبال کنیم. راستی خودت را برای مسابقه حاضر کرده‌ای؟» باتعجب گفتم کدام مسابقه؟ گفت: «مگر هنوز اسمت را نوشته‌ای؟ مگر نمیدانی که دولت تصمیم گرفته است سی محصل از طریق مسابقه انتخاب کند و برای تکمیل تحصیلات به اروپا بفرستد؟ من و محمدعلی خان (وارسته) اسممان را نوشته‌ایم.» گفتم، کجا باید اسم نوشت؟ گفت: «در دارالفنون، خیابان ناصریه». فردای آن روز به دارالفنون رفتم و نام‌نویسی کردم و ضمناً با محمدرحیم خان برادر ادیب‌الدوله که نظامت دارالفنون را برعهده داشت و معلوم شد که بر جریان مسابقه نیز نظارت خواهد کرد، آشنا شدم و تاریخ و برنامه امتحانات مسابقه را از او گرفتم و به دقت یادداشت کردم.

روز مسابقه فرا رسید. معلوم شد ۲۰۰ نفر اسم نوشته‌اند. یعنی تقریباً همه جوانانی که در ایران تا آن تاریخ تحصیلات متوسطه را تمام کرده و حق شرکت در مسابقه را پیدا کرده بودند. من از امتحان‌کنندگان فقط یک نفر را می‌شناختم و آن دکتر سید ولی‌الله خان (نصر) بود که پیش از این مکرر از او یاد شده است. او علوم طبیعی را امتحان می‌کرد. نام مهندس‌الملک معلم دارالفنون را هم شنیده بودم ولی دفعه اول بود که او را به هنگام امتحان ریاضیات می‌دیدم. سایر ممتحنین را نه تنها نمی‌شناختم بلکه اسمشان هم به گوشم نخورده بود.

از امتحاناتی که داده بودم. یک امتحان باقی مانده بود و آن امتحان صحت مزاج بود که توسط دکتر ملک‌زاده انجام می‌گرفت. این امتحان دو مرحله داشت. مرحله اول عبارت از این بود که داوطلب باید سرتاسر ایوان شمالی دارالفنون را در حال دو طی کند و در بازگشت در مقابل دکتر بایستد

دکتر دستی روی سینه او می‌گذاشت. شاید برای این‌که ببیند داوطلب به نفس نفس نیفتاده باشد و بعد دو دست را در زیر دل در کشاله‌های ران داوطلب می‌برد و چند ثانیه در آن‌جا نگاه می‌داشت. البته علت این حرکت دکتر برای من در آن زمان نامعلوم بود. چندی بعد یکی از رفقای مسن‌تر و با تجربه‌تر گفت این برای آن بوده که دکتر خاطر جمع شود که داوطلب مبتلا به بیماری مقاربتی نیست

اما مرحله دوم امتحان، مربوط به دید چشم داوطلبان بود و آن داستانی شگرف دارد. محل این امتحان را در تالار بزرگ دارالفنون، تالاری که جای جلسات سخنرانی و کلاس‌های پرجمعیت بود، قرار داده بودند. در ته این تالار یک تابلوی مقوایی در ارتفاع دو متری به دیوار آویخته بودند، نظیر آن‌چه در مطب چشم‌پزشکان و مغازه عینک‌فروشان دیده می‌شود. چند حرف از الفبای لاتین در چند سطر ترسیم شده بود.

در سطر اول، حروف نسبتاً درشت بودند و در سطور بعدی به تدریج ریزتر می‌شدند. دکتر ملک‌زاده دم در ورودی تالار نشسته بود و چوبی به دست یکی از داوطلبان داده او را مأمور کرده بود در ته تالار پای آن تابلو بایستد و با چوب حروف را یکی پس از دیگری با فاصله کافی نشان دهد و داوطلب مورد آزمایش که نزدیک دکتر ایستاده بود، نام آن حروف را بلند بر زبان آورد. البته نخست به حروف درشت سطر اول اشاره می‌شد بعد به حروف سطور دیگر. دکتر که صورت اسامی داوطلبان را در دست داشت در برابر نام داوطلب علامت رد یا قبول می‌گذاشت.

ادامه دارد



نکته

## گودرز گودرزی

«تزویر هم چون پول سیاهی است که با آن چیز ارزنده‌ای نمی‌شود خرید. هم چنان که با پول سیاه، یکی دو ساعتی بیش نمی‌توان زنده بود؛ به یاری تزویر نیز فقط می‌توان این‌جا چیزی را مخفی کرد و آن‌جا چیزی را به صورتی نادرست جلوه داد؛ اما هرگز نمی‌توان کرانه‌های دوردست را از راه آن دید یا آغاز و انجام رویدادی بزرگ را با هم ارتباط داد.

«نیرنگ‌باز نزدیک‌بین است و دورتر از پیش پای خود را به درستی نمی‌بیند و به همین سبب اغلب خود در دامی که برای دیگران می‌نهد دریند می‌شود.»

چند سطر بالا را که خواندید از کتاب «آلبوموف» یادداشت‌برداری کردم. و این میل و تمایل در من شکل گرفت که چند کلمه درباره‌ی کتاب بنویسم.

«آلبوموف» کتابی است نوشته‌ی «ایوان گنچارف». نام کتاب و نام نویسنده‌ی آن جار می‌زند که از خامه و ذهن یک روسی تراویده است.

«ایلیا ایلیچ آلبوموف» شخصیت اصلی این رمان است. کسی که سستی و تنبلی، نه تنها تن و جسم او را دربر گرفته؛ بل ذهن و جان او را نیز تسخیر کرده است. این رخوت و سستی چنان است که نوشتن یک سطر نامه برای او از سخت‌ترین کارها و برخواستن از رختخواب از پیچیده‌ترین امور در این جهان جلوه می‌کند. در این مدت چند سال، دوست و یار او، کانایه است و فرورفتن تا گردن در آن؛ در خانه ماندن و بیرون نرفتن؛ «لمیدگی حالت طبیعی او بود.»

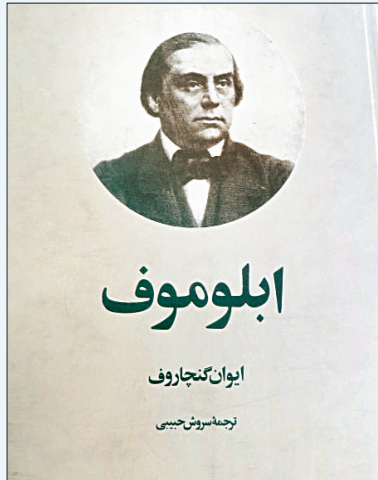
آلبوموف باداشتن نوکر و خدمت‌کار، نوکری که بند کفش او را می‌بندد و حتاً موی او را شانه می‌زند؛ اما دیوارهای خانه‌ی استیجاری‌اش و «کنار تابلوها



# ایوان گنچارف



ریسه‌های تار عنکبوت پربار غبار آویخته» است. این آلبوموف خُرده‌مالکی است که روستای «آلبوموکا» با ۳۰۰ رعیت (کارگر و کشاورز) از پدر به او ارث رسیده و به حال خود رها شده است. از آن‌جایی که او سواده‌اندیش و خوش‌باور است، هر دروغی که کلدخای ده در نامه برای او سرهم می‌کند



و می‌یافتد، باور می‌کند... اما رفتن به ده و سرکشی از اموال خود و کشاورزش، حکم مُردن دارد... او اصلاً زندگی و جهان را «بی‌معنی» می‌داند؛ از این‌رو کوششی نمی‌کند و خود را به زحمت نمی‌اندازد. تا این‌که «دل‌بستگی» آلبوموف ۳۲ ساله به دختری ۲۰ ساله، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. این علاقه و دل‌بستگی آن‌قدر عمیق و ژرف است که نوع اندیشیدن او را به زندگی، دگرگون می‌سازد؛ «خدایا! زندگی در این جهان چه زیباتر است!

«عشق» او را دوباره در راه زندگی قرار می‌دهد: سرزنده می‌شود؛ کتاب می‌خواند؛ می‌نویسد؛ پارک می‌رود؛ روزنامه‌ها را ورق می‌زند؛ مسایل سیاسی را دنبال می‌کند؛ «چرا سفیر فرانسه از رم فراخوانده شده است و به چه سبب انگلیسی‌ها کشتی کشتی سرباز به شرق می‌فرستند...»

آلبوموف، احساس رهایی می‌کند. اما آیا این واقعاً «رهایی» است؟ آیا این از چاله به چاه افتادن نیست؟ رهایی از بند «فسردگی»، گرفتار شدن به بند «علاقگی»؟

باید دید «طوق علاقگی» چه برسر آلبوموف می‌آورد.

... حالا مدتی از علاقگی آلبوموف به «الگا» و علاقگی الگا به آلبوموف گذشته است: سوز و گدازها؛ آه‌ها و اشک‌ها... تا این که آتش عشق شورانگیز این دو دل‌داده به یک‌دیگر، که در ابتدا پرهیبت بود و سرکش، ناگاه و به همان سرعت، رو به سردی می‌گراید؛ خاموش می‌شود و دیوار جدایی، سربلند می‌کند! چ الگا درمی‌یابد که آلبوموف، مرد زندگی او نیست؛ و اعتراف می‌کند که اشتباه کرده است. وقتی دو نفر نمی‌توانند هم‌دیگر را درک کنند و حرف هم را نمی‌فهمند، بودن فیزیکی کنار یک‌دیگر و زیر یک سقف، خودکشی است.

عامل و باعث این جدایی، خود آلبوموف کاهل و تن‌آسا است. الگا می‌گوید: «اشتباه کرده‌ام» آیا الگا چشم‌پسته تن به عشق او داده بود؟ خیر! او عاشق سادگی و بی‌شیل‌پله‌گی آلبوموف شده بود. از زبان همسر الگا - دوستی که او را با الگا آشنا کرد و برای آلبوموف زحمت‌ها کشید- می‌خوانیم:

«در او چیزی هست که از هر هوشی گران‌بهارتر است و آن قلبی شریف و باصفاست. طلایی است که در ذات اوست.»

باری! آلبوموف عاشق شد، بی‌آن‌که بداند عشق چیست. از این‌رو عشق خود را از دست داد! در هر جامعه‌ای آلبوموف‌هایی زندگی می‌کنند؛ و تعدادشان هم کم نیست! به بیانی دیگر؛ هیچ جامعه‌ای تهی و خالی از آلبوموف نیست. از این‌رو نمی‌توان آلبوموف را شخصی «مفرد» و «خاص» دانست و مخصوص و مختص یک کشور و زاینده و مخلوق یک فرهنگ.

درواقع آلبوموف نماینده‌ی جامعه‌ای بی‌تحرك، راحت‌طلب و تن‌پرور است.

به‌جز مسأله‌ی کمی، تأثیر کیفی آلبوموف چنان است که بسیاری از صاحب‌نظران از آن به عنوان «یک بیماری» یاد می‌کنند و شماری دیگر آن را «یک مکتب» می‌دانند: مکتب آلبومویسم! و این دومی چندان مورد پذیرش نیست. همان بهتر است که آن را بیماری بدانیم و آلبومویست را یک بیمار ببینیم.

بیمار را باید درمان کرد و نه مجازات؛ و درمان آلبومویست تنها و تنها «کار» است. آلبومویسم در جامعه‌ای ریشه‌کن نمی‌شود مگر آن‌که کار در آن

جامعه حرف نخست و اساسی را بزنند. کار و کوشش اقتصادی و تلاش برای تولید (از هر نوع)، دشمن سرسخت آلبومویسم است؛ و تنها با این سلاح و دارو می‌توان به جنگ این مرض و بیماری رفت و با آن مقابله کرد. آلبومویسم یعنی دل‌مردگی؛ و کار یعنی سرزندگی.

درواقع آلبوموف ناتوان نیست. او مانند هر فرد دیگری توانایی انجام هر کاری را دارد؛ اما سست است و کزخت. باید به او میدان داد. او می‌تواند شناگر قابلی شود، اگر آب در اختیارش باشد!

آلبوموف کوند و بی‌عقل نیست؛ اتفاقاً جاه‌طلبی در وجودش هست؛ مثل هر کس دیگر؛ اما عادت کرده است که هر چیزی را که بخواهد، نه با تلاش و کوشش خود که با رنج و تلاش دیگران به‌دست آورد.

یک پرسش: آیا کسانی که تنها حرف می‌زنند و با حرف‌های پوچ‌شان مردم را مجاب می‌کنند، هر یک آلبوموف نیستند؟ و مخاطبانی که حرف آن‌ها را «عمل» می‌پندارند، خود نیز یک‌پا آلبوموف نیستند؟! اشتباه نشود! آلبوموف تنها به یک فرد بی‌عار و بی‌کار و تنبل و مفت‌خوار اطلاق نمی‌شود؛ بل یک دانش‌گرفته و مدرک‌گرفته و اجتماعی هم می‌تواند آلبوموف باشد؛ اگر سودی برای خود و خانواده و و نقش‌سازنده‌ای برای اجتماعش نداشته باشد. در یک جمله؛ اگر کسی راه و هدف خود را نداند چیست، آلبوموف است.

پایان این نوشتار را اختصاص می‌دهم به سخن یک فیلسوف روسی؛ سخنی که بدان باور دارم. او می‌گوید:

« آلبوموکا میهن همه‌ی ماست. در یک‌یک ما مایه‌ی آلبوموفی فراوان است و هنوز وقت اقامه‌ی نماز میّت ما بر آلبومویسم نرسیده است.

«... ما هنوز زنده‌ایم و هنوز آلبوموفیم. هنوز از این بیماری‌های ریخته‌ایم.»

مآخذ:

«گنچارف، ایوان؛ «آلبوموف» (۱۸۹۱-۱۸۱۲)؛ ترجمه‌ی سروس حبیبی؛ ناشر: فرهنگ معاصر؛ چاپ ششم؛ ۱۳۹۴.

«آلبومویسم چیست؟»؛ مقاله‌ی ضمیمه‌ی کتاب؛ نوشته‌ی نیکولای الکساندروویچ دابرولیووف (۱۸۶۱-۱۸۳۶) فیلسوف و منتقد ادبی روس.

قبل از مغول قرن دوازدهم هستند. با شاهنامه سال ۱۳۷۰ کتابخانه توب کابی (Hazine ۱۵۱۱) ما کاملاً مناظر طبیعی نیمه اول قرن چهاردهم را پشت سر گذاشته و به دنیای مفهومی وارد می‌شویم که در آن نقاشی ایران تفوق و برتری خود را تا دیوستان و پنجاه سال دیگر حفظ می‌کند. چند درخت معدود در کنار انبوه گیاهان سنتی و کنده درختان مشاهده می‌شود ولی مفهوم تخیلی بر تمام تصویر حکمفرماست. عناصر بیشتر به عنوان سمبول هستند تا تزیین، مثلاً سه مرد نشانه یک قشون و دو قوس نشانه تپه‌ها و دایره سمبول دهانه چاه است. پیشرفت در ترتیب تاریخ کلی این مکتب به عنوان گامی به طرف جستجوی ارتباط خوش‌آیندی بین متن و مینیاتور، بسیار حائز اهمیت و قابل توجه است. از این به بعد قراردادهای قواعد تحت نفوذ طومارهای اصیل چینی و با نقاشیهای دیواری چینی قرار گرفته و خود را با صفحات کوچک کتاب هماهنگ می‌سازد. در نتیجه ناآرامی شدیدی بین واقعه و منظره به وجود می‌آید و هریک بیشتر از آنچه که هستند خودنمایی می‌کنند و اغلب لازم می‌آید که از فاصله‌ی دورتر از آنچه که برای خواندن یک کتاب لازم است، مشاهده شوند. این مسئله در روشی که در مورد زمینه به کار گرفته شده مشاهده می‌شود زیرا تا این تاریخ یا به وسیله پرده و یا دیوار، منظره بسته می‌شده است و یا با توالی سطوح، لایتنانی را نشان می‌دهاند ولی حالا چنین تدابیری به خاطر دنیای تصویری که در آن بیننده خودش در ایجاد صحنه شرکت می‌کند کنار گذاشته شده است. مثلاً در این کتاب سال ۱۳۷۰ منظره وحشی که بیژن در آن زندانی شده است به وسیله یک سری تکه‌های آبی نقش مانند همراه رنگ طلایی، گیاه را نشان می‌دهد. اژدهایی که بهرام به آن حمله می‌کند دیگر حالتی از کشتار حزن‌آور شاهنامه دمویت را ندارد. بلکه با رنگ آبی کمرنگ اژدهایی را که حرکتی همانند فنر تاب خورده دارد و یال او سیاه و خود بدقیقه است، نشان داده شده است حالا رنگ بیشتر به خاطر کیفیت خود رنگ است نه نمایش اشیاء، بنابراین هنر مینیاتور با مسیرهای مختلف خود در تبریز و شیراز به حل مشکل کتاب توفیق می‌یابد.

ترجمه: عربعلی شروه

آنها با گروهی از تصاویر کوچک شاهنامه که ما تصورشان را نمی‌کردیم ارتباط دارد که کلاً مربوط به نیمه اول قرن چهارده هستند ولی به اشکال مختلف آن را به مکتب تبریز و شیراز نسبت داده‌اند. اقلاً دو تا از این کتابهای کوچک خطی ورق ورق شده و در میان مجموعه‌های غربی‌ها پراکنده گردیده است ولی جلد نسبتاً بزرگتر آن در موزه فری‌ر حفظ می‌شود و هیچ‌کدام از آنها تاریخ ندارند، [تابلوی ۲۲] نسبت دادن این‌ها به سبک اصفهان توسط آنتیگوارسون صورت گرفت که در مورد تمام آن‌ها صدق می‌کند. کتاب‌های خطی دیگر دارای اندازه کوچکتری هستند و ممکن است از نظر زمانی نیز قدیمی‌تر باشند. آنها از نظر منظره فقیر هستند و در بعضی جاها گیاهی کوچک ویا درختانی به صورت پراکنده مشاهده می‌شوند. کتاب موزه فری‌ر نشان می‌دهد که بعضی از صفحات آن، محیط و دور قلّه کوهها با خط مشخص شده ولی مانند مینیاتورهای شیراز نیست بلکه از نظر رنگ متفاوت بوده و در آن خاکستری، آبی و نقره‌ای جای قرمز خام و زرد شیراز را می‌گیرد. در واقع مصرف زیاد نقره و طلا یکی از خصوصیات این کتاب است. ولی صفحات کوچکتر، از این نظر کمتر غنی هستند و بسیاری از آنها بر روی زمینه طلایی اجرا شده‌اند. در واقع آنها از نظر سبک شبیه به هم هستند و یک گروه واحد را تشکیل می‌دهند و از نظر طراحی حساس، ظریف و قابل توجه‌اند و از نظر حرکت حیوانات بخصوص حرکت اسب نیز قابل تحسین می‌باشند. لباس‌ها و سلاح‌ها کاملاً مغولی هستند ولی از نظر روحیه، خصلت مینیاتورهای شاهنامه دمویت ایلخانی را دارند و همانقدر که شاهنامه دمویت پهلوانی و شفقت‌برانگیز است این‌ها شاد و داستانی هستند. در واقع به نظر می‌رسد که سنت ملی قدیمی‌تر را منعکس می‌کند ولی تقلید از اثر قلم‌ماهرانه چینی در آن برای اولین بار در هنر شیراز مشاهده می‌شود. صفحات کتاب مونس‌الاحرار سال ۱۳۴۱ بخصوص از نظر کشیدن حیوانات، حذف‌فصل بین هر دو است. خلاصه بودن آنها تمرکز روی لحظه دراماتیکی حرکت را ممکن ساخته و بنابراین به خاطر هماهنگی با متن که با شیوه قدیمی و منسوخ نوشته شده است متناسب شده‌اند. این کمپوزیسیونهای ساده یادآور ظروف سفالی

ادامه از صفحه اول

که در آن پیکرها از رویور بوده و جایگاه شخصیتها در تصویر نسبت به مقام آنها تعیین شده است. احتمالاً پله‌ها از نقاشیهای دیواری گرفته شده‌اند. صورت‌های خشن مردها و ریش‌ها و ابروهای کاملاً مشخص نیز از خصوصیات قدیمی ایران است که در نقاشی آسیای مرکزی بعد از ساسانیان خود را ظاهر می‌سازد.

کتاب خطی دیگری که بایستی به شیراز نسبت داده شود یک کتاب گلچین علمی یا فرهنگ می‌باشد که به نام مونس‌الاحرار مشهور است و به خط خود مصنف یعنی محمدبن بدر جاجرمی به تاریخ ۱۳۴۱ است. این کتاب خطی که قبلاً جزو مجموعه گورکیان بود حالا صفحات آن در موزه‌های پریستون، کیولند، متروپولیتن و گالری فری‌ر پراکنده است تابلوی [۲۳ و ۲۴]. تصاویر آن در سه یا چهار قسمت و پهنای صفحه که خود با رنگ قرمز معمولاً یکدست و همراه با تزیینات گل‌دار است همانند فرهنگ مشهور لاروس دارای تصاویر جداجدا می‌باشد. آنها از تمام آثاری که مربوط به مکتب شیراز می‌دانیم ظریف‌تر کشیده شده‌اند و شاخه‌های به سرعت ترسیم شده آن گاهی یادآور کتاب خطی منابع‌الحیوان از کتابخانه مورگان است. معمولاً این شاخه‌ها در صفحات موجود کیولند و به مقیاس زیادتر در طراحی مربوط به نجوم موزه متروپولیتن پرکننده فضا هستند [تابلوی ۲۴] و طراحی پیکرها نیز نزدیک به گروه شیراز است. امکان دارد در ۱۳۴۱ بسیاری از نقاشان دربار از تبریز به جاهای دیگری رفته باشند و احتمالاً یکی از آنها اجرای عالی این صفحات را به عهده گرفته باشد. به هر حال امکان دارد که مکاتبی مشابه از نقاشی در کتاب، در اصفهان وجود داشته که سرنوشت سیاسی آنها همان سرنوشت شیراز را پیدا کرده است. برخلاف آنچه که ما فکر می‌کردیم ظرافت این طراحی‌ها و کیفیت عالی خطوط در شکل حیوانات

# سنت نگارگری ایران



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۱۷ خردادماه ۱۳۵۶ (برابر با ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۹۷ و ۷ تیر ۱۴۰۷) نقل شده است

## به سفارش «پیر گاردن» فرانسه

## کتوشلوار دوخت ایران به فرانسه صادر میشود

به سفارش و با طرح پیرگاردن معروف ترین تولیدکننده پوشاک فرانسوی، کت و شلوار مردانه تولید کارخانجات ایران به فرانسه صادر خواهد شد. براساس گفتگوهایی که هم اکنون بین مدیران کارخانجات «جامکو» تولیدکننده پوشاک در ایران و مدیران پیرگاردن در جریان است، شرکت مذکور به سفارش این عرضه کننده معروف پوشاک، تعدادی کت و شلوار مردانه در ایران تولید می کند و به فرانسه می فرستد. کارخانجات تولیدی پوشاک «جامکو» در حال حاضر روزانه ۴۰۰ دست کت و شلوار مردانه می دوزد و با قیمت های حداقل ۲۰ و حداکثر ۹۲۰ تومان در سراسر کشور بمصرف کننده عرضه میکند قسمت اعظم پارچه های مصرفی پوشاک این کارخانجات از خارج و بویژه اسپانیا، ایتالیا وارد می شود.

## جاده های هراز

## چالوس و فشم روزهای تعطیل یکطرفه است

مقررات عبور و مرور در جاده های چالوس، هراز و فشم در روزهای جمعه و سایر ایام تعطیل از طرف پلیس راه و ژاندارمری تغییر کرد و بشرح زیر اعلام شد.  
\* جاده هراز، حداثا فصل پیست ابعلی بطرف تهران یکطرفه است.  
\* جاده چالوس حداثا فصل گچسر به طرف کرج یکطرفه است.  
\* جاده فشم بطرف سه راهی گردنه قوچک نیز در روزهای تعطیل یکطرفه است.

براساس همین گزارش در روزهای جمعه و سایر ایام تعطیل حرکت کلیه تریلرها، کامیونها، وانت بارها (باستثناء وسائط نقلیه حامل مواد سوختی فاسدشدنی) و موتورسیکلت ها از ساعت ۵ صبح الی ۱۱ شب در محورهای هراز، چالوس و فشم ممنوع خواهد بود.

## ایران ۱۵۰ هزار تن آهن از اروپا خرید

ایران ۱۵۰ هزار تن آهن از اروپا خرید، قرارداد خرید آهن از اروپا هفته گذشته در تهران بین شرکت معاملات خارجی و نمایندگان اروپا امضاء شد. نخستین محموله آهن آلات خریداری شده، که قسمت اعظم آن تیر آهن نمرات ریز است و بمنظور جلوگیری از کمبود وارد میشود، تا واسطه تیر ماه تحویل ایران خواهد شد.

## سیگار کشیدن در کمیسیونهای دولتی ممنوع میشود

بر اساس برنامه ای که در وزارت کشور مورد بررسی قرار گرفته است کشیدن سیگار در کمیسیونهای تمام سازمان های کشور ممنوع می شود. این برنامه پس از تأیید در وزارت کشور به تمام سازمانهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت ابلاغ خواهد شد. همچنین برای متخلفین از این مقررات جرائمی نیز در نظر گرفته می شود که طی بخشنامه ای که به همین منظور به سازمانها ابلاغ می شود میزان جرائم تعیین شده برای کسانی که در کمیسیونها سیگار دود می کنند نیز مشخص خواهد شد.

## مسیر بزرگراه اداوار پوش تعیین شد

عملیات ساختن پل بتونی بزرگراه داریوش (سید خندان) در تقاطع این بزرگراه با جاده قدیم شمعیران همچنان ادامه دارد این پل، قطعه ساخته شده بزرگراه داریوش را که اکنون ۴۵ متری سید خندان خوانده میشود امتداد میدهد و ثانیاً به جاده کرج می پیوندد و ادامه ساختمان بزرگراه داریوش در جلسه این هفته انجمن شهر به تصویب رسید. بزرگراه داریوش در دو مرحله و به فاصله چند سال ساخته خواهد شد. در مرحله اول بزرگراه داریوش پس از اتمام پل، امتداد می یابد و تا جردن کشیده می شود. این بزرگراه که در واقع ارتباط دهنده جاده ابعلی به جاده کرج است در مرحله دوم تا بزرگراه طرشت ادامه خواهد یافت.

۲۸ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران ارتقاء مقام یافتند  
۲۸ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران به مقام استادی و دانشیاری ارتقاء یافتند. اسامی ۱۲ استاد ۱۶ دانشیار دانشگاه تهران بدین شرح اعلام شد:

دکتر محمدصادق پیروز به مقام استادی دانشکده پزشکی رازی، فوزیه طاهباز استاد دانشکده کشاورزی، دکتر امان الله شفیعی استاد پایه علوم پزشکی، ابراهیم رشیدپور استاد دانشکده علوم تربیتی، آذر تاش آذرنوش استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دکتر ابوالقاسم بنی هاشمی استاد دانشکده پزشکی دارپوش کبیر، محمدباقر حجتی استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شیرین بیانی استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و...

قالب امروز



ترسناک ترین ریل های هوایی دنیا - مهر

پند بزرگان

«و کدامین ثروت است که محفوظ بدارید تا باد آنچه امروز شمار است، یک روز به دیگری سپرده شود. پس امروز به دست خویش عطا کنید، باشد که شاهد گوارای سخاوت، نصیب شما گردد، نه مرده ریگی وارثان را.»

جبران خلیل جبران

سرایه

جان گرچه درین باده بسیار شتافت مویی بندانست و بسی موی شکافت گرچه ز دلم هزار خورشید بتافت اما به کمال ذره ای راه نیافت عطار نیشابوری

## حفظ نظم تهران

محمد علی شاه قاجار در پی استقرار در باغ شاه (پادگان حر) و بازداشت گروهی از سران کشور و تبعید پاره ای از آنان به خراسان و اشغال نظامی سازمان های پست و تلگراف، از ۱۷ خرداد ۱۲۸۷ هجری خورشیدی حفظ نظم تهران را به پالکونیسک، ژنرال روس، و نیروی قزاق سپرد. مجاهدان مسلح مشروطیت هم در بهارستان و مجلس سنگربندی کردند تا از نمایندگان حفاظت کنند و به این ترتیب، شهر تهران در داخل حصار و باروی خود چهره یک منطقه نظامی را به خود گرفت. این اقدام محمد علی شاه سقوط او را تسریع کرد.

## تشکیل کمیته انقلاب سرخ در گیلان

میرزا کوچک خان و همفکرانش ۱۷ خرداد ۱۲۹۹ در گیلان کمیته انقلاب سرخ تشکیل دادند. وی یک روز پیش از این، روسای ادارات دولتی گیلان را زندانی کرده بود، ۱۸ خرداد تشکیل یک دولت محلی را در رشت اعلام داشت.

## جامعه ملل برقرار داد ۱۹۲۱ صحنه گذارد

جامعه ملل هفتم ژوئن ۱۹۲۲ پیمان دوستی ایران و روسیه شوروی را در ردیف قراردادهای فی مابین ملل ثبت کرد.

این قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میان دو دولت امضاء شده بود. دولت مسکو در این سند همه معاهدات تزارها با ایران از جمله قراردادهای ترکمن چای و گلستان را لغو کرد و برای ایران در دریای مازندران حق کشتیرانی مساوی با خود و با پرچم ملی اعلام کرد.

## پرده برداری از مجسمه فردوسی در تهران

۱۷ خرداد ۱۳۳۸ با برپایی مراسمی باشکوه، از مجسمه ابوالقاسم فردوسی در میدان فردوسی شهر تهران پرده برداری شد. تردید نیست که فردوسی بیش از هر کس دیگر به ایران و ایرانی خدمت بی شائبه کرده است.

همراه سال ۱۳۱۳ کارنوسازی آرامگاه فردوسی در توس پس از شش سال به پایان رسید و بیستم این ماه طی مراسمی با حضور رضا شاه و مستشرقین و ایرانیان سراسر جهان، ادیبان کشور و مقامات فرهنگی و دولتی گشایش یافت. ایرانیان شرکت کننده در مراسم ضمن قطعنامه ای به فردوسی لقب «میهن دوست ایران» داده شد.

www.iranianshistoryonthistday.com

## سودوکو

۱۹۲۳

|   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۷ |   |   |   | ۵ | ۱ |   |
| ۳ |   |   | ۹ |   |   |   |   |
|   |   | ۱ |   |   | ۴ |   | ۸ |
|   |   | ۲ |   |   |   | ۱ | ۵ |
|   |   | ۳ |   |   | ۴ |   |   |
| ۸ | ۱ |   |   | ۷ |   |   |   |
| ۴ |   |   | ۹ |   | ۱ |   |   |
|   |   |   |   | ۵ |   |   | ۹ |
| ۱ |   | ۹ |   |   | ۷ | ۳ | ۶ |

|   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۷ | ۱ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ |
| ۹ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۱ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ |
| ۷ | ۱ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ |
| ۲ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ |
| ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ |
| ۳ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ | ۵ |
| ۱ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۷ |
| ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۷ | ۱ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ |
| ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ | ۵ | ۳ | ۸ |

حل ۱۹۲۲

## جدول شرح در متن

۴۴۳۵

غلامحسین باغبان

| پاینتخت<br>آنتیوپی                 | نویسنده<br>«به کا»         | شیر نر<br>کیف سفری       | عضو صورت<br>آنها            | دروازه<br>بسکبیل<br>درف ندا | همدان<br>باستانی |
|------------------------------------|----------------------------|--------------------------|-----------------------------|-----------------------------|------------------|
| ۱                                  |                            |                          |                             |                             |                  |
| لوایم خانه<br>ساز صبری<br>دایره ای |                            |                          | لاستیک اضافی<br>نیروی زندگی |                             |                  |
|                                    | درخت<br>کریسمس<br>مقابل بد |                          |                             | درف<br>نوروزی               | دوال چرمی<br>ب   |
| دنباله رو<br>سوزن<br>گواهان        | امتداد<br>فهمیده           |                          |                             |                             |                  |
|                                    |                            | نابود<br>قالبی<br>در شعر |                             |                             |                  |
| پوست کن<br>کجاست؟                  |                            |                          | ظاهر<br>ساختمان             |                             |                  |
|                                    | پیش<br>مشکل                |                          |                             | نفس خسته                    |                  |
| نشان افتخار<br>پرند های<br>شکاری   |                            |                          |                             |                             |                  |
|                                    |                            | زنگ<br>کاروان            | خواهش<br>نفس                |                             |                  |
|                                    |                            |                          |                             |                             |                  |
| شعر<br>فلانی                       |                            |                          |                             |                             |                  |
| بیم<br>و ترس                       |                            |                          |                             |                             |                  |

حل

۴۴۳۴